

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

عوامل جذب نوجوانان و جوانان

به مسجد



نشریات علمی

- ۴۷ -

حواله جذب جوانان و نوجوانان

به مسجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها – گروه پژوهش‌های کاربردی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد / گروه پژوهش‌های کاربردی دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد.
قم؛ تهران: ثقلین، ۱۳۸۶
۲۰۰ ص. - (انتشارات ثقلین: ۴۷)

ISBN 964 - 9960 - 12 - 0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. جوانان و اسلام. ۲. جوانان - مسائل اجتماعی و اخلاقی. ۳. نوجوانان - روانشناسی. ۴. مساجد - برنامه‌های فرهنگی.

الف. مرکز رسیدگی به امور مساجد. دفتر مطالعات و پژوهش‌ها گروه پژوهش‌های کاربردی. ب. عنوان.

۲۹۷ / ۲۸۳

BP ۲۳۰ پ/۹ ع

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

انتشارات ثقلین

ناشر:

گروه پژوهش‌های کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه و تنظیم

عباس رحیمی

حروفچینی و ناظر چاپ:

چاپ نینوا - قم

لیتوگرافی و چاپ:

رتعی - ۲۰۰ صفحه

قطع و تعداد صفحه:

چاپ اول - ۵۰۰ نسخه

چاپ و تیراژ:

۱۳۸۶ دیماه

تاریخ:



نشانی :

انتشارات ثقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه

کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۲

تلفن ۷۷۳۲۸۶۴ - دورنویس ۷۷۳۲۴۴۶۷

مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم و سوم

خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶

تلفن ۷۷۷۰۲۲۱۲ - دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شماره شابک ۹۶۴ - ۹۹۶۰ - ۱۲ - ۰

فهرست مطالب

۵

فهرست مطالب

۱۳ سخن ناشر
۱۵ پیش‌گفتار
۱۹ درآمد
۲۳ گذری بر پیشینه پژوهش

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۲۷ دوران نوجوانی و جوانی
۳۲ ویژگی‌های دوره نوجوانی
۳۲ ۱ - رشد جسمانی سریع، ناگهانی و نامتوازن
۳۳ ۲ - بلوغ
۳۴ عوامل مؤثر بر بلوغ
۳۴ (الف) جنسیت
۳۴ (ب) وراثت
۳۴ (ج) عامل جغرافیایی و فرهنگی
۳۵ (د) ساختمان بدن

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۲۵	ه) وضعیت تغذیه و سلامت
۲۶	و) روابط عاطفی و اجتماعی
۲۶	مشکل بلوغ زودرس و دیررس
۲۷	واکنش نوجوان نسبت به بلوغ
۲۸	۳ - رشد توان معرفتی و شناختی
۲۹	تحولات مهم معرفتی و شناختی
۳۹	الف) درک کلیات و امور معنوی
۴۰	ب) فرضیه‌سازی
۴۰	ج) استدلال منطقی و قیاسی
۴۱	د) استدلال اخلاقی
۴۲	ه) شناخت خود و تفکر درباره آن
۴۴	و) رشد قدرت تصمیم‌گیری
۴۶	تکوین نگرش
۴۷	۴ - رشد اخلاقی و هنجاری
۵۱	مطلوب بودن ارزش‌های اخلاقی دین
۵۱	۵ - رشد اجتماعی
۵۲	الف) نقش خانواده در رشد اجتماعی
۵۲	تداوم نقش خانواده در دوره جوانی
۵۳	خطر آسیب‌رسانی خانواده به هویت اجتماعی
۵۵	ب) نقش مدرسه در رشد اجتماعی
۵۶	ج) نقش گروه همسالان در رشد اجتماعی
۵۸	د) نقش پذیری و رشد اجتماعی

فهرست مطالب

۷	نقش و انتظارات
۵۹	
۶۰	حقوق و تکاليف
۶۱	تعارض نقش‌ها
۶۴	اختلال شخصیت اجتماعی
۶۶	تغییر رفتار اجتماعی
۶۷	نقش امام جماعت در تغییر رفتار اجتماعی
۶۹	۶- رشد گرایش مذهبی
۷۱	۷- رشد روانی
۷۱	تعريف خود و شکل‌گیری هویت
۷۵	هویت ثابت و متغیر
۷۶	عوامل شکل‌گیری و تغییر شخصیت
۷۷	عامل اول: والدین
۷۷	عامل دوم: گروه همسالان
۷۹	عامل سوم: الگوهای
۸۴	عامل چهارم: محیط و فضای اجتماعی
۸۶	عامل پنجم: ارزش و هنجارهای اجتماعی
۸۸	عامل ششم: خودباختگی و از خودبیگانگی
۸۹	مراحل شکل‌گیری هویت اجتماعی
۹۱	ویژگی‌های شخصیتی نوجوان
۹۱	۱ - تحول‌گرایی
۹۲	۲ - انرژی و نیروی فراوان
۹۲	۳ - شادابی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۹۲	۴ - لطافت روحی و حساسیت زیاد
۹۲	۵ - شجاعت و تهور
۹۳	۶ - همگرایی و فعالیت جمیع
۹۳	۷ - احساس از خود بیگانگی و نامنی
۹۴	هویت دینی
۹۵	بحran هویت

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد

۹۹	جذب و علل آن
۱۰۰	نیازهای نسل جوان
۱۰۱	۱ - نیازهای معرفتی و شناختی
۱۰۱	نیاز به داشتن نگرش صحیح
۱۰۲	عوامل تکوین یافتن نگرش‌ها
۱۰۲	(الف) نیازهای شخصی
۱۰۳	(ب) کسب اطلاعات
۱۰۳	(ج) تعلق گروهی
۱۰۴	(د) شخصیت فرد
۱۰۴	(ه) عزت نفس
۱۰۵	نظریهای تغییر نگرش
۱۰۵	نگرش‌ها و تغییر رفتار
۱۰۶	راههای تغییر نگرش
۱۰۷	تذکر لازم

فهرست مطالب

۱۰۸	۲ - نیازهای اجتماعی
۱۰۹	۳ - نیازهای روانی
۱۱۰	الف) هویت یابی
۱۱۰	شکل دهنده هویت دینی
۱۱۲	ب) امنیت
۱۱۲	ج) محبت
۱۱۳	د) خود شکوفایی
۱۱۳	نقش مساجد در برآوردن نیازها
۱۱۳	زمینه های جذب نسل جوان به مسجد
۱۱۴	انواع جاذبه
۱۱۴	عوامل جذب نسل جوان به مسجد
۱۱۵	۱ - عوامل بیرونی
۱۱۶	۲ - عوامل درونی
۱۱۷	۱ - احیای معنویت و کارکردهای مسجد
۱۲۴	۲ - شخصیت و ویژگی های امام جماعت
۱۲۴	الف) دانش گسترده و توانایی علمی
۱۲۶	ب) آراستگی ظاهري
۱۲۶	ج) ثبات و نظم امام جماعت
۱۲۷	د) احترام و تواضع
۱۲۷	ه) ارتباط و دوستی به ویژه با نوجوانان و جوانان
۱۲۸	و) درک موقعیت سنی نوجوانان
۱۲۸	ز) اهتمام به مسائل نوجوانان و جوانان

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۱۲۹	ح) روانی و شیوه‌ای گفتار
۱۲۹	ط) بیان فلسفه احکام و قوانین اسلامی
۱۳۰	ی) ابتکار و خلاقیت
۱۳۱	ک) اعتدال در آموزش و عبادت
۱۳۲	ل) انعطاف‌پذیری
۱۳۳	م) ارایه خدمات مشاوره
۱۳۴	ن) توانایی جسمی و جوانی
۱۳۴	س) انطباق گفتار و عمل یا ارایه الگوی عملی
۱۴۰	تأکید بر شناسایی وظایف و تکالیف سنگین روحانی
۱۴۱	۳ - بهسازی برنامه‌های تبلیغی فرهنگی مسجد
۱۴۱	عوامل مؤثر در برنامه‌های تبلیغی
۱۴۲	الف) شخصیت رساننده پیام
۱۴۵	ب) مخاطب (نسل جوان)
۱۴۶	ج) موقعیت پیام‌رسان و مخاطب
۱۵۲	توجه به تأثیر الگوی قضاوت اجتماعی
۱۵۶	۴ - بهروز بودن و استفاده از شیوه و ابزارهای مختلف
۱۵۸	روش‌های جذب گروه همسالان
۱۵۸	الف) مرحله شناسایی
۱۵۹	ب) مرحله نفوذ و جذب
۱۵۹	ج) واگذاری نقش و مسئولیت به نوجوانان در مسجد
۱۶۰	د) فضاسازی عمومی

فهرست مطالعه

۱۱

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد و راه مقابله با آن

۱۶۵	۱	- موانع بیرونی و راههای مقابله
۱۶۵		(الف) فضای نامناسب اجتماعی
۱۶۶		(ب) عملکرد نادرست یا ناقص نهادهای جامعه
۱۶۸		(ج) پدید آمدن نهادهای موازی و سازمانهای جایگزین
۱۷۰		پیدایش منابع جدید
۱۷۲		(د) مقطوعی بودن بعضی از نیازها
۱۷۲		راه مقابله با موانع خارجی
۱۷۲	۱	- توجه به وظیفه اساسی مسجد
۱۷۲	۲	- استفاده از امامان جماعت توانا و افزایش نقش آنان
۱۷۳	۳	- افزایش کارکردهای مساجد
۱۷۴	۴	- تلاش برای بهسازی فضای اجتماعی
۱۷۴	۲	- موانع درونی
۱۷۴		(الف) موانع مربوط به نسل جوان
۱۷۷		نقش مسجد در حل بحران
۱۹۰		(ب) موانع مربوط به مدیریت و برنامههای مسجد
۱۹۰		لزوم به روز کردن اطلاعات
۱۹۷		ضرورت بازسازی پایگاه اجتماعی و محبویت روحانی
۲۰۰		منابع و مأخذ

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد ۱۲

سخن ناشر

خداؤند سبحان را سپاس که آدمی را بیافرید و وجود او را با فطرت الهی و عقل و خرد ناب مزین ساخت و راه او را به سوی خویش آسان قرار داد و با هدایت درون و برون او را راهنمایی نمود.

درود بر پیامبر خاتم و اهل بیت مطهرش باد. پس از هبوط آدمی از بهشت نخستین و آرزوی همیشگی او برای رجعت به آن، طراحی خداوند چنین بوده است که قطعه‌هایی از بهشت رضوان الهی تحت عنوان معبد و «مسجد» در زمین ایجاد شود.

بدون تردید فطرت پاک و تکامل‌گرای انسان و هدایت ویژه الهی نوعی مطلوبیت و جاذبه معنوی برای مساجد را فراهم ساخته است ولی وجود غرایز در هستی ترکیبی انسان، فرهنگ رایج، فضای اجتماعی، تکاثر طلبی و نفس‌مداری و تبلیغات منفی دشمنان اسلام‌گاه چشمان آدمیان را از شهود مطلوبیت ذاتی مساجد باز می‌دارد و گاه وجود موانعی واقعی یا پنداری موجب واگرایی افراد و به ویژه نوجوان و جوانان از حضور در مسجد می‌شود.

شناخت نیازهای گوناگون و ساختار روانی-ذهنی گروه‌سنی نوجوان و جوان و برطرف کردن چالش‌های عارضی می‌تواند جذابیت مسجد و برنامه‌های آن را بهتر آشکار سازد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

کتابی که پیش رو دارید، متن آموزشی یکی از دروس دوره آموزشی
ائمه معظم جماعت است که از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد اجرا
می‌گردد.

انتشارات ثقلین نیز که هدف خود را گسترش فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام
قرار داده است، انتشار این اثر را به عهده گرفته است. امیدواریم که خداوند متعال
این تلاش علمی را از همگان بپذیرد.

انتشارات ثقلین

ذیحجه الحرام ۱۴۲۸

پیش‌گفتار

دین، نه تنها فلسفه و چرایی زندگی را توضیح می‌دهد، بلکه راه درست زندگی را نیز آموزش می‌دهد و روشن است که جز راهی که آفریدگار یکتا به انسان ارائه کرده است، همه راه‌ها، ناقص بوده و خواهند بود.

در تحلیل بسیاری از روان‌شناسان مانند ویلیام جیمز، اریک فروم و یونگ نیز این حقیقت آمده است؛ به طور مثال، فروم (۱۹۵۰) در کتاب روانکاوی و دین می‌نویسد:

«نیاز دینی یعنی نیاز به یک الگوی جهت‌گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان؛ هیچ کس را نمی‌توان یافت که فاقد این نیاز باشد».

فروم همانند یونگ در تحلیل عوارض ناشی از پیروی از مکاتب غیرخداوی اعتقاد دارد که جامعه صنعتی غرب، انسان را از فطرت خود دور کرده و پیدایش بسیاری از مشکلات را که سالیوان آن‌ها را مشکلات زندگی می‌نامد، ناشی از نبرداختن به دین الهی می‌داند.

امروز بیش از هر زمان دیگر، بشر نیازمند تفکر، اندیشه، اخلاق و رفتار

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

دینی است. بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران براین باورند که مذهب تأثیر انکارناپذیری بر سلامت روح و جسم و دیگر ابعاد زندگی بشر دارد. مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی یکی از آثار مبارک هويت دینی است؛ هرچه هويت دینی یک شخص افزایش یابد، مسئولیت‌پذیری او نیز به همان اندازه تقویت می‌گردد.

بدون شک دستورهای اسلام کامل‌ترین برنامه زندگی و دارای آثار و موهاب فراوانی به ویژه در مسائل اجتماعی، عاطفی، روحی و رفتاری است. از نظر اسلام طبقه‌بندی رفتار متأثر از مفاہیم بهنجار و نابهنجار است و تا زمانی که سلامت و بهنجاری اعتقادی حاصل نشود، سلامت روانی هم حاصل نمی‌شود ولی سلامتی اعتقادی و روانی، رفتار سالم و بهنجار با تمامی معانی آن را در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر نقش الگوها در رشد و انسجام شخصیت انسان انکارناپذیر و یکی از ابزارهای مهم تربیتی است زیرا انسان الگوطلب می‌باشد و به دنبال الگوها حرکت می‌کند، به آن‌ها دل می‌بندد و از آنها تقلید می‌کند و بدین‌گونه است که راه زندگی را می‌آموزد و چگونه بودن خود را رقم می‌زند.

الگوها نقش تربیتی مهمی دارند؛ الگوهای سالم، کامل و پویا در رشد صحیح روانی، اخلاقی، رفتاری و شخصیتی انسان نقشی به سزا دارند. چنان‌که الگوهای دروغین، منحرف و ضعیف، نقش تخریبی غیرقابل انکاری را در ساختار روانی و شکل‌گیری شخصیت انسان بر جای خواهند گذاشت.

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالشَّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّمَا ارْقَ ائِدَةَ أَنَّ اللَّهَ بَعْنَى بِشِيرًا وَنَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشَّبَانُ وَخَالَفَنِي الشَّيْوخُ». ^۱

«بِرْ شَمَاءَ بَادَ بِهِ جَوَانَانَ كَهْ قَلْبُ آنَانَ رَقِيقُ تَرْ وَأَمَادَهْ پَذِيرَشْ خَيْرَنَدْ؛ وَقَتِيْ خَداوَنَدْ مَرَا بَرَاهِ بَشَارَتْ وَانْذَارْ مَرْدَمَانْ بَرَانَگَيْخَتْ، سَالْخُورَدَگَانْ باْ مَنْ مَخَالَفَتْ كَرَدَنَدْ؛ اماْ جَوَانَانَ باْ مَنْ پِيمَانْ بَسْتَنَدْ».

ریشه بحران هویت کوئی نسل جوان را می‌بایست در تضاد میان امور و مسایل درون و بروون شخصیتی و الگوهای انتخابی آنان جست؛ هرگاه فرد نتواند میان خود، الگوهایش و ارزش‌های پذیرفته شده دینی، رابطه درست، منطقی و عاطفی ایجاد کند، گرفتار بحران و اختلال در هویت دینی می‌گردد. عوامل متعددی موجب می‌شود تا شخص نتواند میان ارزش‌های پذیرفته شده دینی و خود و الگوهایش رابطه درستی برقرار کند.

براین اساس مسجد نباید تنها به برآوردن نیازهای آموزشی و عبادی نوجوان و جوان اکتفا کند؛ بلکه مسجد باید در این دوره برای نوجوان به عنوان منبع ارضای عواطف و احساسات معنوی و روحانی در کنار منبع رشد شناختی و اجتماعی عمل کند. اگر مسجد این مسئولیت را به درستی انجام ندهد، تبعات آن دامن‌گیر دین، جامعه دینی و نسل جوان می‌شود. بزهکاری

۱. محدث البیضاء، ج ۳، ص ۱۲۲.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

و نابهنجاری رفتار، نخستین برآیند و نتیجه نادیده گرفتن شرایط و مقتضیاتی است که نوجوان در آن قرار گرفته است.

در این نوشتار که به عنوان متن آموزشی برای امامان جماعت تدوین شده، تلاش برآن است که ضمن شناخت گروه سنی نوجوان و جوان و خواسته‌ها و نیازهای آنان، زمینه و عوامل گرایش و واگرایی آنان نسبت به مسجد شناسایی و تبیین گردد و راه کارهایی برای حل مشکلات موجود ارایه گردد.

در اینجا لازم است از پدید آورندگان این اثر گرانسنتگ حجج اسلام خلیل پور منصوری و علی محمدی آشنانی تشكیر و سپاسگزاری نماییم و توفیقات روز افرونshan را از درگاه حضرت احادیث جل و علا خواستاریم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

دفتر مطالعات و تحقیقات - گروه پژوهش‌های کاربردی

علی رضایی بیرجندی

درآمد

از آنجاکه درک و تبیین دقیق وظایف مسجد، انتظارات ما را نسبت به مسجد و کارکردهای آن تصحیح می‌کند، قبل از بحث، وظیفه و کارکرد اصلی مسجد بیان می‌گردد.

بدون شک تحديد، تعیین و مشخص کردن وظایف مسجد به عنوان یک نهاد دینی جز با آیات و روایات ممکن نیست. خوشبختانه کار ویژه و مأموریت اساسی مسجد در آیات قرآنی و سنت معتبر به خوبی تبیین و مشخص شده است.

مسجد در بینش قرآنی و آموزه‌های وحیانی، جایگاه تعالیٰ جمعی بشر است. این مکان با این نام و اسم خاص، در اصطلاح دینی مکانی است که مردمانی بدون توجه به هیچ اختلاف سنی، جنسیتی، نژادی و طبقاتی و اجتماعی گرد هم می‌آیند و به پرستش خدا آن سرچشمه کمال و زیبایی‌ها می‌بردارند. این خانه عمومی، خانه مردمان و به تعبیر زیبای قرآن خانه توده مردم و ناس است نه خانه شخص و یا گروه یا آیین و شریعتی خاص؛ از این روست که در آموزه‌های قرآنی از مسجدالحرام به «اوّل بیت وضع للناس» یاد می‌شود.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

افزون برآن، از مسجد به عنوان پایگاه عبادت و تجمع عبادت‌کنندگان و مرکزی برای دست‌یابی اشخاص به توحید، معنویت، یاد خدا^۱ و تقوا، ترکیه و طهارت نفس^۲ سخن به میان آمده است؛ قرآن مساجد را به عنوان پایگاهی ضدستم و ظلم معرفی می‌کند^۳ و یکی از مهم‌ترین دلایل تشریع جهاد در قرآن پایداری از حریم مقدس مساجد دانسته شده است:

«اگر خدا بعضی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی‌کرد،
دیرها، کلیساها، کنشت‌ها و مساجدی که در آن‌ها یاد
^۴
خدا بسیار بردۀ می‌شود، ویران می‌شد».

همچنین مساجد در برخی از روایات، به عنوان مکانی برای آموزش‌های دینی و بستر و زمینه‌ساز پرورش انسان‌های پاک و فعال در امور اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه نیز مطرح شده است. پیامبر ﷺ مساجد را جایگاهی برای آموزش دانش دینی دانسته، می‌فرماید:

«ما جلس قوم فی مسجد من مساجد اللہ تعالیٰ یتلون کتاب اللہ
و یتدارسونه بینهم الّا تزلت السکينة و تشملهم الرحمة
و ذکرهم اللہ فیمن عنده». ^۵

۱. نور: ۳۶ نیز «ومَساجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَبِيرًا» حج : ۴ .

۲. توبه: ۱۰۷ و ۱۰۸ .

۳. بقره: ۱۱۴ .

۴. حج: ۴۱ .

۵. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۳ ، ص ۳۶۳ .

«گروهی در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت قرآن و آموختن آن با یک دیگر نشستند مگر آن که آرامش بر ایشان فرود آید و رحمت الهی آنان را در برگیرد و خدا از ایشان در میان کسانی که نزد او هستند، به بزرگی یاد کند».

آن حضرت ﷺ هم چنین می‌افزاید:

«اما نصب المساجد للقرآن». ^۱

«مساجد برای قرآن بنیاد نهاده شده است».

و نیز می‌فرماید:

«اگر شخصی بامدادان و شبانگاهان راه مسجد را در پیش گیرد و تنها هدف او فraigیری راه خیر و نیکبختی باشد یا بخواهد آن را به دیگری یاد دهد، همانند مجاهدی است که در راه خدا جهاد کرده و با غنیمت بازگشته است». ^۲

رسول خدا حلقات آموزشی را می‌پستدید و در آن شرکت می‌کرد. تاریخ بسیاری از موارد آن را نقل کرده است. در کتاب زندگی نامه یاران و اصحاب ایشان آمده است:

۱. جواهرالكلام، شیخ حسن نجفی، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲. الموطا، مالک بن انس، چاپ مصر، ص ۵۶۰.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

«کنا فی مسجد رسول الله حلقاً اتَّحدَثْ فَإِذَا خَرَجَ عَلَيْنَا
رَسُولُ اللهِ مِنْ بَعْضِ حَجَرٍ فَنَظَرَ إِلَى الْحَلْقِ. ثُمَّ جَلَسَ إِلَى الصَّاحِبِ
الْقُرْآنَ فَقَالَ: بِهَذَا الْمَجْلِسِ أَمْرَتِ». ^۱

«ما در مسجد رسول الله به صورت حلقه‌هایی نشسته
بودیم و سخن می‌گفتیم که رسول خدا از یکی از
اتاق‌هایش بیرون آمد و پس از نگاهی به حلقة‌ها،
در گروه قاریان قرآن نشست و فرمود: من به حضور در
این حلقه مأمور شده‌ام».

در روایتی دیگر آمده است که؛ آن حضرت دو گروه دید که یکی نماز
می‌گذاشتند و خدا را به ادعیه و نماز می‌خواندند و گروه دیگری تعلیم دین
می‌دیدند، آن حضرت درباره آنان گفت:

«هر دو مجلس نیک است آن گروه خدا را می‌خوانند
و آن گروه دیگر دانش می‌آموزند و مطالب را به نادانان
می‌فهمانند. سپس افزود: این گروه دوم برترند و من
برای تعلیم و آموزش فرستاده شده‌ام». ^۲

۱. حیات الصحابة، لکاندھلوی، چاپ بیروت، ج ۳، ص ۱۰۶.

۲. منیة المرید، زین الدین (العاملي)، چاپ، ص ۲۶.

گذری بر پیشینه پژوهش

در خارج و داخل کشور در مورد جذب و دفع نسبت به مسجد پژوهش‌های تئوریک و میدانی نسبتاً خوبی صورت پذیرفته است؛ به عنوان نمونه در کشورهای دیگر جهان، «ایوان یازبک» و «آدیرث لومیس» در سال ۱۹۸۳ مطالعه‌ای در باره مساجد آمریکا انجام داده‌اند. در این تحقیق که فعالیت‌های مسجد سه ناحیه از آمریکا شامل نیویورک، میدوست و سواحل شرقی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و گزارش آن در قالب کتابی تحت عنوان «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده آمریکا» (۱۳۷۱) منتشر شده است، نشان می‌دهد که میان سن و میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد، رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که جوانان بیشتر از افراد مسن به مسجد می‌روند، هم چنین افراد متاهل بیشتر از مجردین در مسجد حضور می‌یابند.^۱

در درون کشور نیز مراکز فرهنگی بر مبانی مختلف نظری به بررسی علل کاهش حضور مردم در مساجد پرداخته‌اند؛ این پژوهش‌ها، تغییر نیازهای مردم، عدم تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای کنونی مردم، سن و افزایش میزان تحصیلات، حضور یا نرفتن والدین به مسجد، جنسیت، نحوه نگرش نسبت به استفاده از مسجد، نحوه دین‌داری، جو اجتماعی - فرهنگی حاکم بر مساجد، ارتباط یا عدم ارتباط با نهادهایی که ما از آنها به عنوان نهادهای رقیب مسجد یاد می‌کنیم همچون حسینیه، نمازخانه، کتابخانه، مهدیه، فرهنگ‌سراه‌ها و مانند آن، نحوه مدیریت برنامه‌های آموزشی و پرورشی مسجد.

۱. پژوهشگران فرهنگی، ص ۱۳۷ - ۱۳۸.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

براساس این پژوهش‌ها افزایش جاذبه‌های معنوی مساجد که خلاهای زندگی در دنیای مدرن را به خوبی پرمی‌کنند، توسعه و ارتقای کارکرد آموزشی و پرورشی مساجد، تغییر هنجرهای و الگوهای رفتاری اهل مسجد نسبت به گروه سنی نوجوان و جوان، می‌تواند در جلب و جذب آنها مفید باشد، آری اگر جوان، جاذبه‌های لازم را در مسجد بیابد، به مسجد علاقمند می‌شود و به مراکز نامطمئن نمی‌رود.

ویژگی‌های امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد (نظافت، ساختمان و امکانات رفاهی مورد نیاز)، هیأت امنا، کتابخانه مسجد، کانون‌های فرهنگی و هنری، کوتاه یا طولانی شدن نماز جماعت، از مهم‌ترین عوامل جذب است.

فصل اول

دوره نوجوانی و جوانی

دوران نوجوانی و جوانی

شناخت دوره نوجوانی و جوانی برای همه مسئولان به ویژه امامان جماعت یک ضرورت است، زیرا این امکان را فراهم می‌آورد تا نخبگان، مدیران و رهبران دینی، با برنامه‌ریزی مناسب، جامعه‌ای سالم و به دور از کثر روی‌ها و ناهنجاری‌ها پدید آورند.

تذکر این نکته لازم است که ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی را باید امری ضد ارزشی و منفی، تلقی نمود؛ بلکه باید آن را ظرفیت مناسبی برای رشد و تعالی فرد و جامعه دانست که می‌تواند تهدیدهای احتمالی را به فرصت‌های یقینی تبدیل کند.

معمولًاً سنین میان ۱۲ تا ۲۰ سالگی را دوره نوجوانی می‌نامند. در این دوره، نوجوان، با تحولات گسترده فیزیولوژیک، شناختی، هیجانی و اجتماعی رویه‌رو می‌شود. دوره نوجوانی، از نظر علمی دارای نقاط ابهام فراوانی است و هنوز بسیاری از ابعاد و جوانب این دوره شناخته نشده است. نوجوانی دورانی مهم و تأثیرگذار است و آثار و برآیند آن بر زندگی آدمی، در آینده هر فردی خود را نشان می‌دهد. آشنا شدن ویژگی‌ها

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

و پیچیدگی‌های شخصیت این گروه سنه، چگونگی تعامل با این گروه عظیم اجتماعی و مؤثر و آینده‌ساز را به ما نشان می‌دهد.

روان‌شناسان دوره نوجوانی را به دو مرحله پیش از بلوغ و پس از آن

تقسیم کرده‌اند:

۱- سال‌های پیش از بلوغ را مرحله نگرانی‌ها و بحران‌های جسمی و روانی می‌دانند که همراه با تغییرات و دگرگونی‌های چندگانه و ژرفی است که میان کودکی و نوجوانی، تمایز محسوس و قابل توجهی به جای می‌گذارد.

۲- سالیان پس از بلوغ جنسی و جسمی، مرحله وجود و شور و شباب و جوانی است.

بیشترین تغییرات و دگرگونی‌های دوره زندگی انسان در دوره بلوغ و آغازین روزهای نوجوانی یعنی از یازده تا چهارده سالگی رخ می‌دهد. جهش رشدی با یک تصور ذهنی کمال طلبانه از بدن و جسم آغاز می‌شود و نوجوانان با این نگرانی دست به گریبان هستند که آیا به آن چه امیدش را دارند، تبدیل می‌شوند؟ آنان گرایش به استقلال طلبی دارند و می‌خواهند از وابستگی شدید دوران کودکی به پدر و مادر رهایی یابند و از سوی همسالان پذیرفته شوند. بسیاری از آنان در نگرانی به سر می‌برند زیرا می‌ترسند به چشم دیگران متفاوت بیایند و طرد شوند.

نوجوانان در سایه‌ی نوجوانی و در سال‌های پانزده تا هفده سالگی معمولاً دوره‌ی اوج جهش رشدی را پشت سر می‌گذارند. آنان در پایان نوجوانی یعنی هفده سالگی تا بیست سالگی سازگاری پیدا می‌کنند و تجربیاتی را به دست می‌آورند که تعامل با محیط بیرونی و مسئولیت‌پذیری را در ایشان تقویت می‌کند.

۲۹ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

«هدفیلد» مرحله بلوغ را از ۱۲ تا ۱۵ سالگی و مرحله نوجوانی را از ۱۵ تا ۱۸ سالگی دانسته و این مرحله را آغاز تخصص و تکمیل معلومات عمومی بر شمرده است و می‌نویسد:

«گرایش نوجوان به امور معنوی و دینی، امری خطیری است که می‌بایست شکوفا گردد». ^۱

تغییرات مختلف بیولوژیکی، فیزیکی و جسمی، نوجوانی را به عنوان دوره دشوار زندگی و یکی از بحرانی‌ترین مراحل شکل‌گیری شخصیت انسان تبدیل کرده است. تغییرات و دگرگونی‌های این دوره تنها در یک جنبه خلاصه نمی‌شود، بلکه در ابعاد مختلف عاطفی، جسمی و روانی و نیز ارزش‌های مختلف آن ایجاد می‌شود.

اگرچه گاهی فرآیند دوره رشد ممکن است، برای نوجوان بسیار مشکل و دشوار باشد، اما همه انسان‌ها به شکلی این تجربه را تحمل می‌کنند و از سر می‌گذارند.

تغییرات محسوس و بسیار دوره نوجوانی، آن چنان شدید و مهم است که «ارسطو» نوجوانی را دوره تندمزاجی و تسلیم در برابر غراییز توصیف می‌کند و «ژان ژاک روسو» آن را «تولد دوم» می‌نامد.

«استانلی هال» دوره نوجوانی را به دوره توفان یا جهش ناگهانی تعبیر می‌کند و «موریس دوبس» از آن، به انقلاب، سرکشی و نوآوری یاد می‌کند.

۱. روزنامه همشهری، ۲۲ آذر ۱۳۷۹، ص ۲۰.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

«کورت لوین» با اشاره به دشواری‌های دوره نوجوانی بر این باور است که کودک و یا بزرگسالان، هر کدام بار یک دوره کودکی یا بزرگسالی را به دوش می‌کشند؛ ولی نوجوان مجبور است هر دو را یکباره تحمل کند؛ زیرا به دو جهان متفاوت تعلق دارد، از یک سو کودکی است که وضع خاص خود را دارد و از سوی دیگر همچون بزرگسالی است که تعهد و مسئولیت بر دوشش سنگینی می‌کند.

«فروید» با تأکید بر اهمیت غرایز جنسی و تقویت و شکوفایی آن در دوره نوجوانی، این دوره را دوره بیداری غرایزه جنسی و تجدید عقده «اویدیپ» می‌نامند.

«اریکسون» با نگاهی به واکنش‌های شدید نوجوانی از این دوره، به عنوان رشد انحلال وابستگی و بحران هویت و شکل‌گیری آن در قالب تضادهای دوگانه درونی و بیرونی یاد می‌کند که بیانگر دشواری‌های است که نوجوان را با خود درگیر می‌سازد و امان و آرامش را از وی سلب می‌کند.

«لورنس کهلمبرگ»، دوره نوجوانی را، دوران درون‌سازی اصول اخلاقی فراتر از قرار دادهای سنتی و تحمیلی می‌نامد و «پیازه» این دوره را با هویت، نفی، تقابل و همبستگی متمایز می‌کند.

«الن» می‌گوید: ایجاد بحران در شخصیت نوجوان، مشابه بحران دوره سه سالگی است. هم چنین «گزل» دوره نوجوانی را سن شیفتگی و شگفتگی در امور

۳۱ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

عقلانی، مذهبی و هنری توصیف می‌کند.^۱

بنابراین، دوره نوجوانی از مهم‌ترین دوره‌های رشد آدمی به شمار می‌آید، این دوره واجد چهار تحول و انقلاب بزرگ است که دوره‌های بعدی زندگی بشر را هویت می‌بخشد:

۱. انقلاب هورمونی و یا تحول زیست شناختی.

۲. انقلاب و تحول عقلانی و یا دوره پدید آیی تفکر انتراعی.

۳. تحول عاطفی یا ظهور عواطف و هیجانات متنوع نوین.

۴. تحول ارزشی، اخلاقی و دست‌یابی به استقلال اخلاقی.

براساس نظر روان‌شناسان، هم‌زمان با دگرگونی‌های دوران بلوغ و پیدایش تمایلات غریزی، احساس روحی خاص و متفاوتی در جوانان پدید می‌آید که این احساس ویژه، تمایل او را جهت حرکت به سوی مسایل دینی و سیر و سلوک، شدت می‌بخشد. این ارتباط و دگرگونی به‌گونه‌ای است که این دوره را دوره‌گراییش به «ماوراء الطبيعة» نیز نامیده‌اند. بنابراین در صورتی که خانواده، دوستان، مدرسه، محیط اجتماعی مسجد، روحانیت و دیگر عوامل مرتبط با جوان، نتواند این احساس نیاز را به مسیری که شایسته است و موجبات تکامل معنوی و بلوغ فکری وی را در پی خواهد داشت، هدایت نمایند، آن‌گاه به مرور زمان و در طی سال‌های بعد همین شخص تبدیل به شخصیتی بی‌هویت و فاقد اصول و خاستگاه فکری، معنوی و اجتماعی خواهد شد و غریزه‌هایی هم چون

۱. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، ص ۳۳.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

تهاجم، تحریب، شرآفرینی، آزار رسانی، مال دوستی و شهرت طلبی می‌توانند، وی را از راه اخلاق و انسانیت منحرف و کژ سازند.

ویژگی‌های دوره نوجوانی

ویژگی‌های مهم تحول و رشد در دوره نوجوانی چنین است:

۱ - رشد جسمانی سریع، ناگهانی و نامتوازن

یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی، رشد جسمانی سریع و ناگهانی است؛ یعنی اندازه بدن به سرعت افزایش پیدا می‌کند و تناسب بدنی به سرعت تغییر می‌کند. این افزایش ناگهانی معمولاً ناهمانگ و به نوعی غیرقابل پیش‌بینی، تقریباً در همه اجزای بدن اتفاق می‌افتد. مثلاً انگشت‌ها و کف پای نوجوان بیش از ساق پا و بازوها ای او رشد می‌کنند. در حالی که بالا تنه، آخرین بخش بدن است که رشد می‌کند.

این عدم تناسب رشد یعنی رشد نامتوازن در میان اعضای مختلف بدن سبب می‌شود که نوجوان به طور موقت دارای پای بزرگ و کمر باریک شود. هم زمان با کشیده شدن و دراز شدن استخوان‌ها وزن نوجوان نیز به سرعت افزایش پیدا می‌کند. پس از آن افزایش قد هم شروع می‌شود. در حدود یک سال پس از افزایش وزن و قد، ماهیچه‌ها هم رو به رشد می‌گذارند. پیش از دوره نوجوانی، تفاوت‌های جسمانی میان دختران و پسران زیاد نیست؛ ولی بلوغ و رشد جنسی سبب می‌شود تغییرات عمدی جسمانی پی‌درپی و قابل

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۳۳

مشاهده‌ای در میان دختران و پسران پدید آید.

در مجموع از سن ۱۰ تا ۱۴ سالگی یک دختر متوسط حدود ۱۷ کیلوگرم به وزن و ۲۴ سانتی متر به قد او اضافه می‌شود؛ در حالی که به یک پسر متوسط از ۱۲ تا ۱۶ سالگی، حدود ۱۹ کیلوگرم به وزن و ۲۵ سانتی متر به قدش اضافه می‌گردد.

این تغییرات جسمی، پیامدهایی نیز در رفتار فردی و اجتماعی نوجوانان به دنبال دارد و گاه حساسیت بیش از اندازه آنان را در پی دارد؛ زیرا برخی از آنها از عدم تناسب در برخی از اعضاء خارسند شده، به خود به عنوان یک ساختار و اندام نامناسب می‌نگرند. نتیجه این نگرش، کناره‌گیری از جامعه در بخشی از زمان نوجوانی است.

۲ - بلوغ

یکی از مهم‌ترین تحولات این دوران، بلوغ جنسی است؛ زیرا دوره‌ی کودکی را پایان می‌دهد.

تشدید فعالیت‌های هورمونی متفاوت در پسر (تستوسترون) و دختر (استروژن و پروژسترن) به منزله اعلام شروع دوره بلوغ است. به نظر دانشمندان، در کشورها، نژادها و نیزگروه‌های جنسیتی دختر و پسر مختلف، شروع سن بلوغ می‌تواند میان سال‌های ۸ تا ۱۴ سالگی در تغییر باشد.

عوامل مؤثر بر بلوغ

تفاوت زمان بلوغ که از ۸ تا ۱۴ سالگی به طول می‌انجامد، به عوامل مختلف زیر بستگی دارد:

(الف) جنسیت

تغییرات بدنی برای دختران، در مقایسه با پسران، یک تا پنج سال زودتر اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب دختران و پسران، در سال‌های یکسان، تحولات و تغییرات بدنی متفاوتی را تجربه می‌کنند.

(ب) وراثت

اگرچه غالباً دختران میان ۱۱ تا ۱۴ سالگی به مرحله بلوغ می‌رسند، ولی سن شروع عادت ماهانه در بعضی از آنان می‌تواند از ۹ تا ۱۸ سالگی در تغییر باشد که عامل وارثت در این بلوغ زود یا دیرتر نوجوانان دختر تأثیر دارد.

(پ) عامل جغرافیایی و فرهنگی

سن متوسط بلوغ، در کشورها و گروه‌های نژادی متفاوت است. مثلاً در اروپا شروع بلوغ برای بلژیکی‌ها دیرتر و برای لهستانی‌ها زودتر اتفاق می‌افتد. در آمریکا، آمریکایی‌های آفریقایی تبار، بلوغ را زودتر و آمریکایی‌های آسیایی تبار، دیرتر از آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، بلوغ را شروع می‌کنند. این تفاوت به تغییرات فرهنگی نیز بستگی دارد، در کشورهایی که ارتباط

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۳۵

جنسي آزادتر و فيلم‌های سکسی به فراوانی در دسترس کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد و یا آموزش‌های جنسی در مدارس داده می‌شود، سن رشد بلوغ جنسی زودتر از کشورهایی است که در این حوزه با محدودیت بیشتری مواجه هستند. از این‌رو مباحث فرهنگی نیز در این مسئله، نقشی مهم و کلیدی را بازی می‌کند.

د) ساختمان بدن

در افراد کوتاه و چاق، دوره بلوغ زودتر از افراد بلند و لاگر شروع می‌شود. به ویژه شروع عادت ماهانه به تراکم مقدار معینی از چربی در بدن بستگی دارد. زیرا وزن دختر باید به حدود ۴۵ کیلوگرم برسد، بنابراین دخترانی که چربی بدن آن‌ها کم‌تر است مانند دختران دونده و یا سایر ورزشکاران، دیرتر و نامنظم‌تر از متوسط دختران، عادات ماهانه را شروع می‌کنند، بر عکس کسانی که به طور عموم غیرفعال هستند، بلوغ‌شان زودتر از متوسط دختران شروع می‌شود.

ه) وضعیت تغذیه و سلامت

چون وضعیت تغذیه بشر نسبت به گذشته بهتر شده است، همین امر سبب شده که نسل‌های جدید، تجربه بلوغ را یک تا دو سال زودتر از نسل قبلی شروع کند. البته میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

در کشورهای توسعه یافته معمولاً سن بلوغ نوجوانان، زودتر از کشورهای در حال توسعه شروع می‌شود.

۶) روابط عاطفی و اجتماعی

مطالعات نشان می‌دهد که میان بلوغ زودرس نوجوان، خصوصاً در دختران و تعارض‌های خانوادگی او همبستگی معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه روابط عاطفی سرددتر، فشارهای روانی خانوادگی بیشتر و فاصله عاطفی میان نوجوان و والدین بیشتر باشد، بلوغ جنسی زودتر اتفاق می‌افتد.

مشکل بلوغ زودرس و دیررس

عوامل پیش‌گفته که در بلوغ مؤثر بود، ممکن است موجبات زودرسی یا دیررسی بلوغ خصوصاً در پسران را به وجود آورد. هرچند که زودرسی و دیررسی بلوغ به شرایط و عوامل دیگری از جمله عوامل فیزیولوژیکی و به ویژه به عوامل شناختی نیز بستگی دارد، به این معنا که شناخت اشخاص نسبت به مسایل جنسی و تمایلات جنسی، عامل مهمی در زود یا دیررسی بلوغ است. براین اساس، نوجوانانی که از مسایل جنسی و روابط مرد و زن آگاهی دارند، تمایلات بیشتری از خود در این زمینه نشان می‌دهند و این مسئله، در زودرسی بلوغ آنان نقش مهمی ایفا می‌کند.

زودرسی و یا دیررسی بلوغ، آثار و پیامدهایی دارد و می‌تواند فشار روانی ایجاد کرده و نوجوان را با هیجان‌های خاصی رو به رو سازد. البته آثار بلوغ زودرس و یا دیررس برای دختران و پسران متفاوت است؛ برای دختران، بلوغ زودرس، دشوارتر از بلوغ دیررس است؛ زیرا انتظارات و توقعات اجتماعی بیشتری بر آنان تحمیل می‌شود. این در حالی است که اگرچه آنان

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۳۷

با بلوغ جنسی زودتری روبرو می شوند؛ ولی به لحاظ روانی - اجتماعی هنوز به رشد کافی دست نیافته‌اند تا واکنش درستی در موقعیت جدید خود نشان بدهند و با سطح انتظارات اجتماعی خود را تطبیق دهند.

در مقابل، برای پسران بلوغ دیررس دشوارتر از بلوغ زودرس است؛ زیرا یکی از معیارهای مهم در پذیرش گروه هم سالان و روابط دوستان با یکدیگر، قدرت جسمانی و رشد جنسی است، هر چند که یک نوجوان به لحاظ روان شناختی و از نظر روانی شناختی اجتماعی از رشد مناسبی برخوردار باشد؛ ولی گروه به مسئله بلوغ جنسی حساسیت دارد و در جذب وی در گروه و جامعه خود، برخورد و واکنشی منفی از خود بروز می‌دهد.

از این رو لازم است نوجوانانی که بلوغ دیررس یا زودرس دارند، تحت حمایت‌های روانی و اجتماعی بیش‌تری قرار گیرند و به آنان کمک شود تا پذیرش اجتماعی مناسب را نزد گروه هم سالان خود پیدا کنند.

تلاش خود نوجوان نیز در این مورد بسیار مهم می‌باشد و لازم است اعتماد به نفس خود را از دست ندهند و به این مسئله واقف باشند که این فاصله یا تفاوت، دوره و زمانی کوتاه و موقعیت دارد و به زودی با هم سالان خود به لحاظ رشدی مشابهت پیدا خواهند کرد.

واکنش نوجوان نسبت به بلوغ

چگونگی واکنش نوجوان در مقابل تغییرات مهم بدنی و جنسی متفاوت است و بستگی به شناخت نوجوان از خود و بلوغ دارد. زیرا درک و فهم نوجوان از این

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

تغییرات، واکنش او را تحت تأثیر قرار دهد؛ قابل ذکر است که اگر تغییرات مهم جنسی با رشد شناختی و اخلاقی همراه نباشد، نوجوان تنها به جنبه جسمی این تغییرات متوجه می‌شود و از تغییرات مهم دیگر شناختی، عاطفی و اجتماعی دوران نوجوانی باز می‌ماند؛ از این‌رو ضروری است تا نوجوانان افزون بر شناخت به مسایل رشد و تغییرات طبیعی، آگاهی‌هایی در این زمینه‌ها بیاموزند تا واکنش‌هایی متعادل‌تر و طبیعی‌تر از خود بروز دهند.

۴- رشد توان معرفتی و شناختی

در دوره‌ی نوجوانی، نه تنها همه توانایی‌های شناختی مربوط به تفکر، یادگیری و یادآوری که در سال‌های دبستان پدید می‌آیند، به رشد و پیشرفت خود ادامه می‌دهند یعنی توجه انتخابی، ماهرانه‌تر شده، مهارت‌های حافظه و دانش پایه نوجوان گسترش‌های تر می‌شود، تسلط بر زبان و خزانه واژگان او دامنه بیشتری می‌یابد. نوجوان در گفتار و نوشтар و مباحثات، توانایی‌های ویژه‌ای کسب می‌کند؛ بلکه از سوی دیگر توانایی‌های شناختی جدیدی در نوجوان پدید می‌آید به گونه‌ای که قدرت تفکر و پردازش اطلاعات وی در سطح شناخت بالاتر و عالی‌تری، نسبت به کودکان دبستانی قرار می‌گیرد. نوجوان در این دوره نه تنها به لحاظ کمی، دچار تحولات شناختی می‌شود، بلکه تحولات کیفی شناختی نیز پیدا می‌کند و مهم‌تر از این‌ها، توانایی‌های فراشناختی او (تفکر در باره تفکر) گسترش می‌یابد.

تحولات مهم معرفتی و شناختی

مهم‌ترین تتحولات شناختی که در نوجوانی و جوانی روی می‌دهد عبارتند از:

(الف) درک کلیات و امروز معنوی

در این دوره تصوراتی که در سطح کلیات قرار می‌گیرند، به ذهن نوجوان رو می‌آورند همچنین این امکان برای او فراهم می‌شود که در امور مجرد چون خدا و مباحث معنوی بیندیشد و در باره موجودات بیرون از فضای مادی، تصوراتی داشته باشد. از این رو امکان اندیشیدن درباره خدا، فرشتگان و امور دینی دیگر برای او فراهم می‌شود.

گفتنی است در شناخت امور معنوی و معرفت مسایل دینی و چگونگی تعامل با مبانی و اصول و آیین‌های نمادین مذهبی، نوجوان متأثر از بزرگسالان راه درست یا غلط تعامل با دین را می‌آموزند و واکنش مثبت و گرم یا سرد و منفی از خود نسبت به دین و آموزه‌های آن نشان می‌دهند. نقش بسیار مهم والدین و دیگر اولیای نوجوانان و مساجد به عنوان بخشی از جامعه بزرگسالان باید در این مرحله مورد توجه قرار گیرد.

(ب) فرضیه‌سازی

کودک دبستانی به اموری فکر می‌کند که بازنده‌گی روزانه و واقعی او گره خورده است یعنی او به مسایل عینی می‌اندیشد در حالی که امکانات فکری نوجوان به مکان و زمان حال و زندگی عین؟ او محدود نیست و تصور زمان و مکان به صورت فرضی هم برایش امکان‌پذیر است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

فرضیه‌سازی این امکان را برای نوجوان فراهم می‌کند که هر امر فرضی را در نظر بگیرد و آن را بیازماید حتی اگر به آن فکر و نظر، باور نداشته باشد و یا آن فکر، با واقعیت منطبق نباشد.

فرضیه‌سازی به نوجوان امکان می‌دهد که زندگی را نوع دیگر تعریف کند، شرایط کنونی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، به همین جهت ممکن است احساس‌ها و انگیزه‌های متعارضی را نسبت به والدین، مدرسه و دوستان نزدیکش در ذهن خود پیروزاند و در باره آن‌ها فکر کند و با تفکر انتقادی به محیط پیرامون خود نگاه کند و فرضیه‌های جدیدی را بسازد.

۵) استدلال منطقی و قیاسی

با رشد فرضیه‌سازی در دوره نوجوانی، امکان استدلال منطقی و قیاسی نیز در نوجوان پدید می‌آید؛ یعنی نوجوان می‌تواند از قضیه و تئوری کلی شروع کند و از آن استنباط منطقی داشته باشد او می‌کوشد که درستی و اعتبار این استنباط را نیز مورد آزمون قرار دهد.

مباحث دینی به ویژه اصول عقاید که در حوزه علوم عقلی و منطقی قرار می‌گیرند و از فضای فلسفی و انتزاعی برخوردار می‌باشند، در این دوران برای او معنا و مفهوم می‌یابد و می‌تواند در باره خدا و صفات او به استدلال پردازد و یا استدلال‌های منطقی و فلسفی دیگران را فهم نموده و از آن بهره‌مند شود.

۴۱ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

(د) استدلال اخلاقی

رشد شناختی به نوجوان این اجازه را می‌دهد که به طور عمیق و انتزاعی درباره مسایل مختلف فکر کند و رشد روانی-اجتماعی او در معرض انواع گوناگونی از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی قرار گیرد.

همچنین رشد زیستی و فیزیولوژیک نیز تمایلات جنسی را بیدار می‌کند و نوجوان را با پرسش‌های اخلاقی مربوط به فعالیت‌های جنسی مواجه می‌کند. بنابراین مسایل اخلاقی جدید به طور گسترده مطرح می‌شوند و شخص با آن درگیر می‌شود به همین جهت استدلال اخلاقی در دوره نوجوانی با تغییرات گسترده‌ای روبه رو می‌شود.

از سوی دیگر نوجوان به نگرشی فراتر از خواسته‌ها و تمایلات شخصی خویش، توجه پیدا می‌کند و به فراتر از علایق شخصی محدود خود می‌نگرد؛ ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و جهانی را در نظر می‌گیرد و با توجه به این ارزش‌های فرا شخصی، کنش و واکنش‌های خویش را سامان می‌دهد.

«لورسن کلبرگ» که بیش از دیگر روان‌شناسان، رشد اخلاقی کودکان و نوجوانان را مورد مطالعه قرار داده است، در رشد استدلال اخلاقی کودکان تاریخی‌ترین به جوانی سه مرحله را پیشنهاد می‌کند:

- ۱ - مرحله قبل از قراردادی: در این مرحله استدلال اخلاقی بر مبنای منفعت شخصی صورت می‌گیرد و رفتار اخلاقی از تشویق و جایزه و اجتناب از تنبیه تأثیر می‌پذیرد، کودکان در دوره قبل از دبستان معمولاً در این مرحله قرار دارند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۲- مرحله قراردادی: در این مرحله، فرد استانداردها و حقوق اجتماعی

را در ارزش‌های اخلاقی در نظر می‌گیرد، از این‌رو استدلال اخلاقی بر مبنای منفعت اجتماعی است. در این مرحله رفتار اخلاقی بر مبنای قوانین اجتماعی می‌باشد. کودکان در میان سال‌های ۷ تا ۱۵ سالگی در این مرحله اخلاقی قرار می‌گیرند.

۳- مرحله فراقراردادی: در این مرحله (از شانزده، هفده سالگی به بعد)

که بالاترین مرحله رشد استدلال اخلاقی است، اصول اخلاقی به خودی خود مهم هستند، هرچند که ممکن است با استانداردهای رایج فردی و اجتماعی هم مطابقت نداشته باشد. بنابراین فرد می‌کوشد بر پایه اصول اخلاقی رفتار کند. این مرحله از رشد اخلاقی زمانی در فرد رشد پیدا می‌کند که فرد قبلًا به رشد شناختی نوجوانی دسترسی پیدا کرده باشد.

گفتنی است شاید به دلیل فضای اخلاقی خاص مغرب زمین،

سخن «کلبرگ» در باره اکثریت و بیشتر مردم غرب صادق باشد ولی باید توجه داشت که یک نوجوان در کشورهای شرق و به ویژه کشورهای اسلامی به دلیل فضای اخلاقی و نزدیک بودن به عهد فطرت، از کشش‌های اخلاقی بسیار خوبی برخوردار است و از مراحل و سنین پیشنهادی لورسن بسیار پیشتر است، همچنان که می‌توان در کشورهای مختلف بزرگ سالانی را پیدا کرد که هنوز در مراحل اول و دوم استدلال اخلاق باقی مانده و به مرحله سوم وارد نشده باشند. باید در نظر داشت که ممکن است میان دختران و پسران در رابطه با رشد استدلال اخلاقی، تفاوت وجود داشته باشد؛ از این‌رو طبقه‌بندی «کلبرگ» را

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۴۳

به طور کامل نمی توان در مورد تفاوت های جنسی به کار برد به این معنا که در نزد دختران، روابط انسانی و احساس همدردی و مراقبت از دیگران بیش تر از پسران اهمیت دارد و این امر، بیانگر آن است که رشد عاطفی دختران بیش از پسران است.

از این رومی توان براین نکته پافشید که نوع کنش و واکنش میان گروه های نوجوانی با تفاوت در درجه شناختی و استدلال اخلاقی آنان و نیز جنسیت می تواند تفاوت داشته باشد. به همین جهت در برنامه ریزی ها و نوع تعامل با هر یک از گروه های سنی و جنسی می بایست این تفاوت ها در نظر گرفته شود. نوجوانان نسبت به اصول اخلاقی دین در زمان های مختلف، واکنش های مختلفی از خود بروز و ظهور می دهند و واکنش های عاطفی در دختران نسبت به پسران در حوزه اصول اخلاقی دینی با تفاوت های چشمگیری روبرو است که نمی توان آن ها را نادیده گرفت.

ه) شناخت فود و تفکر درباره آن

وجود قدرت فرضیه سازی و استدلال قیاسی به نوجوان امکان می دهد که درباره «خود» به تأمل و تفکر پردازد و به طور عمیق به زندگی آینده خود فکر کند و به کسب تجربیاتی پردازد که به خود آگاهی بیش تر نیاز دارد.

همچنین او می تواند به درون خود بنگرد این درون نگری در رشد و توسعه خود آگاهی او اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ویژگی خود مرکزی را برای او پدید می آورد؛ یعنی خود را مهم و در مرکز امور می بیند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

گفتنی است ویژگی درون‌نگری و خودمرکزی گرچه خود آگاهی نوجوان

را بیش تر می‌کند ولی خطرات زیر را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد:

۱- ویژگی شکست ناپذیری: ممکن است نوجوان احساس کند هرگز

قربانی خطرپذیری‌ها نخواهد شد و این دیگران هستند که در مقابل خطرپذیری‌ها، آسیب پذیرند. بنابراین به غلط خود را در حاشیه امن قرار دهد و به کارهای خطرناک دست بزند.

۲- ویژگی قهرمان‌سازی: ممکن است برخی از نوجوانان، خودشان را از

دیگران متفاوت بینند و زندگی قهرمانانه و دور از واقعیتی را برای خود تصور کنند.

بدینسان توانایی‌های شناختی جدیدی که برای نوجوان در این دوره به وجود می‌آید، علی رغم آثار مثبتی که می‌تواند برای نوجوان داشته باشد، می‌تواند دارای جنبه‌های منفی نیز باشد. از این‌رو، باید توجه داشت که اگرچه خیالپردازی و جدا شدن از واقعیات و ملموسات عینی محیط پیرامون، برای رشد شناختی نوجوانان امری ضروری و لازم است، در عین حال نباید از این روحیه، به طور نابه‌جا و نادرست استفاده کرد، بلکه باید با تربیت صحیح، شناخت، آن را هدایت نمود و قوه خیال نوجوان را به درستی پرورش داد.

۶) (شد قدرت تصمیم‌گیری

رشد تفکر، فرضیه‌سازی و اخلاقی، فرصت تصمیم‌گیری و انتخاب شخصی و ارزشی جدیدی را برای نوجوان فراهم می‌کند که پیامدهای مهمی در زندگی و آینده او در بردارد.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۴۵

از جمله این تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز در فضای کنونی جامعه، تصمیم‌گیری برای درس خواندن جدی و پیشتاب شدن در کلاس، تداوم تحصیل، ورود به دانشگاه، انتخاب دوستان صمیمی و نزدیک اشاره کرد. پرسش این است که آیا پیشرفت‌های معرفتی و شناختی دوران نوجوانی، می‌تواند آنان را قادر سازد تا به تنها بی تصمیم مناسبی در موضوعات مهم زندگی خود داشته باشد؟

مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانان در یک سطح نیستند؛ هم تصمیم‌گیری‌های مناسب و نیکویی از نوجوانان دیده شده است و حتی در برخی از موارد، تصمیم‌گیری نوجوانان بر بزرگسالان برتری داشته است و هم تصمیم‌گیری‌های نامناسب و سستی از برخی نوجوانان مثل استفاده از مواد مخدر، سوء استفاده‌های اخلاقی و جنسی دیده شده است.

در این راستا باید توجه داشت که از یک سو نوجوانان بیش از بزرگسالان، خود را در معرض خطرپذیری قرار می‌دهند و از سوی دیگر توانایی شناختی و فرضیه‌سازی این امکان را به آنان می‌دهد که خود را از واقعیت‌های عینی و ملموس جدا سازند و دنیای فرضی و غیرواقعی برای خود تصویر کنند و خیالپردازانه تصمیم بگیرند، به همین دلیل احتمال خطاپذیری در نوجوانان بیش از بزرگسالان است.

مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانانی که در سال‌های پایین‌تری قرار دارند و از تحصیلات و دانش کم‌تری برخوردارند و از همنشینی بزرگسالان با تجربه‌ای برخودار نمی‌باشند، در تصمیم‌گیری‌های خود، ناپاختگی و عدم کفایت بیش تری را نشان می‌دهند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

بدینسان نوجوانان همانند بزرگسالان در تصمیم‌گیری‌های خود به مشورت و راهنمایی نیاز دارند. به دیگر سخن، راهنمایی و مشورت با دیگران، هرچند برای همه امری ضروری و لازم است، ولی برای نوجوانان حتی در عین برخورداری از توانایی تصمیم‌گیری و شناخت خوب و بد و مسئولیت‌پذیری، نیاز به مشورت و همراهی بزرگسالان لازم‌تر است و راهنمایی بزرگسالان می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مهم راهگشای آنان باشد.

تکوین نگرش

نگرش، حالت روانی و ذهنی است که آثار، پیامد و برآیند آن در گرایش و حالت عملی انسان ظاهر می‌شود.

دوران نوجوانی، دوران تکوین بینش و نگرش است. نگرش دارای سه مؤلفه؛ عنصر شناختی و بینشی شامل اعتقادات و باورهای شخصی، عنصر احساسی و عاطفی و عنصر تمايل به عمل و آمادگی پاسخ‌گویی به شیوه خاص است.

از ویژگی‌های نگرش نیز می‌توان به ارزشی بودن و ثبات و دوام آن اشاره کرد. عنصر بینشی و ویژگی ارزشی بودن آن، موجب می‌شود تا فرآیند تغییر نگرش را بسیار پیچیده کند؛ زیرا هنگامی فرد دارای بینش و شناختی خاص نسبت به جهان بیرونی است و یا برای نگرش خود، ارزشی برابر با واقعیت می‌بیند، برای نگرش خود ارزش و اهمیت خاصی قابل می‌شود که تغییر آن را دشوار و آن نگرش را پایدار می‌سازد.

نگرش، کارکردهای گوناگونی دارد:

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۴۷

الف) کارکرد دفاعی: به این معنا که نگرش در فرد ایجاد می‌شود تا فرد را در برابر واقعیت‌ها و یا موقعیت‌های تلغی، حمایت کند مانند واکنش‌های گروه‌های اقلیت قومی در برابر فشارهای اکثریت.

ب) کارکرد دانشی: به این معنا که نگرش‌ها ممکن است شکل بگیرند یا تغییر کنند تا به آن چه بی‌نظم و بی‌معناست، نظم و مفهوم و معنایی تازه بخشنند.

ج) ابراز ارزش‌ها: از آنجا که مردم از ابراز وجود خود به وسیله نگرش‌های خود رضایت خاطر کسب می‌کنند، نگرش‌ها به آنان در هویت بخشی کمک می‌کند. البته نگرش‌ها می‌توانند بازتاب الگوی درونی تر و نهفته تر فرد باشد، به این معنا که در خدمت کارکرد خاصی نیست، بلکه صرفاً بازتابی از جنبه‌های کلی‌تر شخصیت آدمی است.

با آن که فرآیند تغییر نگرش‌ها بعضی اوقات بسیار دشوار است، از آن جایی که موقعیت‌های مختلف ممکن است نگرش‌های متفاوتی را برانگیزد یا اطلاعات تازه، کارکرد دانشی فرد را تغییر دهد، هم چنین چون ممکن است و عده تأثیر اجتماعی از سوی گروه همسالان تغییری در نگرش فرد ایجاد کند. از این‌رو، روحانی و هر کسی که در مقام تغییر نگرش‌ها و یا تعدیل یا تحکیم آن است بایست به نکات پیش‌گفته توجه کند؛ زیرا عدم شناخت آنها می‌تواند تأثیر مستقیمی در گریز از منبع تغییر نگرش‌ها پذید آورد.

۱۴- (شد اخلاقی و هنجاری)

به نظر «پیازه» رشد اخلاقی و هنجاری در کودک دو مرحله مشخص را طی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

می‌کند که یکی مربوط به سال‌های ۶ تا ۹ سالگی بوده و به «مرحله تابعیت» یا پذیرش و باید و نباید و بکن و نکن‌های بزرگ‌ترها معروف است.

در این دوره در نظر کودک، نتایج عینی کارها، مهم‌تر و قابل درک‌تر است و انگیزه و نیت اعمال اهمیتی ندارد. همچنین کودک به نوعی عدالت طبیعی قایل است و در انتخاب تنبیه کسی که مرتکب خطا شده به رابطه میان جرم و تنبیه و یا تناسب و میزان آن نسبت به جرم توجهی ندارند و چون از درک ماهیت جبران تنبیه عاجزند و در پی مجازات‌های کیفری هستند و تنبیهات بدنی و کیفری را تنها مجازات درست و کامل بر می‌شمارند.

مرحله دوم که از نظر سنی، سال‌های ۹ تا ۱۲ سالگی را در بر می‌گیرد، «مرحله استقلال» یا خود مختاری اخلاقی نامیده می‌شود. در این مرحله، نوجوان قدرت ارزیابی صحیح از ماهیت اعمال و رفتارها، توجه به انگیزه اعمال، برخورد منطقی و عقلاً با پدیده‌ها و لزوم عادلانه بودن تنبیه و تناسب میان محتواهای جرم و تنبیه را پیدا می‌کند. در این مرحله بازی و گروه همسال کمک می‌کند تا جامعه‌پذیری در نوجوان تقویت شود و نظم و انصباط و احترام به قوانین در او رشد کند.

لورنس کلبرگ مراحل رشد اخلاقی انسان را در سه دوره و شش مرحله دسته‌بندی می‌کند؛ دوره اول، دوره پیش اخلاقی است که سال‌های ۴ تا ۱۳ سالگی را در بر می‌گیرد. در این دوره، رفتار کودک به وسیله فرآیندهای بیرونی کنترل و مهار می‌شود.

۴۹ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

این دوره دارای دو مرحله است:

در مرحله یک (۱۰ تا ۱۴ سالگی) تمکن بدون چون و چرا، برای اجتناب از تنبیه و نه برای برقراری نظم اخلاقی، صورت می‌گیرد. در مرحله دوم (۱۳ تا ۲۰ سالگی): عمل اخلاقی متضمن ارضای نیازهای شخصی، نفع پرستی و لذت طلبی است.

دوره دوم که از ۱۳ تا ۲۰ سالگی است، دوره تسلیم به قوانین و مقررات و رسوم اخلاقی عرفی است که رعایت قواعد و برآوردن انتظارات دیگران از قبیل خانواده، گروه یا ملت به منظور کسب و جلب رضایت آنان صورت می‌گیرد.

این دوره، مراحل سوم و چهارم را پوشش می‌دهد: مرحله سوم: در این مرحله گرایش به پسر خوب یا دختر ناز بودن با برقراری روابط مطلوب با دیگران و جلب تأیید و حمایت آنان صورت می‌گیرد. مرحله چهارم: مرحله گرایش به قانون و نظم و وظیفه‌شناسی به وجود می‌آید و رعایت قانون، حفظ نظم و انسجام اجتماعی، انجام وظایف محوله، رعایت بدون چون و چرا، قانون و نشان دادن احترام به مسئولان امر و اولیای امور به خاطر خود قانون صورت می‌پذیرد.

دوره سوم که از ۲۰ تا ۲۵ سالگی و بالاتر می‌باشد: دوره پس عرفی است که اصول اخلاقی پذیرفته شده، از روی فهم و درک، به صورت مستقل و اصول اخلاقی جهانی است و کنترل و مهار رفتار، جنبه درونی پیدا می‌کند. این دوره، شامل مراحل پنجم و ششم است: مرحله پنجم، مرحله جهت‌گیری به سوی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

قراردادهای اجتماعی و قوانین پذیرفته شده آزاد است که حقوق فردی و اجتماعی را تضمین کند. مرحله ششم، گرایش واحترام به اصول اخلاق جهانی و اعتماد متقابل برای انتخاب رفتار اخلاقی و مهار و کنترل از درون است. با پژوهش در دیدگاه مختلف روان‌شناسان، می‌توان درباره رشد اخلاقی و هنجاری به نتایج زیر دست یافت:

- ۱ - اخلاق در کودکان، نوجوانان و جوانان طی مراحل متواالی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند.
- ۲ - رشد اخلاق به صورت جایگزینی کامل یک مرحله، به جای مرحله قبلی صورت می‌گیرد.
- ۳ - این مراحل، ارتباط نزدیکی باهم دارند و با رشد عقلی و جسمی کودکان ارتباط دارند.
- ۴ - فرآیند رشد اخلاق، فرآیندی همگانی است و کودکان و نوجوانان در همه جای دنیا مراحل متواالی آن را می‌پیمایند.
- ۵ - در نظریه‌های روان‌شناختی رشد اخلاقی، ماهیت تکاملی دارد و تجربه و آموزش، این خصلت ذاتی را شکل داده و به رشد و نمو آن کمک می‌کند.
- ۶ - همه افراد در فرآیند رشد اخلاق از مراحل مشابه و یکسانی می‌گذرند ولی این سخن بدین معنا نیست که همه به بالاترین مرحله رشد اخلاقی می‌رسند.^۱

۱. روان‌شناسی اجتماعی، دکتر یوسف کریمی، انتشارات آزمایش متون درسی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷ تا ۱۹۰.

مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی دین

ارزش‌های اخلاقی مذهبی، برخلاف آداب عرفی هر ملت که نسبی، محدود و مخصوص به یک کشور است، مطلق بوده و تابع زمان و مکان و شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی نیست؛ بنابراین توافق یا مخالفت عمومی مردم در تعیین هنجار یا ناهنجاری یک عمل همچون «هم‌جنس‌گرایی» هیچ نقشی ندارد. افرون برآن، هدف اخلاق دینی، تکامل بشر و فراهم کردن شرایط مناسب جهت زندگی اخروی است نه ارضای نیازهای فردی یا جلب رضایت دیگران و رعایت نرا کت اجتماعی بلکه در اخلاق دینی، هدف چیرگی و مهار هوس‌ها و خواسته‌های نفسانی است.

از سوی دیگر در نظر دین، رشد اخلاقی محدود به دوره مشخص و معینی همچون نوجوانی و جوانی نیست و انسان در همه‌ی دوره زندگی خود در حال رشد و تکامل است و باید باشد؛ هر چند که در آیات قرآن و روایات از رشد و بلوغ عقلی در سال‌های ۳۰ تا ۴۰ سالگی سخن رفته است.

۵ - (رشد اجتماعی)

یکی از ابعاد رشد و تحول در نوجوانی و جوانی، رشد اجتماعی است. این رشد به استقلال از والدین، صمیمت با دوستان، تعهدات و مسئولیت و نقش پذیری نسبت به جامعه می‌انجامد و برای نوجوانان در میان همسالان و بزرگسالان پایگاه اجتماعی فراهم می‌کند. در رشد اجتماعی خانواده، مدرسه و گروه همسالان نقش زیادی دارند که بدان می‌پردازیم:

الف) نقش خانواده در (شد اجتماعی)

خانواده بر شکل‌گیری شخصیت فرد به عنوان عضوی از اجتماع و موجودی متغیر و دارای اراده و شناخت اجتماعی تأثیر زیادی دارد؛ زیرا با رشد جسمانی کودک، روان او نیز در ارتباط با محیط و انسان‌های دیگر شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و والدین و اطرافیان کودک نیز نخستین انسان‌هایی هستند که با وی ارتباط برقرار می‌کنند. نوع رفتار آن‌ها در اعمال، اندیشه‌ها و احساسات و به‌طور کلی شخصیت فرد تأثیرات عمده‌ای دارد. فردی که در بزرگسالی در تصمیم‌گیری مشکل دارد، می‌تواند ریشه‌های این تردید و مشکل را در تعارض‌های رفتاری و گفتاری بزرگ‌ترها در دوران کودکی خویش جست‌جو کند.

آن چه به عنوان وجودان در فرد شکل می‌گیرد و از درون، رفتار او را مهار و کنترل می‌کند، عمدتاً حاصل عمل و گفتار والدین و اعضای خانواده در کودکی است. بنابراین نه تنها فرد از نظر جسمی مدیون خانواده است، بلکه مهم‌تر از آن، از نظر شخصیت اجتماعی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد.

تداوی نقش خانواده در دوره جوانی

نقش خانواده به دوره کودکی و نوجوانی فرد محدود و در اموری که بیان شد، خلاصه نمی‌شود؛ با کمی تأمل می‌توانید نقش خانواده را از دوره‌ای که فرد آموزش رسمی را در مدرسه آغاز می‌کند تا دوره جوانی و حتی در امر ازدواج و تشکیل خانواده و پس از تشکیل خانواده نیز دریابید.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۵۳

با عنایت به این که انسان به محبت، صمیمیت، عشق و آرامش روانی نیاز دارد و خانواده اولین زمینه اجتماعی است که این نیازهای عاطفی و اساسی در آن برآورده می‌شود، فرد حتی پس از ازدواج نیز به شکلی دیگر، مديون خانواده است. با تشکیل خانواده فرد از نظر عاطفی آرامش می‌یابد و از سر درگمی‌ها، خستگی‌ها و تلاطم‌های روانی او کاسته می‌شود؛ تا آن جا که خانه برای وی به صورت مأمنی در می‌آید که پس از فراغت از کار و درگیری‌های روزمره در آن به آسودگی خاطر دست می‌یابد. بنابراین بخش عمده‌ای از نیازهای نوجوانان به ویژه در حوزه عواطف و احساسات، در خانواده تأمین می‌شود.

خطر آسیب‌رسانی خانواده به هویت اجتماعی

در سال‌های نوجوانی و جوانی گاه میان جوانان و والدین آنان اختلافاتی پیش می‌آید. تجربه این‌گونه اختلافات را شاید خود شما هم داشته باشید؟ جملاتی چون «پدر و مادر مرا درک نمی‌کنند»، «هنوز مرا جدی نمی‌گیرند» راگاهی اوقات از نوجوانان و جوانان می‌شنویم نان که از والدین جملاتی مانند «جوانان، خود سر و پر توقع هستند» و «جوانان، حقوق ما را نمی‌شناسند» شنیده می‌شود.

وجه مشترک این اختلافات را نیز می‌توان در «تفاوت انتظارات» والدین و نوجوان یافت. اکنون این پرسش مطرح است که تفاوت انتظارات والدین و فرزندان از کجا ناشی می‌شود؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید به موارد زیر توجه کنیم:

۱ - تغییر نقش کودکی به نوجوانی: فرزند یک خانواده را در نظر بگیرید

که تاکنون در نقش کودک قرار داشته و الگوهای عمل مربوط به کودکی در مورد وی رعایت می‌شده است. اکنون با توجه به رشد جسمی و ذهنی، در آستانه پذیرش نقش جوانی و بزرگ سالی است که الگوهای عملی خاص خود را دارد. روان شناسان بر استقلال خواهی نوجوان انگشت می‌گذارند، یعنی نوجوان تلاش می‌کند که مستقل شود. او در حال تغییر نقش از کودکی به بزرگ سالی است و همراه با آن می‌خواهد از وابستگی به بزرگترها والدین و تبعیت از آنان رها شود و به خود متکی گردد. او بیشتر در اندیشه، احساس، عمل و در مجموع، در درون خود به دنبال مبنایی جدید می‌گردد نه نظریه‌های والدین و بزرگترها.

۲ - نیاز به تعلق به گروه: همراه با استقلال طلبی، ویژگی دیگری هم در

نوجوان ظاهر می‌شود و آن گرایش شدید به عضویت در گروه همسالان است. این گرایش در واقع راهی است که به واسطه آن، نوجوان استقلال خویش را از خانواده عملی می‌سازد. عدم توجه والدین و فرزندان به خصوصیات نقش جدید و رعایت نکردن الگوهای مربوط به آن، موجب بروز اختلافات میان فرزندان و والدین و نارضایتی آنان می‌شود.

۳ - گونه‌های مختلف اجتماعی شدن: علاوه بر تفاوتی که میان انتظارات

والدین و فرزندان وجود دارد، گاه نحوه اجتماعی شدن نوجوان نیز اختلاف برانگیز است؛ بدین صورت که به تفاوت در ارزش‌هایی بر می‌گردد که نتیجه اجتماعی شدن آن‌هاست، مانند اختلاف میان فرزندان و والدین درباره

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۵۵

سن ازدواج و یا انتخاب دوستان که بیشتر این اختلافات به جهت تفاوت‌های نسلی است که همه جوامع با آن روبرو هستند.

اگر خانواده در مورد این اختلافات به خوبی عمل نکند، ممکن است در رشد اجتماعی نوجوان، اخلال ایجاد کند.

(ب) نقش مدرسه در (شد اجتماعی

پس از خانواده، دومین مرحله اجتماعی شدن فرد، در مدرسه و نظام آموزشی انجام می‌شود؛ بنابراین بخش دیگری از شخصیت، گرایش‌ها و ارزش‌های فرد در این مرحله و در مدرسه شکل می‌گیرد. افزون براین، مهارت یافتن برای انجام اعمال سیاسی نیز در مدرسه محقق می‌شود.

قرار گرفتن آموزگاران در کنار پدر و مادر به عنوان راهنمایان کودک و نوجوان، کسانی که نوجوان آن‌ها را سرمشق زندگی خویش به شمار می‌آید و سخنان آنان را معمولاً بدون چون و چرا امری مطلوب تلقی می‌کند، این توانایی را به مدرسه و نظام آموزشی می‌دهد که فرد را در خانواده و جامعه قرار دهد یا این که او را به اجتماع و خانواده علاقه‌مند سازد.

افزون برآن، نقش آموزگاران در هویت‌بخشی و نیز هویت دینی نوجوانان بسیار مهم است. از این‌رو بخشی از گرایش و واگرایی نوجوانان به دین و هویت دینی عمومی را می‌بایست در مدرسه و نقش آموزگاران جست. آموزگاری که بر پایه ارزش‌های دینی با نوجوان برخورد ملاطفت‌آمیزی دارد در جذب و جلب آن‌ها به دین و ارزش‌های دینی و نیز مسجد بسیار مؤثر و تأثیرگذار است.

۴) نقش گروه همسالان در رشد اجتماعی

اگرچه شخص در تمام مراحل زندگی در گروه زندگی می‌کند، ولی در دوره‌هایی از زندگی، گروه برای او اهمیت بیشتری می‌یابد. یکی از این دوره‌ها، دوره نوجوانی است که طی آن فرد با عضویت در گروه‌هایی غیر از خانواده، نقطه اتکایی برای عمل مستقل خود می‌یابد و با پذیرفتن نقش‌های مختلف در گروه، در مسیر شکل دادن به شخصیتی متکی به خود، گام برمی‌دارد؛ نوجوان با این کار برای پذیرفتن نقش‌های آینده در جامعه آماده می‌شود و به طور کلی، با جهان اجتماعی بیرون از خانواده بیشتر آشنا می‌شود و آن را می‌آزماید.

آرمان‌هایی که در جوانی سر برمی‌آورند، او را به سوی یافتن هم فکر و همراه و تشکیل گروه سوق می‌دهد. زندگی در گروه براساس آرمان‌ها و اعتقادات خویش و رها از امر و نهی خانواده، تجربه‌ای جدید است که جوان به ن دست می‌یابد. در این مرحله، عضویت گروه گامی اساسی و مهم در جهت استقلال جوان و رشد و تکامل وی به شمار می‌آید. گروه، واسطه‌ای میان زندگی فرد در خانواده و زندگی وی در جامعه است.

شخص در سنین کودکی بیشتر نقش انفعالی دارد؛ اما در دوره نوجوانی و جوانی فعال می‌شود؛ اندیشه‌ها و احساس‌هایی او را از درون برمی‌انگیزاند. کشش به عمل مستقل او را به سوی افراد هم فکر و همراه فرامی‌خواند؛ بنابراین تا حد زیادی به صورت هدف‌دار به تشکیل گروه می‌پردازد. در این حالت به گروه تنها مجرایی برای اجتماعی شدن او نیست، بلکه پایگاهی است که از آن جهت گیری، برخورد و عمل را آغاز می‌کند. در حقیقت گروه همسالان

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۵۷

واسطه‌ای مهم در زندگی فرد برای گستالت از خانواده و وابستگی شدید به آن برای پیوست به جامعه است و گروه همسالان به عنوان عامل اصلی جامعه‌پذیری نقش ایفا می‌کند. او می‌کوشد تا در گروه از یک نقش انفعالي به نقش فعل تبدیل گردد. این گروه است که به وی امکان این را می‌بخشد تا فعل باشد و نقشی را بر عهده گیرد. مسئله نقش در میان نوجوانان بسیار اهمیت دارد. از این رو، برای خود نقش‌هایی و لوخیالی می‌سازند. عناوین نقش‌ها برای ایشان از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر، فرد با زندگی گروهی به میدان رقابت، سازش و برخورد با گروه‌های دیگر پا می‌گذارد و زندگی در اجتماع بزرگ‌تر را تجربه می‌کند. از این مرحله به بعد، فرد براساس عقاید، علایق و منافع خویش به گروه‌ها می‌پیوندد، از آنان جدا می‌شود و در قالب گروه‌ها عمل می‌کند.

با عنایت به این که گروه، نقش سازنده و فعالی برای جامعه‌پذیری نوجوانان ایفا می‌کند، می‌توان با بهره گیری از این شرایط و مقتضیات سنی، نوجوانان را در گروه‌های مثبت و سازنده قرار داد و کمک کرد تا جامعه‌پذیری را در شرایط مساعد و مطلوبی تجربه کند. گروه‌های دینی مختلف می‌توانند این نقش را به شکل مطلوبی ایفا کنند و نوجوانان را به سوی هنجارها و ارزش‌های دینی و اجتماعی سوق دهند.

به هر حال همسالان و نحوه تعامل آنها با او و چگونگی پذیرفتن و مسئولیت و مشارکت دادن یک نوجوان در گروه و تشویق و تایید یا تکذیب و سرزنش‌های گروه همسالان نیز در رشد اجتماعی یا انسزا و کناره گیری فرد از جامعه بسیار تأثیر دارد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

گفتنی است چون دوستان و گروه‌های همسالان، بیشترین تعامل ارتباطی و دوستی را با هم دیگر دارند و به نسبت مدت زمان بیشتری با یک دیگر به سر می‌برند، تأثیرگزاری بیشتری نیز دارند.

(د) نقش‌پذیری و (شد اجتماعی)

یکی از عوامل رشد شخصیت اجتماعی، پذیرفتن نقش است. هر کس در جامعه نقشی را بر عهده می‌گیرد. شما در هر نقشی، ملزم به انجام رفتار و رعایت الگوهای عمل خاصی هستید که دیگران از شما انتظار دارند.

نقش عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارها یا کارکردهایی که برای فردی با یک موقعیت خاص و در یک زمینه اجتماعی خاص مناسب باشد، به عنوان مثال یک نوجوان وقتی به عنوان یک دانش‌آموز عمل می‌کند، رفتارهای خاصی دارد، مانند حضور در کلاس، انجام تکالیف. مردم هنگام تعامل با چنین فردی به عنوان دانش‌آموز انتظارات ویژه‌ای از او دارند. این‌گونه انتظارات به «انتظارات نقش» شهرت یافته است.

البته هنجرهای اجتماعی، انتظارات کلی تری هستند و به رفتارهایی اطلاق می‌شوند که در یک زمینه اجتماعی برای همه افراد مناسب شناخته می‌شوند مثلاً از هر کسی انتظار می‌رود که در یک مجلس عزادری از قهقهه زدن خوداری کند.

نقش‌ها و هنجرهای اجتماعی تأثیر به سزایی در زندگی اجتماعی انسان دارد. از این‌رو می‌بایست در رشد شخصیت اجتماعی به آن نیز توجه داشت.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۵۹

نوجوانان در دوره‌ای زندگی می‌کنند که می‌بایست نقش‌های متفاوت خود را بشناسند و با هنجرهای اجتماعی آشنا شوند و در زندگی به کار گیرند. شناخت نقش در انتظام بخشی عمل تأثیر به سزایی دارد. افراد در شرایط مختلف وظایف متفاوتی دارد که می‌بایست به عنوان نقش خود انجام دهنده ولی آن را نمی‌شناسند. نامشخص بودن وظیفه به نوبه خود عامل ناهمانگی و احتمالاً انجام نشدن فعالیت‌هاست. اختلاف میان بزرگسالان و نوجوانان و جوانان گاه به دلیل عدم شناخت و گاه به دلیل مشخص نبودن نقش و وظیفه از سوی نوجوانان و جوانان رخ می‌دهد؛ از این‌رو می‌بایست نقش جوان و نوجوان به خوبی توضیح و تبیین گردد و بر پایه آن از آنان انتظار عمل داشته باشیم.

مسجد و مدیریت آن هم در تبیین برخی از نقش‌ها و بسیاری از هنجرهای اجتماعی نقش مهم و خاصی را ایفا می‌کند. از این‌رو شناخت این نقش‌ها و هنجرهای برای نوجوانان از طریق مسجد و مدیریت آن یکی از بهترین راه‌های رشد اجتماعی نوجوانان است.

نقش و انتظارات

جامعه از نوجوان و جوان انتظاراتی دارد که با نقش وی ارتباطی تنگاتنگ دارد. دوره نوجوانی از یک سو، مرحله تمرین و بازی نقش جوانی است. در این مرحله، فرد نقش یا نقش‌هایی را که می‌خواهد برعهده گیرد، بازی می‌کند، در واقع در موقعیت‌هایی، مشابه موقعیت واقعی قرار می‌گیرد و آن نقش را اجرا می‌کند. جوانی هم از یک جهت دوره‌ای برای بازی نقش بزرگسالی است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

معمولًاً افراد تاسین جوانی، کودک یا نوجوان محسوب می‌شوند. در این دوره از آن‌ها انتظار نمی‌رود که مانند بزرگ سالان رفتار کنند و برای آنها حقوق بزرگ سالی هم قابل نمی‌شوند، اما در جوانی که استقلال سر بر می‌آورد و جوان نیز می‌خواهد با او به عنوان فردی مستقل و دارای اندیشه، فکر و اراده‌ی مستقل برخورد شود، ولی چون با نحوه اظهارنظر در یک جمیع، ارایه استدلال قابل قبول آشنایی کافی نداشته باشد، مرتكب خطوا و اشتباه می‌شود، اما این بدان معنا نیست که او نباید مانند بزرگ سالان مورد مشورت قرار گیرد، بلکه این مرحله از جوانی باید مرحله بازی نقش بزرگ سالی تلقی شود و بزرگ سالان در جهت اصلاح اشتباهات جوان تلاش کنند. جوان هم باید بداند که فعالیت‌های او بازی نقش است نه ایفای نقش؛ از این‌رونه از این شکست‌ها سرخورده شوند و پرخاشگری پیشه کند و نه از راهنمایی بزرگ‌سالان برنجند.

حقوق و تکاليف

پذیرفتن هر نقشی برای انسان، حقوقی را موجب می‌شود یعنی با توجه به انتظاراتی که از نقش وی می‌رود، حقوقی برای او ثابت می‌گردد. مسئله تناسب تکالیف و حقوق یکی از مهم‌ترین مباحث در این حوزه است.

اگر جامعه از نوجوان انتظار دارد تا در نقش دانش آموز به تحصیل بپردازد و رفتاری هنجاری در پیش گیرد که ما از آن به انتظارات نقش و کار ویژه هر نقش تعییر می‌کنیم؛ هم چنین برای شخص این حق را اثبات می‌کند تا برای وی امکان بهره‌برداری از موقعیت و نقش را باید و به عنوان نمونه، امکاناتی در اختیار وی

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۶۱

قرار دهد تا بتواند نقش خود را ایفا کند. هر وظیفه و تکلیفی حقوقی با خود به همراه دارد و از این جاست که نسبتی استوار و محکم میان نقش از سوی و حقوق و تکالیف پدید می‌آید.

بدینسان تکالیف یا وظایف یک نقش، یعنی مجموعه رفتارها و الگوهای عملی که از فردی که آن نقش را پذیرفته یا نقش به او نسبت داده شده است، انتظار می‌رود انجام دهد و حقوق یک نقش یعنی مجموعه الگوهای عملی که فرد در نقش خاص خود، انتظار دارد دیگران نسبت به او انجام دهند.

دروه نوجوانی همان طور که تکالیف متعددی را به عنوان وظیفه بر عهده او می‌گذارد، حقوقی را نیز برای او ایجاد می‌کند و نوجوان دوست دارد که جامعه آنها را رعایت کنند، انتظاراتی که خانواده از نوجوان دارند یک سوی قضیه‌ای است که در سوی دیگر آن نیز حقوق او قرار دارد که انتظار برآورده شدن آن امری درست و به جایی است.

همین مسئله نسبت به دین و نوجوانی که به تکلیف رسیده است، صادق است؛ همان‌گونه که دین از او انتظاراتی دارد، نوجوان نیز از دین و اولیائی دین انتظاراتی دارد که می‌بایست مراعات‌گردد و حقوق وی در نظر گرفته شود. در مسئله نقش و شکل‌گیری آن در نوجوانان، خانواده، مدرسه، مساجد و جامعه مؤثر هستند.

تعارض نقش‌ها

نوجوانان گاه با مشکلی مهم در مسئله هنجارها و نقش‌ها رو به رو می‌شوند

که به برخی از بحران‌های روحی و روانی آنان دامن می‌زنند. این مشکل را در اصطلاح تعارض نقش‌ها می‌گویند. تعارض نقش‌ها در دو صورت به وجود می‌آید:

۱- آن‌گاه که یک شخص چند موقعیت را همزمان داراست که با یکدیگر نامتجانس هستند.

۲- هنگامی که فردی در یک موقعیت خاص دارای انتظاراتی است که نامتجانس هستند این همان تعارض درون نقشی است. به عنوان نمونه دانش‌آموزی که برای آماده شدن جهت گذراندن امتحانی سخت درس می‌خواند، همزمان یک پیام تلفنی از مادرش دریافت می‌کند که مستلزم بحثی طولانی در مورد مسئله خانوادگی است. انتظارات در مورد نقش او به عنوان دانش‌آموز و نقش او به عنوان یک عضو خانواده با هم نامتجانس هستند و بنابراین تعارض میان نقشی ایجاد می‌شود.

مثلاً اگر دانش‌آموز دیگری میان مطالعه برای امتحان ریاضی و آماده کردن یک گزارش که هر دو تاریخ‌شان فردا باشد مجبور به انتخاب باشد، در او تعارض درون نقشی ایجاد خواهد شد.

بزرگسالان با مساله تعارض نقش‌هاکنار می‌آیند و قدرت توجیه و تحلیل آنان به ایشان این امکان را می‌دهد که انتخاب درستی داشته باشند و اهم و مهم کنند. آنان می‌توانند انتخاب خویش را نیز توجیه معقول و یا مقبولی کنند. اما نوجوانان به جهت ظرفیت و شرایطی ادارکی کمتر نمی‌توانند میان نقش‌ها جمع کنند لذا با خود درگیر می‌شوند. این مسئله را می‌توان در موضوع انتخاب

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۶۳

میان رفتن به نماز جمعه و آماده شدن برای درس و امتحان مشاهده کرد. خانواده‌ای مذهبی انتظار همراهی نوجوان برای نماز جمعه را دارد و دانش خود را با مشکل امتحان رو به رو می‌بیند.

واقعیت آن است که گروه همسالان در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب و تقدیم یک نقش بر نقش دیگر تأثیر بسیار زیادی می‌گذارند و نوجوانان رفтарهای همسانی را نشان می‌دهند. این همسانی تا آن اندازه است که گاه رفтарهای خطر ساز آنان، برای خودشان و جامعه مشکلاتی رانیز فراهم می‌آورد؛ این در حالی است که رفтарهای فردی وی بسیار طبیعی تر و کم خطر سازتر است؛ زیرا فرد در گروه، شخصیت دیگری پیدا می‌کند که با شخصیت او وقتی تنهاست، متفاوت است.

تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهد که برخلاف تصور عمومی که معتقدند تصمیم‌های گروهی محافظه‌کارانه‌تر و عاقلانه‌تر است، این گروه‌ها هستند که تصمیم‌های افراطی تری می‌گیرند. این بدان معناست که نوجوانان در صورت انفرادی معتدل‌تر و بر پایه معیارهای در حد انتظار از آنان، عمل می‌کنند تا وقتی که به طور گروهی تصمیم بگیرند و یا عمل کنند.

علت تغییر شخصیت فردی در گروه و تفاوت تصمیم فردی در گروه از این روست که فرد وقتی در گروه قرار می‌گیرد از مزایای گمنامی استفاده می‌کند و احساس خطر کم تری دارد تا هنگامی که لازم است به تنها یی تصمیم بگیرد و مجبور باشد مخاطرات احتمالی تصمیم خود را تحمل کند و همین امتیاز به شخص جرأت بیشتری در گرفتن تصمیم‌های خطرساز و حادتر می‌بخشد.

اختلال شخصیت اجتماعی

مخالفت با هنجارهای اجتماعی مانند ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، نوجوان را به سوی عدم تعادل شخصیتی سوق می‌دهد بدین روند نوجوانانی که از هماهنگی خود با هنجار و ارزش‌های اجتماعی ناتوان و از آنها کناره می‌گیرند و یا با آنها درگیر هستند و به مبارزه برمی‌خizد، به نوعی دچار اختلال شخصیتی هستند. افراد مبتلا به اختلال شخصیت معمولاً با جامعه ناسازگار، هنجارستیز، فاقد حس مسئولیت و درک و وجود انحرافی، بی‌توجه به حقوق دیگران و فاقد انگیزه برای تغییر رفتار خود هستند.

در بیشتر مواقع، فرد جامعه‌ستیز در دسته‌های بزهکاری وارد شده تا بهتر بتواند به اعمال ضد اجتماعی خود جامه عمل پیوشنماید. اغلب این افراد فاقد دغدغه نسبت به اعمال خود و به دور از احساس‌گناه و پشیمانی هستند و با به کارگیری هوش و استعدادهای خود، به راحتی دیگران را بازی می‌دهند. رفتار اجتماعی هرگاه به عنوان ناهنجار تلقی شود، می‌بایست تغییر یابد. آن‌چه در تغییر رفتار اجتماعی مؤثر است عامل نامیده می‌شود؛ عامل تغییر، اشخاصی هستند که در برنامه‌ریزی و کاربرد روش‌های تغییر در جامعه شرکت دارند. تغییر می‌تواند از راه به کارگرفتن خط مشی‌هایی گوناگون اجرا شود.

سه نوع خط مشی تغییر در روان‌شناسی اجتماعی مطرح است:

- ۱ - خط مشی عقلانی تجربی.
- ۲ - خط مشی هنجاری و دوباره آموخته.
- ۳ - خط مشی قهری اجباری یا اعمال قدرت.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی ۶۵

الف) خطمشی عقلایی تجربی مبتنی براین فرض است که مردم، عقلایی هستند و بر مبنای بهتری اطلاعات موجود دست به عمل می‌زنند. بنابراین جهت بهبود بخشیدن توانایی مردم به تصمیم‌گیری یا تغییر رفتار اجتماعی آنان تنها لازم است اطلاعات و واقعیت‌های بیشتری به آنان ارایه شود. این خطمشی با بسیاری از ارزش‌های غالب هر اجتماعی نظیر میل به قدرت و قابلیت آموزش داشتن افراد مطابق است؛ از این‌رو مدارس ایجاد شد؛ اما باید اذعان داشت که این روش از کارآیی بالایی در همه جا و هم عرصه‌ها برخوردار نیست؛ زیرا ما با علم و آگاهی گاه کارهای غیر معقولی مانند رانندگی با سرعت بالا و یا بیرون از حد مجاز و یا امتناع از ورزش رانیز انجام می‌دهیم. بنابراین باید گفته که آموزش حقایق و واقعیت‌ها و آگاهی از آن، قدرت محدودی در تغییر رفتار دارند. این مسئله درباره نوجوانان به دلیل گرایش عاطفی شدید، بیشتر است و آنان از محدودیت بالاتری برخوردار می‌باشند.

ب) خطمشی دوباره آموزی مبتنی بر موضوعات متفاوتی درباره ماهیت انسان است. فرض براین است که مردم با هوش و عقلایی هستند که در همان حال در محدوده فرهنگ خاص خود محصور بوده و در چارچوب آن عمل می‌کنند. در نتیجه آنان پاسخ‌ها و الگوهای رفتاری معینی را دارند که مبتنی بر نگرش‌ها و ارزش‌ها و سنت‌ها و روابط با دیگران است. پیش از کوشش برای تغییر دادن یک شخص یا گروه یا جامعه، عامل تغییر باید این تعیین کننده‌های هنجاری فرهنگی را به حساب آورد. خطمشی هنجاری و دوباره کاری حرکت کنندی دارد. میزان تغییر بستگی زیادی به میزان موافقت و همکاری میان عوامل تغییر

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

مردم دارد هرچند که نتیجه این تغییر ارزش مند است، از ویژگی های محوری این روش قابلیت پیش بینی تغییر در جهت مطلوب است.

ج) خط مشی اعمال قدرت؛ این خط مشی بر عنصر زور و قدرت تأکید می ورزد؛ از این رو به کارگیری قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای اعمال فشار در راستای ایجاد تغییر تأکید می کند. در کاربرد خط مشی اعمال قدرت، عوامل تغییر اصولاً به خط مشی های خشونت آمیز و تنبیه بر تغییر مبتنی است. این روش هرچند در کوتاه مدت اثر بخشی به نسبت زیادی دارد ولی در بلند مدت اثر منفی به جای می گذارد؛ بلکه این روش به جهت عدم قابلیت پیش بینی به مراتب خطرساز تر است. کاربرد آن نسبت به نوجوانان در بلند مدت نه تنها آثار مطلوبی به جا نمی گذارد بلکه باعث واکنش منفی و تندی می شود. به هر حال این روش هرگز به تنها یی نمی تواند عامل تغییرات جدی و سازنده ای باشد.

تغییر رفتار اجتماعی

اگر برخی از رفتارهای اجتماعی نوجوانان را نابهنجار تلقی می کنیم می توانیم با تغییر الگو و روش های دیگر به بازسازی آن اقدام کنیم. واقعیت این است که این افراد نیاز به روان درمانی در قالب های بینشی، رفتاری و پزشکی زیستی دارند.

این واقعیت مسئولیت جمعی همه مسئولان و اولیای امور از پدر و مادر و مدرسه و دولت و نهادهای اجتماعی و فرهنگی و آموزشی را دو چندان می کند.

۶۷ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

امام جماعت و مدیریت مساجد نیز می‌توانند در این بخش فعالانه با استفاده از روش‌های مناسب به بازسازی رفتار اجتماعی آنان اقدام و آنان را به سوی ارزش‌های دینی و اخلاقی و اجتماعی سوق دهند.

نقش امام جماعت در تغییر رفتار اجتماعی

به نظر می‌رسد که روحانی به عنوان عامل تأثیرگذار می‌تواند به سه شکل در فرآیند تغییر و جامعه‌پذیری نوجوانان نقش مهمی را ایفا کند:

- ۱- به عنوان رابطه تخصصی.
- ۲- به عنوان تشریک مسامعی.
- ۳- به عنوان عنصر پشتیبانی کننده.

الف) روحانی به عنوان یک متخصص مؤثر بر تغییر رفتار اجتماعی و جامعه‌پذیری نوجوانان می‌تواند در حوزه برنامه‌ریزی‌های کلان نهادهای اجتماعی مانند آموزش و پرورش مشارکت فعال و سازنده‌ای داشته باشد. این زمانی است که سازندگان خطمشی‌های تغییر رفتار اجتماعی به روحانیان در ایجاد تغییر رفتار و جامعه‌پذیری احساس نیاز کنند و از راه حل‌های پیشنهادی آنان در چارچوب و محدوده‌های قابل قبولی در برنامه‌ریزی بهره برند و راه کارهای آنان را مدنظر قرار دهند.

ب) روحانی به عنوان عالم دین و تأثیرگذار در روند تغییر رفتار جامعه خود نیز می‌بایست با استفاده از مهارت‌های ارتباطی و فنون تغییر رفتار نقش مستقیمی را در حوزه فرآیند تغییر و جامعه‌پذیری نوجوانان ایفا کند و افزون در برنامه‌ریزی در حوزه عمل نیز وارد شود و به طور مستقیم دخالت کند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

ج) روحانی و عالم دینی و دیگر نهادهای اجتماعی زمانی سازمانی موفق خواهند شد که تغییر رفتار اجتماعی را در راستای اهداف هنجری جامعه موجب شوند و این زمانی است که همگی در یک برنامه مدون و مشخص کلان حرکت کنند و تضادها و تقابل‌های میان خود را در حد امکان کاهش دهند.

همچنین امام جماعت مسجد می‌تواند در نقش درمانگر بینشی و رفتاری عمل کند. درمان بینشی در واقع یک نوع صحبت درمانی است. در این روش نوجوان مبتلا، از راه روابط و تعاملاتی که با درمانگر پیدا می‌کند، در طول درمان، بینش لازم را نسبت به توانایی‌ها و استعدادهای خود پیدا می‌کند و به درک درستی در مورد محدودیت‌هایش رسیده و از این راه، میزان سازگاری او با جامعه افزایش پیدا می‌کند.

هدف یک نوع از این درمان که «مراجع محوری» نام دارد، فراهم کردن یک جو حمایتی عاطفی و هیجانی برای مراجعته کننده است که در این جو آرام بتواند به نیازهای واقعی روانی خود، بینش و شناخت درستی پیداکرده و از طریق آن به سازگاری نسبی نایل آید.

نوع دیگر از این درمان که مبنی بر «شناخت درمانی» است، بر بازسازی فرآیند شناختی برای دامنه گسترده‌ای از اختلالات روانی در آن تأکید می‌شود و بیشترین کاربرد آن برای درمان افسردگی است. لازم به ذکر است استفاده از این روش‌ها از سوی روحانیون مساجد، بسیار مؤثرتر از متخصصان است.

افرون بر درمان بینشی، درمان رفتاری نیز بر مبنای اصول یادگیری از راههای تقویت رفتارهای مناسب نیز انجام می‌پذیرد. در این راستا بهترین روشهای

۶۹ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

که روحانیون می‌توانند از آن بهره گیرند، حساسیت‌زدایی تدریجی است که پاسخ‌های اضطرابی نوجوانان را کاهش داده و از میان می‌برند. در این روش با توجه به این که بیش‌تر اضطراب‌ها و رفتارهای ناهنجار نوجوان از راه یادگیری و تقویت در دوران کودکی به دست آمده، بایستی نوجوان را در موقعیت‌های قرار داد تا از اضطراب و ناهنجاری‌ها تقویت شده، دورگردد و به تدریج هنجارهای مناسب جایگزین گردد و گذشته پر از اشتباهات و شکست‌های پیاپی و سرخوردگی‌های پیشین را به دست فراموشی بسپارد.

۴- (شد گرایش مذهبی)

در دوران نوجوانی چون رشد فکری و عقلی نوجوان افزایش یافته و آگاهی و جهان‌بینی او نسبتاً وسیع‌تر شده است، اصولاً توجه نوجوان به مسائل ماوراء‌طبیعی بیشتر جلب شده و علاقمند می‌شود که از مسائل آن سوی پرده طبیعت، آگاهی‌پیداکرده و از دنیای معنویات، جهان آخرت و ایده‌آل‌های دینی باخبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز، تمایل او بیش از پیش متوجه زیبایی‌های معنوی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ در این رابطه می‌فرمایند:

«به شما درباره نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم
که آن‌ها دلی رقیق تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند».
به عقیده محققان، خانواده و اجتماع در تثیت اعتقادات مذهبی نقش بسیار مهمی به عهده دارند و نوجوانان به شدت تحت تأثیر خصوصیات اخلاقی خانزاده، محیط و گروه همسالان قرار می‌گیرند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به کمک به یاری خداوند در شرایط مشکل زای زندگی، احساس برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و حمایت روحانی، همگی از جمله منابعی هستند که افراد مذهبی با برخورداری از آن‌ها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، آسیب کمتری را متحمل شوند. به همین جهت مذهب در برابر تمام عوامل استرس‌زا از قبیل ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی خود فرد، فعالیت‌های مقابله و منابع حمایتی، نقش کاهش دهنده دارد.

براین اساس اگر متخصصان بخواهند در بهداشت روانی انسان و در جهت کمک به آسایش، آرامش و خوشبختی او قدمی مثبت بردارند، راهی جز یاری گرفتن از دین، در پیش رو ندارند.

متأسفانه رشد و پیشرفت علم و تکنولوژی بر وحشت، اضطراب و نگرانی‌های انسان افزوده و بی‌اعتمادی، بدینی، ضعف روحی و شخصیت، انسان معاصر را در عذاب و شکنجه‌های روانی قرار داده است و بشر بدون رشد ایمان مذهبی روی آرامش و خوشبختی را نخواهد دید.

روانشناسان اینک به خوبی این حقیقت را دریافته‌اند؛ کوئینگ (Koenig) معتقد است: دین‌داری درونی و قلبی در هنگام اضطراب و افسردگی به کمک آدمی می‌شتابد.

فضیلت دوستی و خیرخواهی نوجوانان گاه دامنه گسترده‌تری پیدا می‌کند و میل به اصلاح جهان در آنان افزایش می‌یابد. در این هنگام ایده‌آل‌های اخلاقی تمام وجود نوجوانان را مسخر می‌کند. اگر این اراده و تمایل اخلاقی در جهت مطلوب هدایت شود زمینه‌ساز رشد و حرکت نوجوان می‌گردد.

۷۱ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

پژوهش‌ها نشان داده است که نوجوانان بیش از جوانان به مذهب علاقه دارند موریس دبس (M. Debes) روان‌شناس و مربی معروف فرانسوی می‌گوید: در حدود ۱۵ تا ۱۷ سالگی جوانان با ندای تقدیس به لرزه درمی‌آیند و آرزو دارند که جهان را از نو تشکیل داده و عدالت مطلق را حکم‌فرانمایند. به نظر وی سن ۱۶ سالگی سنی است که معمولاً آدمی در آن یا ایمان خود را از دست می‌دهد و یا آن را نگاه می‌دارد.

تحقیقات کوهن (Kohen) و آرنولد (Arnold) نشان داد که میزان اعتقادات مذهب در سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی بیشتر است و در سن ۱۸ سالگی کاهش می‌یابد.

در بررسی از ۶۲۳ خانواده تهرانی نیز نتیجه‌ای همانند تحقیقات کوهن و آرنولد به دست آمد.

۷ - (شد روانی)

نوجوان از نظر روانی نیز رشد می‌یابد؛ مهم‌ترین ویژگی رشد روانی در دوره نوجوانی دسترسی به تعریفی از خود یافتن پاسخی به پرسش مهم «من کیستم؟» و تشکیل شخصیت و شکل‌گیری هویت خود است.

تعریف خود و شکل‌گیری هویت

آن‌چه از اهمیت به سزاگی در دوره نوجوانی بروخوردار است، یافتن «خود» و شکل‌گیری شخصیت می‌باشد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

تعیین هویت مناسب و تعریف خود در دوره نوجوانی بدان معنا نیست که نوجوان به طور دربست خواسته‌ها و تمایلات بزرگسالان را اجرا کند و یا بر عکس با آنها به مخالفت پردازد، بلکه بدین معناست که نوجوان در میان این انتظارات و توقعات به انتخاب آگاهانه و خردمندانه دست بزند و خود را انتخاب کند که با توانایی‌ها و انتظارات واقعی او سازگاری داشته باشد.

نوجوانانی که در پایان این دوره به تعریف خود و هویت واقعی خود دسترسی پیدا کرده‌اند، افرادی هدف‌مند و با هویت مثبت در زندگی خواهند بود. آن‌ها دارای اضطرابی متوسط یا کم، احساس عشق به والدین و حمایت از آن‌ها، عزت نفس، هویت اخلاقی قوی، پیش‌داوری و تعصّب کم، استدلال اخلاقی موفق قراردادی هستند.

در فرآیند تلاش برای یافتن خود حقیقی، نوجوان ممکن است «خود و هویت‌های» متعددی بیابد و حتی ممکن است فرهنگ‌های غلط رایج در یک جامعه برای او یک خودپنداری و غیرمتناسب با فطرت الهی ایجاد کند؛ از این‌رو، او در معرض تجربه و تغییر و کشمکش خودها حقیقی و ساختگی و تلقینی است و گاه نوجوان به این تشخیص می‌رسد که باید در شرایط و موقعیت‌های گوناگون نقش‌های گوناگونی مانند محافظه‌کاری، جسارت، همکاری، مخالفت دوستانه و صمیمی، یا مخالفت غیردوستانه و نامهربان را ایفا کند و از این رو رفتارهای او ممکن است در موقعیت‌های گوناگون حتی با هم متضاد باشند و نوجوان همواره از خود می‌پرسد که من واقعاً کدام یک از این «خودها» هستم؟

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۷۳

گاهی ممکن است نوجوان از «خودکاذب» استفاده کند یعنی به گونه‌ای رفتار کند که با احساس یا افکار او هم خوانی نداشته باشد. استفاده از خودکاذب در نوجوان به دلایل مختلفی می‌تواند صورت گیرد:

۱- این که «خود واقعی» او مورد پذیرش دیگران نباشد.

۲- این که خشنودی دیگران را به دست آورد.

۳- این که خودهای مختلف را مورد آزمایش قرار دهد تا خود واقعی و مناسی را برای خود پیدا کند.

تکلیف مشخص نوجوان در این دوره آن است که به تعريفی از خود دست یابد که منحصر به فرد و مجزای از دیگران باشد و سازگاری شخصی و اجتماعی را برای او فراهم کند و با تمایلات فطری او همسو و هم جهت باشد.

باید توجه داشته باشیم که نوجوانان در تلاش برای کسب هویت و تعريف خود، گاه خودشان را از راه رقابت‌های آموزشگاهی، مهارت‌های شغلی، توانایی‌های ورزشی، حالات عاطفی و هیجانی و شاعرانه و رفتارهای اخلاقی و اجتماعی از دیگری متمایز و جدا می‌سازند.

هویت، ویژگی‌هایی است که انسان برای خودش در پاسخ سؤال کیستی برمی‌شمرد و خود را با آن می‌شناسد و از آن جایی که فرد خود را در آینه دیگران می‌بیند، تصوری که هر کس از خودش دارد تا حد زیادی با تصور دیگران از او همسان است؛ بنابراین می‌توان گفت: هویت، در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد.

نوجوانان و جوانان دغدغه‌های متفاوتی دارند. دغدغه چگونگی پوشش،

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

کلام و رفتار از مهم‌ترین آنهاست. علت دغدغه آنان درباره نوع پوشش، نحوه برخورد با دیگران و مانند آن به شناخت جایگاه خود در جامعه و چشم دیگران بستگی دارد. نگرانی پسر یا دختر در یک مجلس مهمانی و بازخوانی آن پس از بازگشت، در این که آیا دیگران «خود مطلوب» او را پذیرفتند یا رفتارش، او را به شکل غیر از آن چه مدنظرش بود به دیگران نشان داد؟ در چه مواردی اشتباه کرده است و کدام رفتارش را باید تغییر دهد تا چنان‌که می‌خواهد، بنماید؟

بروز رفتارهایی چون افراد زرنگ، پهلوان و قهرمان، مدروز بودن، لهجه و کلمات و تکیه کلام‌ها، تلاشی است برای اثبات و نشان دادن هویتی که آن را مطلوب می‌داند و می‌پسندد.

نوجوان کسی است که از یک سو از هویتی می‌گریزد و از سوی دیگر در جستجوی هویت جدید و تثیت آن است. از این‌رو تا تثیت هویت جدید، دغدغه‌ها و نگرانی‌های زیاد‌وى را احاطه می‌کند. نگران نگاه و رفتار دیگران است و از این‌روست که با دو هویت متفاوت از خود روبروست؛ هویتی که تاکنون داشته و با آن شناخته می‌شد و هویتی که در جهت کسب و یا نشان دادن آن به دیگران است. نوجوان می‌کوشد تا هویتی را نشان دهد که برخاسته از ارزیابی خود است نه ارزیابی دیگران که گاه به نظرش نادرست و برخلاف هویت واقعی است. این‌گونه است که مسئله هویت ثابت و متغیر مطرح می‌شود.

هویت ثابت و متغیر

هویت هر کسی به دو شیوه ارزیابی می‌شود؛ گاه خود فرد است که آینه خود می‌شود و به ارزیابی هویت خویش می‌پردازد و گاه ارزیابی دیگران است که او را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. از این‌رو هر کسی، گویا برخوردار از دو شخصیت و هویت است؛ هویتی که ارزیابی می‌کند و هویتی که ارزیابی می‌شود. گویا هر انسانی، دارای دو خود است؛ خودی که می‌شناشد و خودی که شناخته می‌شود. بدینسان هر شخصی با آن که در طول زمان و موقعیت‌های مختلف یکی است، در هر لحظه دو وجه متفاوت دارد: خود ارزیاب و شناساگر که همواره در تکاپو و تحول و تغییر است و خود ارزیابی شونده، شناخته شده شکل‌گرفته و تشییت شده که ثابت و برقرار است.

شما در یک لحظه خود را ارزیابی می‌کنید و تغییر می‌دهید. پس از تغییر همان خود تغییر یافته، مجدداً به خودش می‌نگرد و ارزیابی می‌کند و اگر از آن تغییر هم ناخرسند بود، آن را تغییر می‌دهد. بنابراین هر کس خود را شناسایی می‌کند و می‌کوشد تا با ارزیابی، آن را تغییر دهد، در عین آن که از یک وحدت شخصی پایدار و ثابتی نیز برخوردار است.

نوجوان نیز تلاش می‌کند که با توجه به رفتارها و نگاه دیگران خود را ارزیابی کند و به تغییر هویت خود اقدام کند؛ از این‌رو می‌توان به نقش دیگران در هویت‌سازی توجه داد. دیگرانی که با نگاه و رفتارهای خویش نوجوان را همواره به ارزیاب و تغییر در هویت خود وادر می‌سازند و به‌طور مستقیم شخصیت او را تغییر می‌دهند. رفتار و نگاه دیگران با توجه به نقش افراد است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

نقش متوجه آن دسته از صفاتی است که فرد در جامعه به عهده می‌گیرد و امری اکتسابی است و از ویژگی‌های فردی باز شناسانده می‌شود.

در گفت‌وگوهای روزانه شنیده‌اید که گاهی افراد را «از خود راضی» توصیف می‌کند و می‌گویند: «لانی «از خود ممنون» است. در مقابل افراد دیگری چنین نیستند و از خود انتظار بیشتری دارند.

شخص هنگامی که به ارزیابی خویش می‌پردازد یا ارزیابی دیگران را در مورد خود می‌شنود، ممکن است از آن چه هست راضی باشد. در این صورت به تغییر خود نیازی نمی‌بینید اما اگر در ارزیابی خود از آن چه هست احساس نارضایتی و ناخشنودی کند، در جهت تغییر خود دست به عمل می‌زند.

عوامل شکل‌گیری و تغییر شخصیت

هویت جوان تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌های فراوان شناخته و ناشناخته درونی و بیرونی شکل می‌گیرد. عواملی چون وراثت، خانواده، جامعه، ملت، زیست بوم، طبقه اجتماعی، فرهنگ عصری ملی و جهانی، میزان تحصیلات، نوع تخصص، دیانت، گرایش‌های سیاسی و بسیاری از مؤلفه‌های ناشناخته دیگر، منشأ و عامل تغییرات و ظهور مقتضیاتی است که در شکل‌گیری هویت جوان تأثیرگذارند. عوامل پیش‌گفته به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری هویت عمومی و دینی شخص، نقش دارند؛ یا هویت‌ساز هستند یا در ایجاد و تکامل و تغییر هویت تأثیر زیادی دارند. این عوامل مهم عبارتند از:

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۷۷

عامل اول: والدین

در با تعریف خود و شکل‌گیری هویت در نوجوانان، والدین و گروه همسالان بیش از عوامل اجتماعی دیگر نقش ایفا می‌کنند، برخلاف تصور رایج، مطالعات نشان می‌دهد که میان والدین و نوجوانان، توافق زیادی در مسایل سیاسی، مذهبی، تربیتی و عقاید شغلی و زمینه‌های منفی وجود دارد.

اگرچه نوجوانان و والدین آنان به دونسل متفاوت تعلق دارند، ولی آن‌چه که باعث تعارض میان این دونسل می‌شود آن است که والدین تفاوت‌های میان خود و فرزندانشان را کوچک بشمارند و نوجوانان، تفاوت‌ها را بیش از اندازه بزرگ کنند. والدینی که در عین اقتدار و برقراری محدودیت‌ها برای نوجوانان، با آنان ارتباط برقرار می‌کنند و به خواسته‌ها و تفاوت‌های آنان توجه می‌کنند، از والدینی که به طور کامل فرزندان خود را آزاد می‌گذرانند و یا به طور کامل با سلطه طلبی و خشونت با آنان رفتار می‌کنند، در ایجاد عزت نفس و تعریف خود و شکل‌دادن هویت نوجوان موفق ترند.

همراهی با نوجوان و در عین حال ایجاد گرایش در تمایلات مذهبی از مهم‌ترین اموری است که والدین نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند.

عامل دوی: گروه همسالان

گروه همسالان نیز در تعریف خود و شکل‌گیری هویت نوجوانان نقش مهمی ایفا می‌کند. نوجوان با عضویت در گروه همسالان در جستجوی نقطه اتکایی بیرون از خانواده در میان محیط اجتماعی است و با پذیرش نقش‌های مختلف در

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

گروه، در مسیر شکل‌بخشی به شخصیت متکی به خود گام برمی‌دارد. وی در جامعه و در گروه همسالان می‌کوشد تا نقش خود را بیازماید؛ از این‌رو، از گروه بیش‌تر از هر گروه و یا شخص و یا شخصیت دیگر تأثیر می‌پذیرد. آرمان‌های گروه او را به هر سوی سوق می‌دهد و هنجارهای گروه همسالان است که ارزش‌های واقعی او را شکل می‌بخشد.

گروه همسالان، اندیشه و احساسات نوجوان را مهار می‌کند و یا بر می‌انگیزاند. از سویی، کشش برای استقلال و رهابی از انفعال را در او تقویت می‌کند و از سوی دیگر او را به همراهی با گروه و وابستگی شدید به آرمان‌های گروه فرا می‌خوانند. بنابراین گروه نه تنها راهی جامعه‌پذیری و استقلال خواهی، بلکه پایگاهی برای جهت‌گیری‌های اندیشه‌ای، بیشنسی، نگرشی و هنجاری اوست. فرد براساس علایق و منافع گروه همسالان عمل می‌کند و از آن اطاعت و پیروی می‌نماید. از این‌روست که گروه همسالان می‌بایست به دقت انتخاب و گزینش شوند و خانواده در این مسئله می‌تواند نقش مهم و سازنده‌ای ایفا کند.

گفتنی است در دوره کودکی، دوستی‌ها به طور دسته جمعی و گروهی می‌باشد ولی در دوره‌ی نوجوانی دوستی‌ها محدود به دو یا سه نفر می‌شود و ارتباط نیز بسیار صمیمی‌تر و نزدیک‌تر و فراتر از مسایل تحصیلی و امور مدرسه است.

همچنین لازم است بدانیم که گروه همسالان فشارهای گروهی خاصی را در جهت مثبت (رقابت تحصیلی، ورزشی) یا منفی (کارهای غیراخلاقی

۷۹ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

و خطر پذیری) بر نوجوانان تحمیل می‌کنند. البته این فشارهای گروهی تا سال‌های ۱۴ و ۱۵ سالگی افزایش پیدا می‌کند، ولی به تدریج از آن کاسته می‌شود. از این‌رو باید بزرگسالان به طریق نامحسوسی نوجوان را از فشارهای گروه هم‌سالان در امان قرار دهند و همراه با مهار و کنترل محسوس و نامحسوس، برای افزایش عزت و اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری‌ها، فرصت مناسبی برای او فراهم سازند.

عامل سوم: الگوهای

می‌دانیم که نوجوانان و جوانان نسبت به بزرگسالان برای همانند شدن با هویت‌های مختلف توانایی بیشتری دارند. در جوانی، فرد الگوهای مختلفی را برمی‌گزیند و در جهت همانند شدن با آنان تلاش می‌کند؛ در حالی بزرگسالان در این زمینه توانایی محدودی دارند و در اصطلاح گفته می‌شود که «شخصیت آنان دیگر شکل گرفته است». معمولاً بزرگسالان می‌گویند که دیگر از ما توقع تغییر نداشته باشید. «از ما گذشته است».

علت این امر آن است که با شکل‌گیری خود و هویت‌یابی ثابت و پایدار، به تدریج امکان تغییر آن محدود می‌شود.

در دوره نوجوانی و جوانی که دوره‌ی هویت‌یابی است، گاه با تماشای فیلمی و یا خواندن داستانی یا شنیدن سرگذشت فرد مهمی، این گرایش در نوجوان پدید می‌آید که ویژگی‌ها و خصایص او را در خود ایجاد کند.

در دوره نوجوانی و جوان چون فرد با این سوال مواجه است: خوب است

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

چه کسی باشم؟ شاعر، نویسنده، نقاش، ورزشکار و یا هنرمند؟ ممکن است بارها در این موارد تأمل کند و بالاخره یکی از الگوهای (دیگرهای نوعی) را برگزیند؛ شروع به همانندی‌سازی خود با آنان کند و پس از مدتی احساس کند که نمی‌تواند شاعر یا نویسنده‌ی خوبی باشد و مجددًا به دیگری دل بیندد. علت این تردیدها آن است که شخص بیش از آن که به امکان تحقق آن‌ها بیند یشد، شیفته‌ی ویژگی‌های مثبت الگو و دیگران مهم و نوعی شده است.

البته این تردید و آزمایش و خطا در دوره‌ی نوجوانی و جوانی تا اندازه‌ای طبیعی است؛ اما اگر طولانی شود، ضمن این که فرصت‌های بسیار خودسازی را از میان می‌برد، موجب عدم ثبیت خود یا تأخیر در آن می‌شود که با نوعی بی‌اطمینانی به خود، عدم اعتماد به نفس و حتی احساس کمتری همراه است؛ زیرا هر آزمایش و عدم توفیق در آن، میزان اعتماد به نفس فرد را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، همانندسازی‌های متنوع و ناپایدار فرد با دیگران مهم و نوعی سبب می‌شود تا تصویر ما در نزد دیگران ثبیت نشود و دیگران و اطرافیان، ما را دمدمی‌مزاج و متلون و غیرقابل اعتماد به حساب آورند. این امر نیز در بی‌ثباتی شخص مؤثر است و نمره‌ای منفی برای این امر به شمار می‌آید.

انسان متناسب با رشد و توانایی‌هایش در تعامل با دیگران قرار می‌گیرد و از میان آنها کسانی که بیشتر او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برایش مهم می‌شوند. افرادی که فرد، آنان را مهم تلقی می‌کنند «دیگری مهم» می‌نامند.

«دیگران مهم»، کسانی هستند که فرد می‌کوشد تا خود را شبیه و همانند آنها بسازد و به ریخت و قیafe آنان درآید و در راستای هویت آنان، خود را تغییر

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۸۱

دهد. «دیگران مهم»، نمونه‌ها، سرمشق، اسوه و الگوی او هستند. شخصیت‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و سیاسی و مذهبی «دیگران مهم» تلقی می‌شوند که الگوی رفتارها را تشکیل می‌دهند.

«دیگران مهم»، لزوماً افراد هم عصر ما نیستند، بلکه شخصیت‌های تاریخی، رمانی و داستانی و حتی افسانه‌ای هم می‌توانند دیگران مهم یک شخص باشند.

زمانی که فرد به ارزیابی خود می‌پردازد، معمولاً خود را با دیگران مقایسه می‌کند و به میزانی که میان خود و این شخصیت فاصله و تفاوت می‌بیند، از هویت‌کنونی اش احساس ناخرسندي می‌کند و در جهت تغییر آن می‌کوشد. گاهی به جای این که فرد خاصی، دیگری مهم یک نفر باشد، دیگران به صورت نامشخص الگوی او قرار می‌گیرند. زمانی که فرد از پوشیدن یک نوع لباس طفره می‌رود و آن را بد می‌داند، معمولاً استدلال او این است که مردم چه می‌گویند؟ در اینجا مردم، یک دیگری مهم نامشخص است که فرد آنان را نمونه و اسوه خود قرار داده است. هم چنین هنگامی که فرد در پی آن است که ویژگی‌ها و رفتار دیگران را به صورت کلی در خود ایجاد کند و نمی‌خواهد از شخص خاصی پیروی کند، در این مورد هم الگویی او کلی و نامشخص است. در این گونه موارد به این دیگری نامشخص که برای فرد مهم تلقی می‌شود و فرد می‌کوشد خود را شبیه و همانند او سازد، دیگری نوعی می‌گویند. یکی از این «دیگری نوعی»، مردم هستند. کلمه مردم، به فرد یا افراد خاصی اشاره ندارد، بلکه هر فردی متناسب با شرایط خود، دیگری نامشخص و مهمی که رفتارش را

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

مطابق با سلیقه و انتظارات او شکل می‌دهد و خود را با او همانند می‌سازد، مردم می‌نامد.

ایفاکنندگان نقش‌های مختلف هم می‌توانند دیگری نوعی افراد باشند.

کلمه بازاری هم به شغل و هم به صفات مشترک و کلی ای اشاره می‌کند که نقش بازاری را با آن می‌شناسند. اشخاصی دوست دارند که بازاری یا فرهنگی باشند و خود را همانند آنان سازند. به نظر چنین شخصی، بازاری یا فرهنگی بودن، آن چنان مهم است که شخص می‌تواند هویت خویش را همانند آنان بازسازی کند.

در بسیاری موارد، شخص هنگام ارزیابی خویش، خود را بادیگری نوعی مقایسه می‌کند و به میزانی که میان خود و تصویری که از دیگری نوعی دارد فاصله و تفاوت بینید، احساس ناخشنودی می‌کند و برای تغییر دادن «خود» اقدام می‌کند.

از جمله عواملی که به سبب آن‌ها، دیگران، مهم تلقی می‌شوند، ارزش‌ها و مزايا هستند. ارزش‌ها و مزايا اموری هستند که برای فرد مهم و مطلوب تلقی می‌شوند. به همین دلیل، کسانی هم که از مزايا برخوردارند یا توانسته‌اند ارزش‌ها را در خود متجلی سازند، مهم به شمار می‌آيند.

تعلق خاطر شيعيان به امام حسین علیه السلام و امير المؤمنان علیه السلام و یا ابوالفضل عباس و یا تعلق ايرانيان به رستم دستان و الگوبودن و تبدیل شدن آنها به «دیگری مهم» به دليل برخورداری از سجایای اخلاقی، گذشت و قدرت پهلواني و مانند آن است. اين در حالی است که آرزوی افراد برای «سرمايه دار بزرگ شدن» ييش تر به دليل جاذبه مزيت ثروت است.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۸۳

قرآن به توجه به این خصیصه مهم در انسان که گرایش ذاتی به الگوپذیری دارد، به نمونه‌های مهمی در آیات قرآن اشاره می‌کند. بیان بسیاری از داستان‌های پیامبران برای الگودهی به شخص مؤمن است. گاه به صراحت از الگو بودن برخی برای مؤمنان یاد می‌کند و گاه دیگر به نمونه‌های خاص در حوزه مردان و زنان اشاره می‌کند. گاه مریم دختر عمران و گاه آسیه همسر فرعون را به نام الگوی زنان سرمشق قرار می‌دهد.

قرآن برای هشدار باش به الگوهای منفی و آثار و پیامدهای پیروی از چنین الگوهایی نیز اشاره می‌کند که می‌توان به مواردی چون بلعم باعورا در علم و دانش، قارون در ثروت اندوزی و زن نوح و لوط در انحرافات خانوادگی اشاره کرد.

گفتگی است نوجوانان و جوانی که در انتخاب دیگری مهم یا نوعی خود، واقع بین هستند و الگوهایشان با شرایط و امکاناتشان تناسب بیشتری دارند و در انتخاب کمتر دچار تردید می‌شوند و در زندگی موفق ترند.

این امر به نوجوانان و جوانان محدود نمی‌شود و بزرگسالان نیز تحت تأثیر جاذبه‌های برخی از الگوها به همانندسازی می‌پردازند.

همانندسازی نشان می‌دهد که تبلیغات تا چه اندازه می‌توان تأثیر داشته باشد. اگر جامعه به طور نامتعادل اموری را مهم و ارزشی جلوه دهد مانند فوتبالیست‌ها و یا هنرمندان، شخص بدون توجه به ظرفیت‌های محدود خود می‌کوشد تا همانندسازی کند و دچار شکست شود.

البته در همانندسازی نوجوانان به کسانی می‌اندیشند که در نظر بیشتری

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

آشنايان و يا جامعه مهم جلوه می‌کند. از اين رو گفتارها و سخنان مستقيم و تعریف و تمجیدهای غيرمستقيم می‌تواند در انتخاب الگو و دیگری مهم اثر بگذارد. از اين رو، جامعه می‌بایست در تبلیغات خود واقع یینانه‌تر عمل کند تا نوجوانان دچار کثی در انتخاب الگو نشوند.

داستان‌هایی که از اولیای دین به ویژه اهل کمالات در منابر و مساجد و رسانه‌های دیداری و شنیداری نوشته و گفته می‌شود، اگر به اندازه باشد که مهم جلوه کند، خود عاملی برای انتخاب ناخواسته نوجوانان می‌شود.

عامل چهارم: محیط و فضای اجتماعی

گفته شده که نوجوانی و جوانی دوره استقلال خواهی ازوالدین است. در این دوره وابستگی به بزرگ‌ترها، آسوده بودن و بی‌مسئولیتی به کناری نهاده می‌شود. نوجوان در آستانه دوره‌ی جدید است که باید بیندیشد، تصمیم‌گیری کند و مسئولیت زندگی خود و حتی دیگران را به عهده گیرد. در این دوره برای او پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود!

از آن جایی که انسان به علت گرایش طبیعی می‌خواهد با دیگران رابطه و تعامل برقرار کند، آن را به شکل تعامل اجتماعی بروز می‌دهد. تعامل اجتماعی موجب می‌شود تا انسان نکات مشترک و مشابهت‌هایی میان خود و دیگری بیابد و آن را تقویت کند. هرچه مشابهت و مشترکات افزایش یابد، به تدریج مجموعه واحدی به نام «ما» شکل می‌گیرد. این «ما» که در برابر «من» قرار دارد، گاه ممکن است بسیار سطحی و محدود باشد، اما گاه دیگر این مشابهت چنان زیاد می‌شود

و افزایش می‌یابد که عمق و معنای بیشتری نیز می‌یابد و تعامل با دیگران به شکل پایدارتری در می‌آید. در چنین حالتی گروه اجتماعی شکل می‌گیرد.

آنده هر کسی به میزان چشمگیری به شناختی بستگی دارد که در این مرحله زندگی خود از محیط اجتماعی به دست می‌آورد. شناخت ناقص که برپایه احساسات قرارگیرد و از واقعیت‌های زندگی دور باشد می‌تواند آثار زیان باری بر زندگی آینده نوجوان داشته باشد.

گروه‌های اجتماعی افرادی هستند که خود را «ما» تلقی می‌کند و به صورتی به نسبت پایدار و منظم با یک دیگر تعامل دارند. از این‌رو، باید به مسئله گروه و تعامل اجتماعی به عنوان، عامل مهم در شکل‌گیری هویت اشخاص توجه داشت.

جامعه با تشویق و تنبیه‌ها به نوجوان یاد می‌دهد که چه کسانی مهم هستند و چه هویتی مطلوب به شمار می‌آید. از این‌روست که نمی‌توان در شکل‌گیری هویت به جامعه و فشارهای آن بی‌توجه بود. فشارهای جامعه در جهت‌دهی هویت تا آن اندازه مهم و اساسی است که حضرت نوح^{علیہ السلام} در باره قوم خود و فشارهایی که جامعه بر نوجوانان و شکل‌دهی و هویت‌بخشی آنان ایجاد می‌کند، چنین می‌گوید:

﴿ لا يلدوا الا فجاراً كفاراً﴾.^۱

یعنی این محیط اجتماعی و فشارهای آن به گونه‌ای است که فرزندانی که

۱. نوح: ۲۷.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

در آن رشد می‌کنند بزهکار و کافر می‌شوند. گویی آنان به جای آن که فرزندانی پاک و بر فطرت سالم به دنیا آورند، هماره فرزندانی کافر و بزهکار می‌زایند. آری انسان‌ها به طور طبیعی بر فطرت سالم به دنیا می‌آیند و جامعه است که آنان را یهودی و مسیحی و بزهکار می‌سازد، به این معنا که جامعه بسته و تبلیغات آن، می‌تواند فرزندان سالم و طبیعی را با هویت این‌گونه مسخ شده، به دنیا آورده و به فساد و تباہی بکشاند.

عامل پنجم: ارزش و هنرهاهای اجتماعی

زنگی فرد در گروه و اجتماع در عین این که مطلوب و مفید است، محدودیت‌هایی را پدید می‌آورد. فردی که در گروه و اجتماع زنگی می‌کند، نمی‌تواند آزادانه و هر طوری که می‌خواهد عمل کند و «باید» برای بقای گروه و اجتماع کارهای خاصی را انجام دهد. به رفتارهایی که شخص با عضویت در گروه باید آنها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن آن‌ها با مجازات رو به رو می‌شود، «الگوی عمل» یا «هنجار» می‌گویند.

با تداوم زنگی گروهی، به تدریج امور خاص برای همه یا بیشتر افراد گروه مهم تلقی می‌شود. آنان از تحقق این امور احساس خشنودی می‌کنند و حاضرند باری تحقق آنها گاهی جان خویش را به خطر اندازند، توهین به این امور مهم یا جلوگیری از تحقق آنها، موجب ناخشنودی و واکنش افراد گروه می‌شود. این‌ها، ارزش‌های گروه و اجتماع کوچک آنهاست.

ارزش‌ها و الگوهای عمل این گروه، گاهی با هم هماهنگ و سازگار

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۸۷

و گاهی متضاد است. برای نمونه ممکن است خانواده در زمینه پوشش و نوع آرایش سر و صورت نحوه عملی را بخواهد که مدرسه، شما را از آن نهی می‌کند؛ در خانواده اموری چون تجمل و تفاخر مهم باشد که گروه بزرگ‌تر مانند کشور آن را ناپسند بداند. خانواده چیزی را با ارزش نداند در حالی که جامعه بزرگ‌تر مانند کشور آن را مهم تلقی می‌کند. از این‌رو، گروه بزرگ‌تر یعنی گروه ملت به مقابله با ارزش‌هایی بر می‌خizد که با ارزش‌های خانواده در تضاد باشد. بنابراین حد هماهنگی و تعارض در جامعه را گروه ملت مشخص می‌سازد، نه گروه‌های کوچکی چون خانواده و یا گروه همسالان.

با این همه، نوجوانان به جهاتی همواره با ارزش‌های جمعی گروه بزرگ‌تر به مقابله بر می‌خizند. نوگرایی و استقلال طلبی و فشار گروه آنان را به مقابله با ارزش‌های چون سنت‌های دینی و عرفی اجتماعی می‌کشاند. در اینجا لازم است با شناخت درست از رفتار نوجوانان، زمینه‌های تقابل و تضاد را کاهش داده و آنان را به سوی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی سوق داد. نقش روحانی و عالم دینی در این جایز ظاهر می‌شود؛ زیرا بیشترین ارزش‌ها و هنجارها از سوی دین مورد تأکید قرار می‌گیرد و اصولاً دین مجموعه‌ای از هنجارهای است که می‌بایست رعایت شود و یا محترمات و مقدساتی است که می‌بایست از سوی همگان مراعات شده و شکسته نشود.

عالی دینی می‌تواند الگوهای عمل را به طوری سامان دهد که کمترین تضاد را با دین و گروه بزرگ‌تر یعنی کشور داشته باشد.

دوره نوجوانی و جوانی اقتضائی دارد زیرا هر کسی در فضایی رشد

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

می‌یابد و در دوره و زمانی خاص شخصیت‌ش شکل می‌گیرد و در این شخصیت‌یابی با مشکلات و فضای خاصی درگیر می‌شود که به آن اقتضائات سنی و دوره‌ای گفته‌ای می‌شود که باید روحانی بدان توجه نماید.

عامل ششم: خودباختگی و از خودبیگانگی

همان‌گونه که اشاره شد «دیگران مهم» در ما جاذبه و شیفتگی پدید می‌آورند و همین شیفتگی به صورت انگیزه در می‌آید و ما را وادر می‌کند که خود را تغییر دهیم. متأسفانه گاهی میزان شیفتگی به اندازه‌ای است که فرد وضع کنونی خود را فراموش می‌کند و تنها به آن دیگری می‌اندیشد. چنین حالتی نه تنها موجب رشد خود نمی‌شود، بلکه نوعی اختلال هم به حساب می‌آید که از آن با عناوینی چون از «خود بیگانگی و خود باختگی و کم کردن خود» یاد می‌کنند.

متأسفانه غرب در سده‌های جدید خود را یک دیگری مهم و نوعی برای کشورهای اسلامی مطرح ساخته است. کسانی هم که شخصیت‌های غربی برای آنان الگوی مطلوب قرار می‌گیرد، ابتدا به تقلید و همانندسازی با ظاهر، قیافه و رفتار مشهود غربی‌ها می‌پردازد و در ادامه می‌کوشند تا در هر زمینه‌ای همانند غربیان شوند و هویت غربی یابند.

این همان از خود بیگانگی است که نقی‌زاده آشکارا خواستار آن شد تا ایرانیان از سر تا پا فرنگی شوند. پیامد طبیعی این‌گونه خودباختگی، خود باختگی دینی و خود کم‌بینی در فکر و اندیشه و عمل است. همانگی با مهم دیگری در همه چیز ظاهر و نمودار می‌شود.

فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

۸۹

بنابراین در ساختن هویت، پس از انتخاب الگو، همانندسازی با ظاهر و قیafe و رفتار نیز مشهود است. گام بعدی، همانندی در نوع فکر و اندیشه و احساس و تغییر دادن آنها متناسب با الگو است. در این حالت فراتر از تقلید از ظواهر فردی که خود را همانند او می‌سازند، با او احساس یگانگی می‌کند و به نوعی هم پنداری شخصیتی با نمونه‌های و الگوها می‌رسد.

مراحل شکل‌گیری هویت اجتماعی

روان‌شناسان برای تحول شخصیت نوجوان و جوان از نظر شکل‌گیری هویت، سه مرحله را مورد توجه قرار می‌دهند. هریک از این مراحل، اقتضائاتی دارد که در ایجاد ارتباط و تخاطب و تعامل با این گروه سنی می‌باشد مدنظر قرار گیرد:

۱- تردید: نوجوان در مرحله نخست، نسبت به وضعیت کنونی خود دچار تردید می‌گردد و اکنش انکاری نسبت به عواملی که شخصیت کنونی او را شکل و هویت بخشیده‌اند، از خود بروز می‌دهد. در این مرحله شخص به گونه‌ای از هویت موجود گریزان و نسبت به عوامل شکل دهنده با تردید برخورد می‌کند. تردید در همه چیز و شک گرایی نسبت به اموری که نسبت به آنها یقین و قطع داشته، از نشانه‌های بحران این دوره سنی است. این مرحله را مرحله «بحران هویت» بر شمرده‌اند.

این مرحله با تظاهرات روانی جزیی در سن نوجوانی آغاز می‌شود. نوجوان هنوز کاملاً باورها و تلقیات ذهنی خود را به جهت سازش یافته‌گی دوره

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

کودکی، نگسته، ولی گستت پاره‌ای از آنها را آغاز کرده است. همین آغاز گستت، نحسین تکانش‌های روانی را موجب می‌شود. زود رنجی، پرخاشگری، ناآرامی، افسردگی، درونگرایی و نوسانات اخلاقی و روحی از جمله تظاهرات این دوره است.

۲- همگرایی: در این مرحله همگرایی و کنش‌های ارتباطی در او تقویت می‌شود. جوان می‌کوشد تا بپرون از خود، ارتباط و تعادل سازنده‌ای را بقرار کند. این همگرایی و اجتماعی‌گرایی به اشکال مختلف در وی تظاهر می‌کند. همگرایی، تظاهرات متعدد، پایه‌های سازمان یافته و نیز ذهنیت‌های تازه‌ای را در او پدید می‌آورد. نوجوان در برابر محیط خود، وضع مشخص و معین به خود می‌گیرد و برای روش زندگی خود، شیوه رفتاری معین و ثابتی را اتخاذ می‌کند. این مرحله، از یک سو، مرحله در خود فرو رفتن و به درون خزیدن است؛ زیرا نوجوان به بازکاوی ساخت‌های ذهنی و تحلیل پدیده‌ها و رخدادهای زندگی خود در تعامل با دیگری و جهان پرونی می‌پردازد و از سوی دیگر می‌کوشد تا نخست جایگاه خود را در اجتماع و جهان بشناسد و شیوه تعامل با پرون را در تصویر ذهنی ترسیم و بازسازی کند و آنگاه بر پایه شناخت خود، قدرت و توان و نیز ظرفیت‌ها کنش‌ها و واکنش‌های پرونی، تعامل خود را با دیگری و پرون، سازمان دهی نماید.

۳ - تعامل: مرحله سوم، آغاز تعامل حقیقی و عملی با جامعه و پرون است. در این مرحله نوجوان به نقطه‌ای از باور می‌رسد که می‌تواند به عنوان یک، بازیگر وارد صحنه اجتماع شود. به تدریج نوعی گشایش در تمرکز

۹۱ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

و درونگرایی پیشین وی پدید می‌آید و از خود به بیرون می‌خزد. نوجوان در این مرحله شخصی فعال و مثبت است. این تحول به مفهوم از خود بیرون آمدن و پایان بحران است. در این دوره شخصیت و سازمان روانی او ثبات یافته، یکپارچه شده و استقراری به نسبت کامل می‌یابد و تحت تأثیر شرایط و کنش‌های بیرونی و درونی به سادگی فرو نمی‌ریزد.

ویژگی‌های شخصیتی نوجوان

ویژگی‌های شخصیتی نوجوان و جوان از نظر شخصیتی دارای ویژگی‌هایی است که باید آنها را شناخت و مورد توجه قرار داد:

۱- تمولگرایی

جوهره وجودی نوجوان و جوان، تحول خواهی و تحولگرایی است. ایجاد و تحول مثبت، رشد و حرکت به پیش، از ویژگی‌های ذاتی آنان می‌باشد. حضور آنان در برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی به جهت انگیزشی می‌تواند در شخصیت‌سازی مثبت آنان مؤثر باشد. همین مسئله عاملی برای واکنش‌های سرد آنان نسبت مسایل کهنه و تکراری است.

قرآن از حضرت ابراهیم ﷺ و اصحاب کهف به عنوان جوانانی نام می‌برد که خواستار تحول جامعه‌ای بودند که خداوند را به دست فراموشی سپرده بود و در این راه نیز به تلاش و مبارزه برخاستند.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۱- انرژی و نیروی فراوان

نوجوانی و جوانی دوره برخورداری از نیرو و انرژی فزاینده است. از نظر جسمی و روانی در مقطعی قرار دارند که قوای جسمی و جنسی آنان در حال رشد و بالندگی مضاعف است. این ظرفیت به آنان فرصت حضور جدی در همه صحنه‌های اجتماعی را می‌بخشد. بهره‌گیری درست از نیروی جوانی نیازمند برنامه‌ریزی و هدایت آن به سوی فعالیت‌های سازنده و مفید است.

۲- شناختی

نشاط سرشار به نوجوان و جوان شادابی و طراوت خاصی می‌بخشد؛ نیروهای آزاد شده بسیار جوانی، موجب می‌شود تا آنان از سرزندگی و شادابی ویژه‌ای برخوردار باشند. بنابراین شادی طلبی را می‌بایست از ویژگی‌های طبیعی این دوره دانست.

۳- لطافت روحی و حساسیت زیاد

روح و روان نوجوان و جوان نسبت به سنین دیگر، لطیف‌تر، پاک‌تر و حساس‌تر است. کنش‌ها و واکنش‌های آنان بر پایه این اصل شکل می‌گیرد به همین جهت از حرکت‌های عاطفی بیش‌تر از عقلی متأثر می‌شوند.

۴- شجاعت و تهور

از خصیصه‌های دوره نوجوانی و به ویژه جوانی، شجاعت و تهور است.

۹۳ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

فقدان و عدم عمق دلپستگی به دنیا و مسایل دنیوی و مادی، روح آزادگی را در ایشان تقویت نموده، لذا در برخوردها و کنش‌ها، تهور و شجاعت شگفتی از خود بروز می‌دهند و از محافظه‌کاری به دور می‌باشند.

۶- همگرایی و فعالیت جمیع

از دیگر ویژگی‌های شخصیت دوره نوجوانی و جوانی نیاز به تعلق به گروه‌های اجتماعی است. نشاط و قدرت روزافزون از یک سو و انگیزه و تمایل درونی به خود اظهاری و رقابت با همسالان، آنان را به درون جمع و گروه هدایت می‌کند.

تشکیل گروه همسالان با انگیزه‌های متفاوت اجتماعی و فرهنگی، برآیند این ویژگی دوره سنی نوجوانی و جوانی است.

۷- احساس از خود بیگانگی و نامنی

جوان با آن که در میان اعضای خانواده، همسالان، خویشان و جامعه انسانی زندگی می‌کند و با آنان ارتباط دارد، از نوعی گرسنگی عاطفی و ناهمزیستی روانی رنج می‌برد که از آن، به احساس بیگانگی از خود یا احساس ناخود بودن، تعبیر می‌شود.

نتیجه طبیعی از خود بیگانگی، احساس بی‌هویتی است. این مسئله زمانی تشدید می‌شود که از کودکی بریده و ارتباط درست و منطقی با جامعه بزرگسالان و حتی همسالان برقرار نکرده باشد.

۹۴ عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

فقدان امنیت روانی نتیجه دیگر از خود بیگانگی و بی‌هویتی در نوجوانان می‌باشد زیرا از آن جایی که وضعیت خود را نسبت به بیرون مشخص نکرده و در سردرگمی به سر می‌برد، نوعی احساس ناامانی به سراغ او می‌آید و گسستی میان خود و دیگران و حتی اشیای پیرامونی می‌یند.

هویت دینی

با توجه به گستردنگی مفهوم هویت، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که هویت دینی یکی از آنهاست. هر انسانی به هویت دینی نیاز دارد؛ چون گرایش به پرستش از نیازهای فطری است. به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندهای خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود.^۱

هویت دینی، رابطه میان آدمی و دین را تبیین می‌کند و پیامد تدوین آن، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مكتب است.

برخی صاحب‌نظران «تعهد» را به عنوان سنگ بنای هویت تلقی می‌نمایند.^۲

با توجه به آن چه هویت دینی به نسل جوان می‌دهد، اختلال و آشفتگی هویت دینی سبب ضعف دینداری در میان جوانان می‌گردد؛ چراکه تعهد

۱. جوان و بحران هویت، محمدرضا شریفی، سروش، ۱۳۸۰، تهران، چاپ دوم، ص ۲۰ تا ۲۴.

۲. روان‌شناسان بزرگ، گروه نویسنده‌گان، مترجمان: دکتر احمد بهپژوه و دکتر رمضان دولتی، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم، ص ۶۴؛ جوان و بحران هویت، محمد شرفی، سروش، ۱۳۸۰، تهران، چاپ دوم، ص ۲۰ تا ۲۴.

۹۵ فصل اول: دوره نوجوانی و جوانی

و مسئولیت‌پذیری شخص را در قبال گزاره‌های دینی کاهش می‌دهد و به این ترتیب ضمانت اجرایی احکام دینی کاهش می‌یابد. اختلال در هویت دینی سبب می‌شود، شخصی نتواند ارزش‌های دینی گذشته خود را ارزیابی نماید و یا صاحب ارزش‌هایی شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده طرح‌ریزی کند.

بحran هویت

بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و بخشی از سالیان نخستین جوانی رانیز در بر می‌گیرد. هویتی که نوجوان در صدد است تا به طور روشن با آن رو به رو شود این است که او کیست؟ و نقشی که باید در جامعه ایفا کند، چیست؟ آیا از نظر مردمی که ارزش‌های ملی و هویت او را کم ارزش جلوه می‌دهند، احساس اعتماد به نفس دارد؟

بحران هویت واژه‌ای است که برای توصیف عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد، به کار می‌رود^۱ و همین نیز سبب مشغولیت بی‌هدف، هیجانات جانشین ناپذیر و ایجاد شخصیت منفعل در نوجوان می‌شود.^۲

۱. دنیای نوجوان، محمدرضا شریفی، تربیت، ص ۵۵.

۲. روان‌شناسان بزرگ، گروه نویسنده‌گان، مترجمان: دکتر احمد به پژوه و دکتر رمضان دولتی، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم، ص ۶۴.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد ۹۶

فصل دوّم

راه کارهای جذب نسل جوان به مسجد

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد ۹۸

جذب و علل آن

معنای لغوی «جذب»، کشیدن، کشیدن و به سوی خود کشیدن است و واژه دفع ضد آن است. جذب به معنای ایجاد کشش و ارتباط عاطفی است که موجب شود شخص به جای این که از طریق عوامل بیرونی و تحت فشارهای ظاهری با انگیزهای درونی به موقعیت یا شخصی رو آورند. از این رو جذب در واقع به معنای تقویت ارتباط عاطفی و روحی و کشش درونی است.

قدرت جذب کنندگی و کشش هر مکان یا موقعیت به میزان ارضا کنندگی آن مکان و موقعیت، در رابطه با نیازهای انسان بستگی دارد. هر موقعیتی ممکن است به دو جهت مورد توجه قرار گیرد:

۱- کشش و جذابیت ذاتی بدون آن که نیازی را برآورده سازد؛ به این معنا که دارای ویژگی هایی باشد که به نظر بینندگانش زیبا و ارزشمند به نظر آید.

۲- کشش به جهت ارزش های بیرونی؛ بدان معنا که به واسطه آن موقعیت، بخشی از نیازهای روحی و جسمی آدمی تأمین می شود.

مساجد نیز می بایست با توجه به این الگو، تحلیل شده، جذابیت های خود را حفظ و یا افزایش دهنند.

اگرچه به دلیل فطرت خداجوی آدمی، مسجد دارای یک کشش ذاتی است ولی چون فعلیت و شکوفایی فطرت به امور بسیاری پستگی دارد، به همین جهت برای جذب و جلب نوجوانان و جوانان به مسجد می‌باشد نیازهای آنان را شناخت و با توجه به شخصیت و نیازهایشان برنامه‌ریزی کرد. بدون شک تأثیرگذاری هر برنامه‌ای مبنی بر شناخت و توجه درست‌گروه مخاطب است. به این معنا که شناخت دقیق خصوصیات مخاطب و توجه به تمام زوایای شخصیتی و رفتاری وی از عناصر مهم در برنامه‌ریزی فرهنگی است.

نیازهای نسل جوان

آدمی بر پایه وجود انسانی خود نیازهای متفاوتی دارد ولی نیازهای ضروری هر انسان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- نیازهای جسمی مثل تغذیه و ورزش.

۲- نیازهای شناختی همانند کسب نگرش و کشف مجھولات.

۳- نیازهای روانی و عاطفی مثل آرامش، امنیت، محبت و احترام

۴- نیازهای اجتماعی مثل تعلق به گروه و ایفای نقش.

نیازهای نوجوانان همانند بزرگسالان از تنوع و تعدد بسیاری برخوردار است. این نیازها همانند نیاز بزرگ سالان در حوزه‌های جسمی، شناختی و نگرشی، روانی و عاطفی و اجتماعی دسته‌بندی می‌شود با این تفاوت که در نوجوانان هریک به صورت شدیدتری بروز و ظهور می‌کند؛ زیرا نوجوانان از آن جایی که در مرحله رشد و بالندگی در همه ابعاد هستند، نیازهایشان در این حوزه‌ها تشدید می‌شود.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۰۱

نیازهای جسمی در دوره‌های مختلف تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی تشدید و تضعیف می‌گردد و درجه اولویت آن کاهش می‌یابد. این که انسان به جهت جنبه قوی علمی و روان‌شناختی اش برخلاف جانوران دیگر، نیاز و تعلق شدیدی برای برآوردن نیازهای معرفتی و روان‌شناختی عاطفی دارد ولی به این سخن به این معنا نیست که نیازهای جسمی و جنسی، در مراحل و دوره‌های زندگی، از ارزش و اعتبار خود فرو خواهد افتاد.

بنابراین مهم‌ترین نیازهای نوجوانان و جوانان که می‌توان در مساجد بدان پاسخ داد، عبارتند از:

۱- نیازهای معرفتی و شناختی

نوجوان و جوان در حوزه شناخت، به تعلیم و تربیت، فرآگیری دانش‌های هستی‌شناسی، جهان‌بینی، دین‌شناسی و معنویت، احکام شرعی و حقوق و وظایف متقابل انسان و خدا و نیز انسان و انسان نیازمند است.

نیاز به داشتن نگرش صحیح

یکی از نیازهای معرفتی، پیدانمودن نگرشی صحیح است؛ نگرش، مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها، عقاید و دانسته‌هایی است که حاوی ارزشیابی‌های مثبت و منفی همراه با عنصر احساس و عاطفه است و باعث ایجاد رفتارهای معینی در انسان می‌شود.

نگرش‌ها به همان طریقی کسب می‌شود که ما واقعیات، دانش‌ها یا باورها

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

را می‌آموزیم. کودک باورها و رفتارهای خود را ابتدا از والدین از راه تقلید و همانندسازی یاد می‌گیرد. در این اکتساب، تداعی، تقویت و تقلید، نقش اساسی را بازی می‌کنند. نخست یک فرد در معرض برخی اطلاعات در باره جهان پیرامون خود قرار می‌گیرد و با کسب نگرش ویژه‌ای نسبت به آن و شاید هم با انجام عملی در ارتباط با آن، آن اطلاعات، مورد تقویت و تأیید قرار می‌گیرد و به این ترتیب آن‌ها را می‌آموزد.

عوامل تکوین یافتن نگرش‌ها

(الف) نیازهای شخصی

فرد در جریان فعالیت‌های خود برای رفع نیازها با موانع و مشکلاتی روبرو می‌شود که نگرش ویژه‌ای را برای او پدید می‌آورد. او نسبت به عواملی که او را در جهت رساندن به نیازهایش کمک و یاری کرده‌اند، نگرش مثبت و موافق می‌یابد.

اصولاً مردم نگرش‌هایی را حفظ می‌کنند که با نیازهای آنان جور در می‌آید و هماهنگ است. برای تغییر دادن آن نگرش‌ها ما باید بدانیم که آن نیازهای چه نیازهایی هستند.

یک شخص نسبت به اشیایی نگرش مثبت پیدا می‌کند که در برآوردن نیازهای او یا در جلوگیری از رویدادهای منفی برای او مؤثر باشند. اگر کسی یا چیزی بانیازهای شخص مخالفت کرده یا مانع شود در روی نسبت به آن شخص یا چیز، نگرش منفی شکل خواهد گرفت.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۰۳

بنابراین اگر روحانی مسجدی در برآوردن نیازهای روحی و معنوی نوجوانی را کمک کند و یا از افسردگی و مشکلات روانی دیگر باز دارد، او نسبت به دین به طور کلی احساس خوشایندی خواهد داشت و دین را عنصر مهم و اساسی در زندگی بشر به حساب می‌آورد. چنان‌که اگر برخورد نادرستی از سوی عالم دینی نسبت به مشکلات خویش ببیند آن را تعمیم و گسترش داده و به دین و ارزش‌های آن، واکنش منفی پیدا می‌کند.

(ب) کسب اطلاعات

اطلاعاتی که از کس یا منبعی همانند مسجد و روزنامه‌ها و اشخاص کسب می‌شود، از عوامل اصلی ایجاد نگرش است. تنها با تغییر در بینش شخصی می‌توان تغییراتی را در نگرش او پدید آورد؛ زیرا عنصر عاطفی و ارزشی نمی‌گذارد تا از راه دیگر در نگرش اشخاص تغییرات دلخواهی را پدید آورد.

(پ) تعلق گروهی

نگرش شخصی، نماینده اعتقادات و سنت‌های گروه‌هایی است که نوجوان با آنان همکاری و همراهی می‌کند. انتخاب نوع مدرسه و محیط اجتماعی که نوجوان در آن پرورش می‌یابد، اقوام و آشنایانی که والدین با آنان ارتباط دارند، زمینه‌ای مناسب برای انتخاب گروه دوستان مناسب را فراهم می‌آورد. در جهان امروز شبکه جهانی اینترنت نیز ابزاری برای ایجاد گروه و انتخاب دوستان است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

گروه‌های مذهبی و مسجد می‌توانند هم گروه مناسب خود را یافته و گروه‌های خاص خود را تشکیل دهند.

د) شخصیت فرد

عمل و رفتار، زاییده‌گرایش است که آن نیز زاییده نگرش و بینش می‌باشد بدینسان نگرش، آینه تمام نمای شخصیت انسان است. قرآن می‌فرماید: «**كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ**». ^۱

«هر کسی بر اساس شخصیت خود عمل می‌کند» در میان گروه، اشخاص، با هم تفاوت دارند. این تفاوت برخاسته و انگیخته از شخصیت هر فردی است. از این‌روست که هر شخصی با توجه به علایق خود می‌تواند در گروه‌های مختلفی عضو شود.

ه) عزت نفس

نگرش‌ها ممکن است بدان جهت که صاحبان آن نگرش می‌خواهند از ساده لوح قلمداد شدن پیشگیری کنند، حتی پیش از این که پیام و استدلال مقاعد کننده‌ای دریافت شود، تشکیل شوند یا تغییر کنند.

نظريه‌های تغيير نگرش

در روان‌شناسی اجتماعی موضوع تغيير نگرش در چارچوب چهار الگو مورد بحث قرار گرفته است. اين چهار دسته عبارتند از: الگوهای يادگيري با جهتگيري محرك پاسخي، الگوهای شناختي شامل الگوي قضاوت اجتماعي، الگوهای هماهنگي شناختي و بالاخره الگوهای کارکردي که تا حدودی جنبه بینایين الگوهای يادگيري محرك پاسخي و شناختي را مورد توجه قرار داده است.

نگرش‌ها و تغيير رفتار

مي توان گفت که تقریباً هر روز نگرش‌های ما از سوی دیگران یا حتی به وسیله خود ما مورد پرسش واقع می‌شوند. این مورد سؤال قرار گرفتن می‌تواند از راه‌های مختلف انجام شود.

در روان‌شناسی اجتماعی، موضوع تغيير نگرش با مفروضاتی در باره ماهیت انسان آغاز می‌شود. در یک الگوی محرك پاسخي، در تغيير نگرش بر مسئله پاداش‌ها تأکيد زیادی می‌شود. در تبیینی، هر تغيير نگرش زمانی رخ می‌دهد که مشوق‌های ارایه شده برای تغيير نگرش قوی‌تر از مشوق‌هایی باشند که وضعیت موجود را حفظ می‌کنند.

در هر تغيير نگرشی سه متغير مهم وجود دارد:

- ۱ - توجه؛ زيرا همه پیام‌های محرك مورد توجه قرار نمی‌گيرند تا پاسخي به آن‌ها داده شود.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۲- ادراک؛ ممکن است برخی از پیام‌ها بسیار پیچیده یا بسیار مبهم باشند

به طوری که گیرندگان مورد نظر از آن سر در نیاورند.

۳- پذیرش؛ پیش از آن که هیچ تغییر نگرشی ایجاد شود ما باید تصمیم

بگیریم که پیام را می‌پذیریم یا نمی‌پذیریم؟ میزان پذیرش به طور عمدۀ بستگی به استدلال و مشوق‌ها دارد: پیام دریافتی ممکن است حاوی دلایل و یا استدلال‌هایی برای پذیرش دیدگاه موردنظر باشد، یا این که انتظار دریافت پاداشی با تجربه خوشایند دیگری در آن نهفته باشد.

به نظر روان‌شناسان اجتماعی نگرش‌های شما هنگامی تغییر می‌کند

که مشوق‌های ارایه شده برای نشان دادن رفتار تازه پیش از مشوق‌های موجود در پاسخ قدیمی باشد.

نوجوانان به برخی از پیام اصولاً توجه ندارند و یا برخی از پیام‌ها را درک نمی‌کنند با آن به آنها توجه دارند زیرا در اندازه و حدی بیان نمی‌شود که آنان بتوانند آن را درک کنند و یا مشوق‌هایی که بیان می‌شود به گونه و اندازه‌ای نیست که آنان را ترغیب به تغییر نگرش و رفتار کنند. بنابراین بر روحانی است تا در آموزش و پرورش نوجوانانی که به مساجد می‌آیند پیام‌ها را به گونه‌ای بیان کنند که عناصر و عوامل پیش گفته به نحوی تأمین گردد.

راه‌های تغییر نگرش

گاه ممکن است نیاز به تغییر نگرش نوجوان و جوان داشته باشیم. مهمترین راه

تغییر نگرش، راه مرکزی و پیرامونی است:

فصل دوم: راه کارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۰۷

۱- در روش مرکزی مردم ترغیب می‌شوند تا در باره موضوعی بیندیشند، با این روش استدلال‌های موجود در یک پیام، درک و آموخته

می‌شوند و افراد به شکل منطقی و عقلایی کاربردهای یک موضع را ارزیابی می‌کنند.

۲- راه پیرامونی؛ در این راه تصویری ناپایدارتر از تغییر، عرضه می‌شود و در تغییر نگرش، درباره خود پیام، اندیشه چندانی صورت نمی‌گیرد. در عوض تمایل به تغییر بیشتر از سوی ویژگی‌های بیرونی نظری جذابیت پیام‌رسان یا پاداشی که با موضع نگرش همراه است، اعمال می‌شود.

راه پیرامونی، تغییر نگرش را به صورت آسان امکان‌پذیر می‌کند، گرچه عمر کوتاهی داشته باشد ولی راه مرکزی نشان می‌دهد که تغییر نگرش کاری نه چندان آسان است، ثبات و دوام بیشتری خواهد داشت.

تذکر لازم

۱- اگرچه نگرش‌های دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند، اما به هر حال امکان تغییر آنها وجود دارد.

۲- برای تغییر نگرش می‌شود و شخصیت گیرنده پیام می‌بایست در تعامل باشند.

۳- مهم‌ترین عامل مؤثر موضوعی است که می‌خواهد به پیام گیرنده القا کند. وضعیت ظاهری روحانی، تخصص و شخصیت اجتماعی او مانند باید به گونه‌ای باشد که برای گیرنده پیام قابل قبول باشد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

۴- پیام مورد توجه قرار گیرد. از جمله آن که پیام در ایجاد هیجان مانند

ترس و شوق باید به گونه باشد که بتواند در گیرنده پیام، اثرگذار باشد.

۵- زمان و وسیله پیام نیز از عوامل مؤثر در پذیرش و یا وازنش پیام نقش

مهمی را ایفا می‌کنند.

۶- پیام باید در زمینه‌ای مناسب و در حالی که پیام گیرنده بتواند در بهترین

وضعیت آن را دریافت کند، ارسال شود و گرنه توجه پیام گیر اصولاً بدان جلب

نخواهد شد.

۷- جنسیت دختر و پسر تأثیر چندانی در گرفتن پیام ندارد، ولی عزت نفس

و هوش گیرنده عامل تأثیرگذاری در پذیرش یک پیام دارد.

۸- پذیرش شخص از یک پیام تحت تأثیر معیارهای درونی نیز می‌باشد.

۹- پیام‌هایی از سوی گیرنده زودتر پذیرفته می‌شود و نگرش وی را تغییر

می‌دهد که در گستره پذیرش و یا گستره التزام شخص واقع شوند.

۱۰- انسان بیشتر پذیرنده پیام اطلاعاتی است که با نگرش او هماهنگی

داشته باشد. بنابراین پیام‌های نامتجانس از یک منبع یا دو منبع، فرد را دچار

ناهمانگی شناختی می‌سازد. در این حالت شخص بدون تغییر در نگرش،

غالباً دست به توجیه رفتار خود می‌زند.

۲- نیازهای اجتماعی

تریت اجتماعی، جامعه‌پذیری و فراگیری آداب معاشرت اجتماعی و ایجاد

حس تعامل همکاری و همیاری و مشارکت اجتماعی و سیاسی بخش دیگری از

نیازهای نوجوانان است.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۰۹

جامعه‌پذیری و ایجاد نسل سالم و سازنده از مهم‌ترین دغدغه‌های همه جوامع و کشورها است تا نسل جوان، هدایت و رهبری کشور را بر پایه سنت‌ها و قوانین و اهداف و ارزش‌های پذیرفته شده در آینده در دست‌گرفته و اداره نماید. جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در این دوره عامل مهمی برای حفظ جامعه و فرهنگ و سنت‌های آن است.

مسجد می‌تواند در این حوزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز و نهادهای جامعه‌پذیری وارد شود و به شکل‌دهی و هویت‌بخشی نوجوانان در حوزه ماموریت خود اقدام کند.

واگذاری نقش به نوجوان یکی از راه‌های رشد جنبه اجتماعی اوست؛ البته ناگفته نماند که نقش و انتظارات هرگز نمی‌تواند یک سویه باشد. چنان‌که در دین اسلام تکلیف و حقوق یک سویه نیست و هر جایی که حقی ثابت است مسئولیت و وظیفه‌ای نیز مشخص و ثابت است و هر جایی که وظیفه تعیین شده است حقی نیز اثبات گردیده است. از این‌رو ما همواره از وظیفه و حقوق با هم سخن می‌گوییم و اگر درباره نقش نوجوان و انتظارات وی از سوی دین و جامعه سخن‌گفته می‌شود، از حقوق نوجوان و انتظارات وی از دین و جامعه نیز سخن به میان می‌آید.

۳- نیازهای روانی

نوجوان از نظر روانی به شکل‌گیری هویت، مراقبت روحی، محیط آرام، عاطفه، محبت، احترام و شادابی نیاز دارد.

الف) هویت‌یابی

هویت‌یابی عمومی و دینی از مهم‌ترین نیازهای نوجوانان است که مسجد و اولیای آن می‌توانند در این حوزه فعالانه نقش سازنده و مثبتی را ایفا کنند زیرا یکی از کارکردهای اصلی و ذاتی مسجد است روشنگری و هویت‌بخشی دینی است که از اصلی‌ترین وظایف و تکالیف اولیای دین بوده و هست.

شكل‌دهی هویت دینی

لازم و ضروری است تا در هنگامی که نوجوان در جست‌وجوی هویت شخصی است، زمینه‌ها و بسترها مناسبی فراهم آید تا نوجوان هویت شخصی خود را با هویت دینی کامل کند. برای رسیدن به این مقصد و هدف می‌بایست همه عوامل و ابزارهای مورد نیاز شناسایی و به کار گرفته شود تا در هنگام شکل‌گیری هویت و شخصیت، این بخش از هویت نیز به درستی شکل گیرد. نقش تربیت و آموزش و پرورش و مسجد و روحانیت در این جا به خوبی آشکار و هویدا می‌گردد.

هویت دینی رابطه میان آدمی و دین را تبیین می‌کند. مسئولیت‌گریزی و بی‌تفاوتی از آثار بحران یا فقدان هویت است که به شکل دین‌گریزی، بی‌توجهی به آموزه‌های دستوری آن، واگرایی از شاعیر، مناسک و نمادهای دینی بروز می‌کند و از نظر روانی او را گرفتار افسردگی، زود رنجی، درون‌گرایی و اضطراب می‌کند.

با درهم‌ریختگی نظام ارزشی شخص، مفاهیم دینی از دیدگاه جوان،

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۱۱

امر مثبت و خوبی نیست تا انگیزه‌ای برای انجام آن وجود داشته باشد؛ از این رو دچار بی‌تفاوتو و بی‌مسئولیتی می‌گردد.

تخربی نظام ارزشی دینی سبب می‌شود، بسیاری از اشخاص به دنبال هویت منفی بگردند و هویتی برخلاف آن چه اولیای دین درنظر گرفته‌اند، برگزینند. بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری نوجوان را می‌توان از این دیدگاه توجیه نمود. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتو هر کدام از آثار فقدان هویتی هستند که در عرصه دینی در قالب‌های بی‌توجهی به اوامر و نواهی الهی، بی‌علاقگی نسبت به شاعیر، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند.

باید نوجوان راه لذت بردن از نعمات دنیوی را بیاموزد تا این طریق به لذایذ معنوی نیز معتقد‌گردد. به او کمک شود تا معتقدات دینی خود را با عمل همسو سازند و این جمله بهترین راهنمای آنان باشد که: انسان‌های سعادتمند افکار و کردارشان با هم همسو و هم جهت است و از تظاهر و ریا پرهیز می‌کنند و ذلیل‌ترین انسان‌ها کسانی می‌باشند که آن طور عمل می‌کنند که نیستند.

به نوجوان آموزش داده شود که باور دینی یعنی شناخت کل عناصر دین و اعتقاد داشتن به مؤثر بودن قضا و قدر الهی در زندگی است. شرافت و کرامت انسان «لقد کرمنا بنی آدم» و ذخیره عمیق معرفت فطری و این که خداوند او را آفرید و راه سعادت و شقاوت را به وی الهام نمود «فالمهمها فجورها و تقویها» و هم این که همه هستی و انسان را برای آن آفرید که تسبیح او گویند و به عبادت او برخیزند؛ ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون. را باید به نوجوان آموخت.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

نوجوان باید بفهمد که باور دینی امری نیست که گوشهای از وجود آدمی را پرکند و سایر گوشهای را خالی بگذارد. ایمان و باور دینی زمانی آثار و موهاب خود را نمایان می‌سازد که در سراسر زندگی بشر حضور داشته باشد. باور دینی یعنی حضور همه جانبه معنویت در زندگی فردی و اجتماعی که دارای دو نقش سلبی و ایجابی است. نقش سلبی آن یعنی این که انسان از لذات حرام و مکروه کناره گیری کند و باور ایجابی آن این که به خود بقبولاند که برای هدفی برتر خلق شده است.

ب) امنیت

امنیت از مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های زندگی بشر است. امنیت در دو مؤلفه اساسی سعادت یعنی امنیت در کنار آسایش، نخستین مؤلفه و مهم‌ترین آن دو به شمار می‌آید. نوجوان نیز به اقتضای انسانیت، خواستار آرامش در همه جنبه‌هاست.

ج) محبت

غریزه عاطفی و نیاز به محبت اگر در انسان و بزرگسالان طبیعی باشد، در نوجوانان در اوچ و سرحد کمال آن است؛ از این رو می‌بایست به این نیاز توجه ویژه شود.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۱۳

د) خود شکوفایی

نیاز به خود شکوفایی با آن که نیازی در قلمروی نیازهای روان شناختی است، اما به لحاظ ماهیت و موقعیت خاص خود بیشتر در قلمروی نیازهای مطلوب، هنجاری و آرمانی قرار دارد. همه انسان‌ها برای رسیدن به جایگاهی غیر از جایگاه موجود و برای ارضای نیازی غیر از نیازهای جسمانی تلاش می‌کنند و آرمان‌خواهی آدمی نیز اساساً ناظر بر تأکید او بر ضرورت ارضای نیاز خود شکوفایی است.

تبیین درست جایگاه واقعی آدمی و این که انسان، به چه درجاتی می‌تواند نایل آید، نیز زمینه ارضای و شکوفایی این نیاز را فراهم می‌نماید.

نقش مساجد در برآوردن نیازها

نوجوان در جست‌وجوی ارضای نیازهای پیش‌گفته به مساجد و اولیای آن رومی آورد. امام جماعت و برنامه‌های مسجد می‌تواند به بخشی از این نیازها پاسخ دهد؛ مساجد با توجه به کار ویژه و کارکرد ذاتی و اقتضایی اش می‌توانند به بخش مهمی از نیازهای شناختی، روانی عاطفی و اجتماعی نوجوانان و جوانان پاسخ دهد. چنین فضایی را مساجد می‌توانند با ارتباط درست و پیوند استوار میان خداوند و نوجوان برقرار و ایجاد کنند.

زمینه‌های جذب نسل جوان به مسجد

سازگاری اسلام با نهاد و سرشت انسان، تمایل و احساس نیاز انسان به پرستش،

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

مذهبی بودن خانواده‌ها، کشش‌های روانی و اجتماعی دوران نوجوانی فضای فرهنگی حاکم بر کشور، جهت‌گیری کلی کشور، تلاش مسئولین زمینه‌های بسیار خوب؟ برای جذب نسل جوان به مسجد را فراهم آورده است و فرصت بسیار مناسبی را برای رهبران دینی جامعه به وجود آورده است که باید با برنامه‌ریزی مناسب از آن زمینه و فرصت‌ها، استفاده لازم را نمود و گرنه پیامدهای نامطلوبی را در پی خواهد داشت.

أنواع جاذبه

جاذبه را می‌توان به دو گونه باطنی و ظاهری تقسیم کرد.

مساجد باید هم از نظر ظاهری، همانند نظافت، زیباسازی و آراستگی و مرتب بودن دارای جذابیت باشند و هم از نظر باطنی ولی به یقین محور اصلی جاذبه‌های مساجد جاذبه‌های معنوی مسجد است که رابطه نزدیکی با رسالت و وظیفه ذاتی مسجد دارد.

اگر این وظیفه به خوبی شناخته و در عمل مورد تأکید و اهتمام قرار گیرد، خود به خود جاذبه مورد انتظار حاصل می‌شود و فضای عمومی مسجد، زمینه لازم را برای جذب همگان به ویژه نوجوانان و جوانان پیدا خواهد کرد.

عوامل جذب نسل جوان به مسجد

همان‌گونه که اشاره شد جاذبه و دافعه موقعیت‌هایی چون مساجد به میزان برآوردن نیازهای نسل جوان و مردم بستگی دارد و به همین جهت با توجه

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۱۵

به تغییر موقعیت مسجد و نسبت آن در برآوردن نیاز، جاذبه و دافعه مسجد هم متغیر می‌باشد، در زمانی مسجد به جهت برآوردن نیازهای اساسی و مختلف آدمی، از موقعیت کشش و جذابیت بسیار برخوردار و زمانی از جذابیت آن کاسته می‌گردد.

برآوردن نیازهای عاطفی و معنوی و شناختی و اجتماعی هر چند در جامعه امروز از راه نهادهای جایگزین امکان پذیر شده است ولی هنوز هم مساجد مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرکز برآورد نیازهای معنوی و عاطفی انسان است.

گرایش روزافزون مردم به زیارت آستانه‌های امامان و امامزادگان خود گواه راستین این باور و گفته است. از این‌رو، مساجد می‌بایست با توجه به کارکردهای اصلی و اقتضایی خود به مسایل عاطفی و معنوی نوجوانان توجه کرده و به آن پردازنند؛ زیرا نوجوانان از نظر سنی در دوره‌ای قرار دارند که نیازهای عاطفی و روحی و معرفتی آنان بیش از نیازهای دیگر است و همین مسئله موجب هدایت و یاگمراهی و نابودی آنان را فراهم می‌آورد. بسیار دیده شده که نوجوانان چگونه در دام عرفان‌ها و مکاتبی افتاده‌اند که مدعی درمان و ارتباط عاطفی و معنوی با خدا هستند.

عوامل جذب نوجوانان به مساجد را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- عوامل بیرونی

محیط و فرهنگ اجتماعی پاک، فضای سیاسی مناسب و کارکرد درست

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

نهادهای آموزشی و اجرایی موجب رو آوردن نسل جوان به مسجد می‌گردد ولی چون دور از دسترس مدیریت مساجد و اولیای آن است، عوامل بیرونی نامیده می‌شوند که در این‌گونه از عوامل، مسئولیت اصلی متوجه مسجد نیست؛ زیرا از مساجد نمی‌توان انتظار داشت تا در همه عرصه‌هایی که نیازهای نوجوانان را برآورده می‌سازد، وارد شود. برآوردن بسیاری از نیازهای نوجوان را مراکزی دیگر و یا نهادهای آموزشی یا همانند آن بر عهده دارند، هر چند نمی‌توان شبکه‌ای بودن خواسته‌ها و نیازها و ارتباط تنگاتنگ آن را نادیده گرفت؛ از این‌رو، کارکرد غلط یا سست دیگر نهادها چون نهاد مدرسه یا فرهنگ عمومی جامعه تأثیر مثبت و یا منفی در انجام وظایف نهادهای دیگر به جا می‌گذارد؛ با این همه هر نهادی وظیفه و مسئولیتی دارد که می‌بایست نقش‌ها و مسئولیت‌ها بر پایه آن، بررسی و نقد شود.

آری هر بخش از نهادهای فرهنگی و اجتماعی و خانوادگی می‌بایست وظیفه و مسئولیت خود را درست و کامل و به هنگام انجام دهنند و انتظار نداشته باشند تا دیگری فعالیت‌ها و نقش‌ها و کار ویژه آنان را بر عهده گیرد.

۲ - عوامل درونی

افرون بر زیباسازی و آراستگی که مربوط به وضعیت ظاهری مسجد است، عوامل درونی جذب خود بر دو قسم است:

الف) عوامل مربوط به نسل جوان مثل شخصیت، خانواده، مدرسه، گروه همسالان.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۱۷

ب) عوامل مربوط به امام جماعت و برنامه‌های مسجد و توان و میزان پاسخگویی مسجد به نیازهای نوجوانان.

براساس پژوهش‌ها به نظر می‌رسد چهار عامل اساسی در جذب نسل جوان به مسجد نقش اساسی ایفا می‌کنند:

۱- احیای معنویت و کارکردهای ذاتی و اقتضائی مسجد.

۲- شخصیت و ویژگی‌های امام جماعت و مدیر مسجد.

۳- برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی مسجد.

۴- به روز بودن و استفاده از ابزارهای گوناگون.

اینکه به تفصیل به بیان هریک از عوامل فوق می‌پردازیم.

۱- احیای معنویت و کارکردهای مسجد

مسجد از به دلیل انتساب به خداوند متعال از معنویت فراوانی برخوردار است که نهاد و سرشت هر انسان بدان متمایل است و به تعییر دیگر محبویت ذاتی دارد.

همچنین مسجد دارای وظیفه ذاتی و کارکردهای گوناگونی است که نیازهای مبرم معنوی آدمی را برآورده می‌سازد و پاسخ می‌دهد. مهم‌ترین عامل جذب آن است که این محبویت ذاتی و کارکردی را احیا کنیم و از موانعی که جلو بروز و ظهور یافتن این محبویت ذاتی و کارکردی شده و می‌شود، پیشگیری نماییم.

الف) احیای وظیفه ذاتی مسجد: در نگرش توحیدی اسلام اگرچه همه

اطراف زمین، مسجد و عبادتگاه انسان است، بنابراین از این جهت تمایزی میان

مکان‌ها نیست و با آن که بر محوریت کعبه و مسجدالحرام به عنوان قلبه گاه تأکید

شده ولی به هر کجا روی کنیم آن سمت و سو، وجه الله است:

«فَإِنَّمَا تُولُوا فِثْمًا وَجْهَ اللَّهِ». ^۱

ولی مسجد به عنوان خانه خدا و مکان اختصاص یافته برای این مهم،

دارای جایگاه ویژه‌ای است.

مسجد، مکانی خاص و ویژه برای پرستش و عبودیت خدای یگانه است،

به همین جهت مسجد باید بتواند با تقویت ایمان و معرفت مردم آنان را به سوی

حقیقت بندگی خدا بکشاند و در سایه‌ی چنین توفیقی، رابطه مؤمنان را با خدا

و اولیای دین تلطیف کند و دل‌ها را کانون تابش انوار الهی قرار دهد.

لازم‌هی چنین حرکتی این است که مؤمنان بیاموزند تا به عبادت، رویکردی

«معرفتی» و نه «عادتی» داشته باشند. نماز می‌بایست به عنوان یک نیاز روانی

و عاطفی مورد اهتمام و توجه قرار گیرد و مساجد به عنوان پایگاهی جهت

آرامش روحی و مرکزی برای عروج روح و تعالی بشر به این نیاز انسانی پاسخی

درخور بخشد. از این‌رو، تأکید بر حوزه‌های شناخت و احساسی، تأکید

بر پاسخ‌دهی به نیاز طبیعی انسان است؛ نیازهایی که هر چند در جایگاه دیگر نیز

شاید برآورد شود؛ ولی مساجد می‌بایست به عنوان بهترین و کامل‌ترین پایگاه

این نقش را متکفل شده و به خوبی انجام دهد.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۱۹

هر چند چنین رویکردی به عبادت و مسجد در سطح عموم، کاری دشوار و سنگین است؛ اما باید اذعان کرد که مسجد بالقوه ظرفیت ایجاد چنین تحولی را دارا می‌باشد.

افرون بر امور عبادی، آموزش معارف دینی و احکام الهی و تبلیغ و ترویج ارزش‌های دینی و هر امری که در راستای تقویت بندگی و عبودیت از وظایف ذاتی و اساسی مسجد است.

اگرچه وظیفه خانواده در آموزش اصول دین و مذهب بسیار خطیر می‌باشد و والدین باید از دوران کودکی به کودک آموزش مذهبی دهنده ولی مسجد باید بکوشد تا نوجوان تصورات دقیق و صحیحی از خداوند داشته باشد؛ بدین صورت که او نسبت به ما مهربان است و عین نیکی و لطف است. آموزش‌های متناسب دوره نوجوانی موجب افزایش آگاهی در فرد شده، قدرت تصمیم‌گیری و مقاومت در برابر ناهمنگاری‌ها را در او می‌سازد. اریکسن معتقد است که روان نوجوان، روانی عقیدتی است که همواره در جستجوی وحدت بخشدیدن به ایده‌ها و عقاید مختلف است. برای تربیت دینی نوجوانان باید مساجد، جاذبه‌های دینی را تقویت و دین را بدون اوهام، خرافه و ترس به آنان معرفی نماید تا فردا زنان و مردانی دیندار، با نشاط، امیدوار و مصمم داشته باشیم و از این طریق بتوانیم آینده روشی را ترسیم کنیم.

اگر مسجد و فعالیت‌های آن در این مسیر قرار گیرد، بیشترین جاذبه را برای مؤمنان خواهد داشت. در آن صورت بی‌گمان جاذبه‌های ذاتی مساجد و کارکردهای اساسی آن، مردم را از اطراف به سوی مساجد خواهد کشاند و مسجد جایگاه واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

اینجاست که مسئله تبلیغ درست فرهنگی برای معرفی نماز و مسجد خودنمایی می‌کند. بدون شک صدا و سیما و مطبوعات و هنرمندان در این مورد مسئولیت اساسی دارند. پرسش این است که ما مسلمانان و مؤمنان تا چه اندازه در این دنیای تبلیغات، کالای ارزشمند فرهنگی حضور در مسجد را تبلیغ کرده‌ایم؟ نادیده‌گرفتن نقش تبلیغ و دوری از فضای تبلیغ موجب می‌شود تا زمینه و بستر برای تبلیغ کالاهای فرهنگی جعلی و بدلتی فراهم آید و نوجوانان در دام آن بیافتد این‌گونه است که ضرورت تبلیغ برای حضور در مسجد خود را بیش از پیش نشان می‌دهد.

ب) احیای کارکرد آموزشی مساجد: مساجد از همان آغاز به عنوان مرکز اصلی آموزشی نظری و عملی مورد توجه بوده و کار ویژه مساجد، آموزش مسایل دینی است؛ از آن جایی که دین اسلام دین زندگی است و میان دین و دنیا، دنیا و آخرت جداپی نمی‌افکند و سعادت و فلاخ آخرت را مقارن سعادت و فلاخ دنیوی می‌داند و چون میان زندگی مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان، ارتباط غیرقابل گسترش وجود دارد، اسلام به آموزش همه جنبه‌های مرتبط به زندگی توجه می‌دهد.

آموزش‌هایی که در مساجد ارایه می‌شود، باید همواره بر محور توحید و پرستش خداوندگار باشد؛ اغلب این آموزش‌ها، آموزش‌هایی هستند که در تقویت روحیه عبودیت و عبادت تأثیر شگرفی به جا می‌گذارند. تفکیک میان آموزش‌ها به دو دسته دینی و غیردینی تنها زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که در یکی عنصر عبودیت و عمل صالح وجود نداشته باشد و مسئله تقرب به خدا

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۲۱

ملاحظه و مورد نظر نباشد. از این‌رو، هر آموزشی حتی آموزش رشته‌های فیزیک و شیمی که در راستای تقویت بینه ایمان و زندگی سعادت آفرین بشری و عمران و آبادانی زمین که به عنوان هدف برای بشر در آموزه‌های قرآن وظیفه مردمان شمرده شده و دستورالله درباره آن وارد شده است، از نظر قرآن، آموزش دینی تلقی می‌شود.

با این‌همه، هدف احیای آموزشی منحصر به کارکردهای آموزشی‌هایی است که مستقیم به حوزه دین و عبودیت به معنای خاصی آن ارتباط دارد. آموزش دین و مباحث دینی همانند هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و برخی از علوم خاص بخشی از وظایف ذاتی مساجد است و به مسجد به عنوان یک نهاد اجتماعی در طول تاریخ چنین نقشی را به‌عهده داشته و از آن چنین انتظاری می‌رفته است.

در گزارش‌های رسیده از عصر پیامبر ﷺ و دوره نخست اسلامی این چنین ظاهر می‌شود که آموزش‌های دینی که مجموعه‌ای از اصول عقاید و قوانین علمی و عملی را شامل می‌شود، در مسجد انجام می‌شد. در آیات و روایات به خوبی این کارکرد مسجد آشکار است.

پیامبر ﷺ در مسجد مدینه به آموزش دین می‌پرداخت و به پرسش‌ها و شباهات آنان پاسخ می‌داد. دانش‌های تفسیر، حدیث‌شناسی، معناشناسی، علوم قرآن، فقه، اصول فقه و حتی فلسفه و کلام اسلامی تلاش دینی از سوی دانشمندان و پژوهشگران اسلامی در راستای فهم دین و یافتن روش‌های بهتر و آسان‌تر آموزش دین به دیگران بوده است که در مساجد صورت می‌پذیرفت.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

ج) فعال ساختن کتابخانه مسجد: از آن جایی که آموزش‌های دینی تنها از طریق بیانی منتقل نمی‌شود و آموزش‌های دینی همواره با کتاب و کتابخانه ارتباط محکمی داشته است، در بسیاری از مساجد می‌توان کتابخانه‌های تأسیس می‌نمود.

تاریخ اسلام نشان داده است که کتاب‌های وقفی مساجد آن چنان زیاد بود که گاه جایی برای نگهداری آن یافت نمی‌شد و به جهت کمبود و مکان به جاهایی دیگر چون مدارس و حوزه‌های دینی که در کنار مساجد قرار داشت منتقل می‌گشت.

برخی از کتابخانه‌های مساجد، چون مسجد ساوه در قرن پنجم هجری به دلیل دارا بودن کتاب‌های در جغرافیا و اسطرلاپ که در فقه اسلامی (قبله‌شناسی و مانند آن) کاربرد داشت، مشهور بوده‌اند. این کتابخانه‌ها در اتاق مجازی از صحن مسجد قرار داشت.

د) احیای دیگر کارکردهای جنبی مسجد: از آن جایی که در بینش و نگرش اسلام، دین و دنیا، سیاست و دیانت، زندگی مادی و معنوی انسان‌ها از یک دیگر جدا نیست و به نوعی در هم آمیخته است، مساجد افزون بر کارکرد ذاتی و اصلی می‌تواند و می‌بایست به مجموعه‌ای از مسائل و اموری توجه داشته باشد که در زندگی فرد و جامعه نقشی اساسی و مهم ایفا می‌کند. بنابراین می‌بایست متناسب با شرایط و نیازهای روز جامعه، مساجد به عرصه‌های دیگر زندگی مردم نیز توجه کند.

مدیریت مساجد باید فرسته‌هایی را فراهم آورد تا ضمن آن که جایگاه

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۲۳

واقعی مسجد هم چنان حفظ و به کار ویژه اصلی خود ادامه دهد، در هین حال به مسایل جانبی هم توجه داشته باشد. این امر تا آن جا اهمیت دارد که در صدر اسلام به دلیل شرایط خاص حاکم بر زندگی مسلمانان، مسجد افزون براین که مکانی عبادت بوده، مرکز حکومت و قضاؤت و... نیز بوده و شئونات مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و نظامی جامعه و مردم در مسجد، مدیریت می‌شده است.

نکته مهم و اساسی که باید بدان توجه نمود این است که ظرفیت مسجد برای پرداختن به کارهای جانبی یک ظرفیت متغیر و تابعی از ضرورت‌ها است؛ از این‌رو، در جهت‌گیری مساجد، رسیدن به چنین ظرفیتی نباید به عنوان یک اصل و راهبرد اساسی و اصلی برای مساجد مطرح شود. بر این اساس، در شرایطی مثل امروز که حکومت اسلامی استقرار یافته و همه بخش‌های حاکمیتی از امکانات گسترهای برخور دارند، ضرورتی برای پرداختن مستقیم مساجد به همه اموری نیست که از شئون خاص حکومت است.

این که برخی با نگاه به آن چه در عصر نخست اسلامی اتفاق افتاده، آرزو کنند که مساجد همانند آن زمان به همه عرصه‌های حکومتی و حاکمیتی وارد شود تا به ظرفیت و قابلیت حداکثری دست یابد، از خلط نمودن وظایف و کارکرد ذاتی مساجد با وظایف و کارکردهای اقتصادی و جانبی است که گاه متأسفانه موجب فراموش شدن کار اصلی مسجد شده و می‌شود.

باید توجه داشت که ورود مساجد و مدیریت آن به عرصه‌های جانبی و اقتصادی تأثیرات منفی به جا نگذارد و مساجد را از کارکرد اصلی و ذاتی اش

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

دور نسازد. البته این سخن به معنای دور شدن مسجد از عرصه سیاست و حمایت از نهادهای قانونی و شرعی، همچون دولت اسلامی نیست؛ بلکه مساجد می‌توانند نقش حمایتی از حکومتی اسلامی را همچنان ایفا کرده و برای برقراری مناسبات منطقی و حقوقی میان مردم و بخش‌های مختلف حاکمیت تلاش کنند.

۴- شخصیت و ویژگی‌های امام جماعت

از مهم‌ترین عوامل جذب نسل جوان به مسجد، امام جماعت است. چون در هر مسجدی مدیریت اصلی بر عهده امام جماعت است؛ هر چند که در بسیاری از مساجد، هیأت مدیره‌ای نیز وجود دارد تا هماهنگی دقیق‌تری میان امور مسجد و محله انجام پذیرد؛ اما امام جماعت به عنوان استوانه اصلی ساختار تشکیلاتی مساجد مهم‌ترین نقش را در مدیریت مساجد ایفا می‌کند. از این‌رو، شخصیت و ویژگی‌های امام جماعت هر مسجد مهم‌ترین عامل پیشرفت در جذب و جلب افشار مختلف سنی و علمی به مساجد می‌باشند.

مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت محبوب نزد نسل جوان عبارتند از:

الف) دانش گسترده و توانایی علمی

از عواملی که می‌تواند در جذابیت و گرایش نسل جوان مؤثر باشد، توانایی و اندوخته‌های علمی امام و روحانی مسجد است؛ چراکه ممکن است، پرسش‌هایی از سوی نوجوانان و جوانان در حوزه‌ی مرتبط با مسائل دینی مطرح شود که پاسخ‌گویی به آن‌ها نیازمند آگاهی و دانش در زمینه‌های مختلف از جمله جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۲۵

شناخت علمی و آگاهی روحانی، اعتماد و اطمینان را در نوجوانان تقویت می‌کند و زمینه ارتباط عاطفی و روانی با او را نیز فراهم می‌آورد. به این معنا که دانش کافی روحانی موجب می‌شود تانو جوانان برای پاسخ‌گویی از مرجعیت مطمئن برخوردار شوند و مرجعیت پاسخ‌گویی روحانی در میان نوجوانان تشییت گردد.

باید توجه کرد که افزایش رشد عقلی، استقلال طلبی، نوگرایی و دیگر ویژگی‌های دوره نوجوانی، پرسش‌ها و شباهات زیادی را دامن می‌زنند. به همین جهت باید از پرسش‌گری آنها خسته شد یا برآشست بلکه باید توان پاسخ‌گویی به پرسش و شباهات نوجوانان را افزایش داد زیرا ناتوانی از پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و شباهات و دیگر کنجدکاوی‌های نوجوانان اعتماد نوجوانان را سلب می‌کند. پاسخ به پرسش‌ها و شباهات جوانان در حوزه‌های مختلف علاوه بر برخورداری از دانش گسترده، نیازمند آن است که کلام مریبان در موضوع پرسش به گونه‌ای باشد که نوجوانان را قانع کند و بعدها وی را دچار تردید و شک نسازد. قرآن به مؤمنان سفارش می‌کند که گفتاری مستحکم و متین را در ارتباط خود با دیگران در پیش گیرند.

«قولوا قولًا سَدِيدًا». ۱

ب) آراستگی ظاهری

روحانی به عنوان الگو و نمونه عینی در رفتار و هنگارهای عرفی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. امام جماعت باید نسبت به آراستگی ظاهر خود بکوشد و در حد امکان زیبایی، تمیزی و پوشش ظاهری مناسب چ خود را جذاب و گیراکند.

ج) ثبات و نظم امام جماعت

شناخت، عاملی مهم برای ایجاد ارتباط است؛ هر کسی و لو در سال‌های میان سالی و پیری برای ورود به مکان یا جمعی ناشناخته با نوعی حجب و حیاروبه رو است به همین جهت ثبات امام جماعت آثار زیادی دارد؛ آشنایی امام جماعت نسبت به محیط و ارتباط آسان مخاطبان با او از آن جمله است؛ زیرا وقتی امام جماعت در محله و مسجدی مستقر شود، او برای مردم و مردم برای او آشنا به شمار می‌آیند. این مسئله نسبت به نوجوانان که می‌کوشند تا خود را در جمع و جامعه جا دهند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

افرون بر ثبات، امام جماعت می‌بایست نظم را در درجه نخست اهمیت

قرار دهد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«و نظم امرکم». ^۱

بنابراین ضروری است که در همه کارها مربوط به مسجد نظم و انضباط را

۱. نهج البلاغه.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۲۷

مراعات کند. نماز را در وقت خود به پا دارد و زمان‌بندی را در سخنرانی و ارشاد مردم رعایت کند و با توجه به وضعیت و شرایط زمان و مکان به بیان مطالب بپردازد و از ذکر مطالب تکراری و طولانی خودداری ورزد.

(د) احترام و تواضع

همیشه احترام به دیگران و داشتن حالت تواضع و فروتنی در برابر هم نوعان، نوعی ارادت قلبی دیگران را در حق خود بر می‌انگیزند. بدین رو اگر تواضع و احترام از سوی روحانی انجام پذیرد، افزایش ارادت نوجوانان را در بی خواهد داشت. این روش از جمله راههای تبلیغ عملی است که نتایج بسیار خوبی هم در برخواهد داشت. در آموزه‌های اسلامی آمده است:

«كونوا دعاة الناس بغير المستكم...».^۱

«مردمان را با اعمال خود به اسلام بخوانید نه با زبان
و صحبت».

ه) ارتباط و دوستی به ویژه با نوجوانان و جوانان

امام جماعت مسجد با کنار گذاشتن بعضی از تشریفات و حریم‌های غیر ضروری میان خود و جوانان، دل نمازگزاران را به سوی خود و مدیریت مسجد جلب نماید. ارتباط و نشست‌های دوستانه و هم‌نشینی با نوجوانان تأثیر مثبتی در جلب و گرایش آنان دارد.

۱. سننیۃالبیحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

روان‌شناسان براین باورند که نخستین امری که بر اثر پیوندهای معنوی یا معنایی دوستی می‌شکفده، محبت است و محبت زیر بنای هر امر مستقل و فراگیری است.^۱

و) درک موقعیت سنی نوجوانان

موقعیت سنی نوجوانان و جوانان و نیازها و روحیات آنان در این سال‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نوجوانان گرایش به گروه همسالان داشته و تبعیت از رفتار گروهی را اصالت می‌دهند. تحرکات آنان بیشتر متأثر از عواطف و احساسات است؛ از این‌رو امام جماعت می‌بایست شرایط نوجوانان را درک کرده و شرایطی برای بروز تحرکات سالم آنان فراهم آورد تا انرژی خود را در جهات هنجاری و مثبت صرف کنند. برپایی مراسم طولانی و سخنرانی‌های انتزاعی بدون توجه به تحرکات آنان آثار مثبتی به دنبال نخواهد داشت.

ز) اهتمام به مسایل نوجوانان و جوانان

مسایل نوجوانان و جوانان غیرمسایل امام جماعت است؛ چیزی که برای امام جماعت امری ثابت و پیش پا افتاده است، برای نوجوانان مهم و حیاتی است. از این‌رو، گوش دادن و اهتمام به مسایل آنان و بیان دقیق و اقناعی پرسش‌های ایشان در جلب و جذب آنان به مسجد کارساز است.

۱. دکتر حسین، دکتر دادستان، روان‌شناسی رشد، ص ۱۵۳.

ح) روانی و شیوایی گفتار

عالم دینی می‌بایست در بیان مطالب، روانی و شیوایی را رعایت کند و اصول و قواعد سخنرانی و سخنداشی را به کار گیرد. از کاربرد واژگان نامانوس و کلمات و جملات عجیب و غریب پرهیزد و داشت مخاطبان به ویژه گروه هدف را در نظر گیرد. از کاربرد اصطلاحات تخصصی اصولی و فقهی در حد امکان دوری کرده و با توجه به ادبیات و اصطلاحات عرفی به سخنرانی و توضیح مطالب پردازد.

ط) بیان فلسفه احکام و قوانین اسلامی

نوجوانی دوره رشد شناختی است. در این دوره، توانایی‌های شناختی مربوط به تفکر، یادگیری و یادآوری به رشد و پیشرفت چشمگیری می‌رسد. نوجوان نه تنها به لحاظ کمی دچار تحولات شناختی می‌شود، بلکه تحولات شناختی کیفی نیز پیدامی کند. از این‌رو، تفکر فرضیه‌سازی واستدلال قیاسی در این دوره پدیدار و تقویت می‌گردد و امکان استدلال قیاسی یعنی نتیجه‌گیری از کل به جزء و استنباطات منطقی موجب می‌شود تا پرسش‌های نوجوانان رنگ و رویی دیگر پیدا کند. بنابراین، خواهان دانستن فلسفه و حکمت احکام و قوانین اسلامی و عبادی هستند. نوجوانان همواره این پرسش‌ها را طرح خواهد کرد که چرا باید عبادتی انجام گیرد و چرا عبادت با این کیفیت صورت می‌گیرد؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، پاسخ‌های در خوری را می‌طلبند که امام جماعت می‌بایست خود را برای پاسخ‌دهی درست و منطقی به آن‌ها آماده سازد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

در روایات بسیاری، فلسفه و حکمت احکام بیان شده است. تبیین فلسفه احکام با توجه به اقتضای نوجوانی و گرایش نوجوانان به آن می‌تواند در ایجاد و یا افزایش علاقه‌مندی نوجوانان به یک امر عبادی و اخلاقی مفید و سازنده باشد.

۵) ابتکار و خلاقیت

جوانی اقتضائی دارد که می‌باشد از سوی روحانیون مساجد مورد توجه قرار گیرد. شناخت امیال جوانی و انعطاف نشان دادن در برابر آن در حدّ معقول و مشروع، می‌تواند در جذب جوانان و جلب انتظار ایشان به سوی حق و درستی ابتکارهای جدیدی را به وجود آورد.

به عنوان نمونه جوان زیبایی و پوشش خاصی را می‌پسندد، در سیره امیر مؤمنان ﷺ آمده است که روزی آن بزرگوار با خدمتکارش قنبر برای خرید لباس و جامه به بازار رفتند و یک پیراهن دو درهمی و یک سه درهمی خریداری نمودند، امام ﷺ پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتر هستید؛ چون شما بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید. امام ﷺ در پاسخ وی فرمود:

«انت شابٌ و لك شرة الشباب». ^۱

«تو نوجوانی و میل جوانی داری».

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳، چاپ بیروت.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۳۱

در این حدیث درک شرایط جوانی به خوبی نمایان شده است و امام به امیال جوانی اشاره می‌کند. براین اساس استفاده مناسب و درست از مثال‌ها، حکایات تاریخی، مطالب و کلمات قصار، لطیفه‌ها و داستان‌های شیرین برای انتقال مفاهیم بلند و انتزاعی و فلسفی به گونه‌ای که نوجوان را جذب نماید، می‌تواند مفید و سازنده باشد. همواره فهم مطالب و مباحث انتزاعی صرف و معقولات فلسفی برای دوره‌های سنی نوجوانی و حتی برخی از جوانان دشوار است. پس باید برای نکات روان‌شناسی هنگام بیان مطالب علمی و انتزاعی آنها را زیبا و جذاب نمود و مخاطب را به سوی منبر و مسجد کشاند.

ک) اعتدال در آموزش و عبادت

نوجوان به جهت اقتضایات سنی و رشدی از انرژی و ترک بسیاری برخوردار است. انتظارات امام جماعت و مدیریت مسجد از گروه‌های سنی متفاوت باید متفاوت باشد. هرگز شما از نوجوان امید آن را ندارید تا هم چون میان سالان بیندیشد و عمل کند. اگر حفظ اعتدال در آموزش نسبت به همگان امری مثبت و سازنده است، نسبت به نوجوانان لازم و ضروری است.

سیاست گام به گام و افزایش روز به روز خواسته‌ها و انتظارات بهترین روش در تربیت و آموزش نوجوانان است. بنابراین در آموزش و اعلام خواسته‌ها و انتظارات می‌بایست اعتدال رعایت شود؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«ادعوا الناس و بشّر و تسرّوا و لا تعسّروا».

باید استعدادها و ظرفیت افراد را شناخت و بر پایه آن مردم را به راه حق

فراخواند؛ زیرا ظرفیت و میزان رشد مذهبی افراد گوناگون است. این مهم نسبت به نوجوانان در حد ضرورت است و میباشد به دقت رعایت شود.

(ل) انعطاف‌پذیری

روحیات نوجوانی اقتضای آن را دارد تا اصل آسانگیری و نیز تساهل و تسامح به شدت درباره آنان مراعات گردد. نوجوانان به دلیل کم تجربگی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ به طور طبیعی، خطاب‌پذیرند و از سویی دیگر روحیه استقلال‌طلبی، نوگرایی و سنتیزه‌جویی زمینه بروز چالش‌ها و تضادها را در میان قشر نوجوان و بزرگ سالان پدید می‌آورد. از این‌رو، نحوه‌ی برخورد با جوانان و مسایل آنان نیازمند ظرافت و حساسیت فزون‌تری است؛ از این‌رو لازم است که روحانی در برخورد با آنان از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد چون نوجوان و جوان در معرض خطا و لغزش بیشتری هستند؛ از این‌رو امیر مؤمنان علیه السلام بر انعطاف در برابر آنان تأکید کرده، می‌فرماید:

«جهل الشباب معذور و علمه محقر». ^۱

«نادانی جوان پذیرفته و غیرقابل سرزنش و ملامت است؛ چنان که علم و دانش وی محدود و اندک است».

انعطاف‌پذیری نه تنها نیاز ضروری هم‌گرایی اجتماعی است، بلکه عامل جذب و جلب دیگران و تأثیف دل‌هاست. خداوند با اشاره به ویژگی‌های انسانی

۱. غزال‌الحكم، آمده، ج ۳، ص ۳۶۷.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۳۳

به مسئله انعطاف‌پذیر بودن پیامبر ﷺ در برابر مردمان اشاره می‌کند و این که ایشان با بزرگواری حتی به سخنان یاوه برخی گوش می‌دادند به طوری که از سوی منافقان به «اذن» یعنی گوش شنونده و زود باور و ساده‌لوحی که سخنان دیگری را گوش داده و می‌پذیرد، متهم شد و خداوند نیز این خصلت پیامبر را با اضافه کردن صفت «خیر» می‌ستاید و می‌فرماید:

«قلْ هُوَ اذْنُ خَيْرٍ لَكُمْ». ^۱

انعطاف آن حضرت در برابر همگان به حد و اندازه‌ای بود که خداوند درباره اخلاق عظیم این مربی بزرگ بشریت می‌فرماید:

«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًّا لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ». ^۲

انعطاف‌پذیری، ارتباط عاطفی را افزایش می‌دهد و نوجوانان با جذب به سوی مربیان، سخنان و رفتار مربیان را پذیرفته و بدان عمل می‌کنند.

م) ارایه خدمات مشاوره

روحانی و مدیریت مسجد می‌تواند با ارایه خدمات مشاوره‌ای، نوجوانان و جوانان را به سوی مساجد جذب کند. ارایه خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های مشاوره تحصیلی، انتخاب رشته تحصیلی دیپرستانی و یا دانشگاهی و سایر مشکلات رفتاری روزانه یکی از راههای جذب نوجوانان به مساجد است که به وسیله خود روحانی یا به کارگیری برخی از متخصصان صورت پذیرد.

۱. توبه: ۶۱.

۲. آل عمران: ۱۵۹.

ن) توانایی جسمی و جوانی

جوانی و برخورداری از قدرت جسمی یکی از مهم‌ترین عوامل تداوم ارتباط میان مدیریت مسجد با جوانان و نوجوانان است زیرا ارتباط میان هم‌سالان بهتر و آسان‌تر و تأثیرگذارتر است. هرچه میان دو سوی ارتباط، تفاوت‌های سنی کاهش یابد، امکان بهتری برای تأثیر و تأثر پدید می‌آید.

افزایش سن میان امام جماعت و گروه هدف و عدم تناسب، امکان درک متقابل را از میان می‌برد. هرچه تفاوت سنی میان گروه هدف و امام جماعت افزایش می‌یابد، تفاوت‌های نسلی نیز تشید می‌گردد و هرچه این تفاوت‌های نسلی با تفاوت‌های سنی افزایش و تشید شود، امکان ارتباط نیز محدود‌تر می‌گردد. کهولت سن موجب می‌شود تازه‌مراهی و همگامی با نوجوانان خسته و از پاسخ به پرسش‌ها و شباهات مداوم آنان سرباز زند. بدین‌رو امامان جماعت و مدیران مساجد نمی‌باشند تفاوت‌های میان خود و نوجوانان را کوچک شمارند. مدیریتی که بخواهد ضمن حفظ ارتباط سالم و منطقی، تأثیرات مثبت شناختی و رفتاری در نوجوانان به جا گذارد می‌باشد ضمن حفظ انضباط و اقتدار منطقی، نوجوانان را همراهی کند. این تعامل منطقی میان دو نسل نوجوان و جوان امکان‌پذیرتر است تا میان دو نسلی که از نظر سنی و فرهنگی با هم تفاوت‌های جدی و ملموسی دارند.

س) انطباق گفتار و عمل یا ارایه الگوی عملی

مطلوب‌ترین الگوهای رفتاری برای نوجوانان و جوانان، کسانی هستند

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۳۵

که رفتارشان آمیزه‌ای از محبت، عطفت، ثبات منطق و عقلانیت است. این ویژگی‌ها، جذابیت خاصی ایجاد می‌کند و نوجوانان را جلب و جذب می‌کند.

الگوهای مطلوب برای نوجوانان و جوانان از لحاظ شخصیتی، افرادی فعال، مهربان و دارای دانش‌گسترده در زمینه‌های مختلف هستند. آنها بی که در فراز و نشیب‌های زندگی به وعده‌های خود عمل می‌کند و در هیچ وضعی، مخاطب خود را تهدید و تحریر نمی‌کنند، بلکه برای اصلاح رفتارهای نامناسب نوجوانان از روش‌های روان شناختی بهره می‌گیرند. این‌گونه مربیان، الگوهای مطلوب و جذاب نوجوانان هستند.

افرون بر آنها، آرمان‌گرایی روحانی نیز بسیار مهم است؛ زیرا از مهم‌ترین ویژگی مربیان محبوب نوجوانان، علاقه‌مندی به آرمان‌های است که نوجوان بر پایه آن تربیت و پرورش یافته است. این عشق و علاقه به آرمان‌های خاص، ارتباط میان مربی و نوجوان را به ارتباطی هدفمند و آرمانی تبدیل می‌کند و مربی کوشش دلسوزانه‌ای را برای باز پروری نوجوانان آغاز می‌کند و از تمام ظرفیت و توانمندی‌های خود، هم چنین از همه شرایط و نیز ظرفیت‌های نوجوان بهره می‌گیرد تا به آن آرمان‌های مقدس و ارزشی دست یابد.

بدینسان از عوامل گرایش نوجوانان و مردم، پای‌بندی روحانی بر ارزش‌های اخلاقی و تطبیق‌گفთار باکردار است؛ به ویژه امروزه که حساسیت مردم نسبت به نوع و شکل عمل کرد روحانیان در مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی به مراتب بیشتر شده است. ناسازگاری رفتار با گفთار از نظر اسلام

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

و قرآن امری ناپسند شمرده و گناهی قابل مجازات دانسته شده است و خداوند در قرآن به روشنی و صراحة در این باره هشدار داده، می‌فرماید:

«لَمْ تَقُولُنَّ مَا لَا تَفْعَلُنَّ كَبِيرٌ مَّقْتَانٌ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُنَّ».^۱

«چرا چیزی را می‌گویید که خود بدان عمل نمی‌کنید؟ در نزد خداوند گناه بسیار بزرگی است که چیزی بگویید و بدان عمل نکنید».

با کمال تاسف گاه موج رفاه‌خواهی و تجمل‌گرایی که در برخی از روحانیان پیدا شده جوان را نسبت به روحانی بدین می‌سازد. عدم مطابقت عمل و گفتار روحانی در حوزه‌ی مفاهیمی چون ساده‌زیستی، تواضع، عدالت‌خواهی، و دنیاگریزی در زندگی برخی روحانیان به ویژه برخی که مسئولیت‌های اجتماعی نیز بر عهده دارند، خطری جدی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ان الله تعالى فرض على أمته الحق ان يقدروا انفسهم بضعفه الناس كيلا يتبعن بالفقير فقره».^۲

«خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را

۱. صفحه ۲.

۲. ميزان الحكمه، روى شهرى، ج ، ص ۳۲ .

فصل دوم: راه کارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۳۷

با مردمان ناتوان جامعه هم سطح کنند تا بینوایی
تهی دستان بر آنان نشورد و آنان را از پای در نیاورد».

بنابراین اگر روحانی می‌گوید: کسی که از همسایه‌گرسنه‌اش خبر نداشته باشد و به وضعیت زندگی او رسیدگی نکند، مسلمان نیست. می‌بایست خود نیز در عمل چنین باشد و گرفتار دنیا و زندگی رفاهی آن نگردد و از احوال گرسنگان به ویژه از همسایگان خویش آگاه و با خبر باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«رحم الله قوماً كانوا سراجاً مناراً كانوا دعاهم الينا باعمالهم
و مجهد طاقتهم». ^۱

«خداوند رحمت خویش را نصیب کسانی کند که مانند
چراغ فروزان و مشعل سوزان، راه دیگران را روشن
ساختند و با کردار خویش، مردمان را به راه ما فرا
خواندند و با تمام توان و قدرت عملی خود، حق را
شناساندند».

روحانی باید به این عامل بیش از عوامل دیگر در زندگی اجتماعی خود توجه کند؛ زیرا نوجوانان به طور طبیعی به ظاهر و عمل بیش از باطن و یا مصلحت‌های دیگر می‌نگرند.

آری روحانی برای آن که در دل‌های مردم حضور یابد، می‌بایست در متن

۱. تحف العقول، ص ۲۲۱.

زندگی مردم حضور پیداکند و همانند آنان زیست کند و حتی به عنوان سرمشق چنان باشد که رفتاری اخلاقی تر از آن نتوان تصور کرد.

اگر در قرآن به صرف انتساب زنانی به پیامبر ﷺ خواسته شده تارftar فراتر از دیگران در پیش گیرند و مسئولیت‌های سخت‌تری را به عهده پذیرند،^۱ این برای کسانی که از نظر معنوی و روحی جانشینان آن حضرت و ائمه علیهم السلام به شمار می‌آیند به مراتب سخت‌تر و شدیدتر خواهد بود و مسئولیت آنان در قبال دین و جامعه فروزنمی‌شود. از این‌رو، تهذیب نفس، قناعت طبع و همدردی و همدلی روحانی و عالم دینی بهترین شیوه زیست را ارایه می‌دهد. از آن جایی که نوجوانان به تحلیل ژرف نمی‌پردازند، قضاؤت و داوری آن شتاب آلد است، رفتار و سفارش‌های بیانی در صورتی که با رعایت نکات روان شناختی انجام گیرد، تأثیری به سزا خواهد داشت؛ ولی عدم هماهنگی میان قول و عمل تأثیر کلام مریبان را کاهش داده و گاه بی‌اعتبار می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هرگاه شخص عالم به مقتضای علم خویش عمل نکند، اثر پند و اندرزش هم چون آب و باران بر روی سنگ صاف از قلب‌های مردم محظوظ خواهد شد». ^۲

علاوه بر آن جوانان حساس و زود رنج هستند. دیدن فاصله میان گفتار

۱. احزاب: ۳۲.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴.

فصل دوم: راه کارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۳۹

و عمل، زمینه‌گریز جوانان را از روحانی فراهم می‌آورد و بدین گونه است که یکی از پیامدهای تضاد میان گفتار و عمل، ایجاد تنفر و بیزاری در آنان است.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

«کسی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، پیش از آن که به آموزش دیگران پردازد باید خود را آموزش دهد و نیز باید تربیت کردارش بر تربیت گفتارش پیشی داشته باشد». ^۱

استاد سخن سعدی شیرازی نیز در باره عمل‌گرایی سروده است: سعد یا گرچه سخنداو و مصالح‌گویی به عمل کار برآید به سخنداوی نیست حتی فرزندان ما بیش از آن که به گفتار ما نظر افکنند، اعمال ما را زیرنظر می‌گیرند که گفته‌اند: بچه‌های ما آن‌گونه می‌شوند که ما هستیم؛ نه آن‌گونه که می‌خواهیم باشند. در روان‌شناسی ثابت شده است که بخش زیادی از یادگیری انسان از راه چشم انجام می‌شود. به این معناکه نوجوانان بیش از دیگران به دیده‌های خویش باور دارند تا به شنیده‌های خویش.

استاد مطهری می‌گوید:

«هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند، ولی از حکما و فلاسفه آن قدر پیروی

۱. نهج البلاغه، قصار ۷۰.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

نمی‌کنند، چرا؟ برای این که فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب فکری و نظری دارند، فقط تئوری می‌دهند، ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارد، عمل هم دارند؛ آن چه می‌گویند اول عمل می‌کنند حتی این طور نیست که اول بگویند بعد عمل کنند؛ اول عمل می‌کنند بعد می‌گویند؛ وقتی انسان بعد از آن که خودش عمل کرد، گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است». ^۱

تأکید بر شناسایی وظایف و تکالیف سنگین روحانی

مردم از یک روحانی انتظار دارند تا به رسالت خود در عرصه آموزشی، تربیتی و ترویج فرهنگ دینی پردازد؛ مهم ترین عرصه برای حضور و تأثیر روحانیت، تحول جامعه و اندیشه‌سازی برای افراد آن است. وظیفه مهم روحانیت، ارایه‌ی الگوهای مطلوب در عرصه‌های مختلف است.

روحانیت هنگامی می‌تواند تأثیرگذار باشد که به جامعه پذیراند که الگوی ارایه شده از سوی آنان الگوی مناسب و مفیدی است تا نسبت به آن واکنش مثبت نشان داده شود.

با توجه به تغییرات و فرآیند تکاملی و مقتضیات و شرایط زمان در جامعه، ضروری و بایسته است نحوه رسیدن به اهداف به منظور مطلوب‌سازی مواضع و عملکردها مشخص شود.

۱. استاد مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۶.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۴۱

۳- بهسازی برنامه‌های تبلیغی فرهنگی مسجد

امام جماعت مسجد نقش مهمی در برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی مسجد بر عهده دارد. او باید با ماهیت تبلیغ و تکنیک و ابزارهای آن به خوبی آشنا باشد و همه آنها را به کار بگیرد.

در گذشته، تبلیغ در حد برانگیختن احساسات و عواطف و آماده‌سازی آنان برای پذیرش اندیشه، علايق، سلائق و اتخاذ روش خامی از زندگی انجام می‌شد؛ اما امروزه تبلیغی که با هدف خاص و برای قشر یا گروه خاصی و با هدف خاصی مثل افزایش دایره مخاطبان و جذب آنان صورت می‌گیرد، از محدود و ارتباط یک سویه و تلقینی فراتر رفته و به فرآیند دو سویه و تعاملی، میان‌گیرنده و فرستنده تبدیل شده است؛ تا آن‌جاکه مقوله تبلیغ، متأثر از رویکردهای نوین، در پنهان فن‌آوری، ارتباطات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، دیگر علوم‌گسترده شده و کارکرد خود را توسعه داده است. براین اساس تبلیغ، فرآیندی است که محتوای، روش، ابزار و چسبنده و چگونگی آن در تعامل با دو قطب سیال‌گوینده و شنوونده تعیین می‌شود.

عوامل مؤثر در برنامه‌های تبلیغی

در تعامل پیچیده و چند جانبه تبلیغ دست‌کم پنج عامل به صورت فعال دخالت دارند که عبارتند از:

چه کسی؟ چه چیز را؟ به چه کسی؟ از چه طریقی؟ و در چه موقعیتی؟
تبلیغ می‌کند. به سخنی دیگر، عناصر مهم مؤثر در فعالیت‌های تبلیغی عبارتند از:

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

- ۱- مخاطب‌شناسی (شناخت ویژگی‌های گیرنده و شنووندۀ پیام).
- ۲- نیاز‌شناسی (شناخت نیازها، رغبت‌ها و علایق مخاطب).
- ۳- روش‌شناسی (شناخت گزینش روش‌های مؤثر و کارآمد).
- ۴- موقعیت‌شناسی (شناخت فضای روحی و روانی مخاطب و محیط وی).
- ۵- زبان‌شناسی و واژه‌گزینی (زبان آگاهی و هوشیاری بر ادبیات و گفتمان روز).
- ۶- زمان‌شناسی (زمان آگاهی و توجه به ضرورت‌ها و مقتضیات زمان).
- ۷- پیام‌شناسی (ارزش‌یابی، بازخوردگیری، ارزیابی اثربخشی فرآیند تبلیغ).

اینکه به تفصیل به عوامل مؤثر در تبلیغ می‌پردازیم:

الف) شفചیت رساننده پیام

شخصیت‌گوینده در تبلیغ نقش مؤثری را ایفا می‌کند. رساننده پیام است به اندازه خود پیام حایز اهمیت است. در زمانه ما این که گوینده از چه پایگاه و جایگاهی برخوردار می‌باشد و نشان و خاستگاه اجتماعی او در چه حدّ و اندازه‌ای است، عامل و عنصر نخست تبلیغ است. به دیگر سخن عامل ترغیب‌کننده، تأثیر مهمی در تغییر نگرش‌ها دارد. اگر عامل ترغیب‌کننده سخت مورد قبول و احترام باشد، تغییر نگرش به احتمال قوی‌تر صورت می‌گیرد. قابلیت قبول منع پیام، ادراک پیام از سوی مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به این ترتیب گستره پذیرش و عدم التزام شخص را وسعت می‌بخشد و بدین وسیله تغییر نگرش را متحمل‌تر می‌سازد.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۴۳

پیام رسان دین می‌بایست خود از ویژگی‌ها و صفاتی چون آگاهی و علم، اخلاص، راستی، تعهد و مانند آن برخوردار باشد؛ چون تبلیغ دین حوزه‌ای گسترده است که رفتار، گفتار و نوشتار را در برمی‌گیرد. بنابراین روحانی‌ای که مبلغ دین است پیش از هر چیزی خود باید به متن و محتوای پیام باور داشته باشد و بدان متخلق باشد. لذا در درجه اول هم مردم از پیام رسان انتظار دارند تا خود پای‌بند پیام خویش باشد و به ارزش‌های اخلاقی و دینی در زندگی خود جامه عمل پوشاند.

روان‌شناسان اجتماعی اظهار می‌دارند که مقبول بودن منبع پیام در مشوق‌هایی که تغییر نگرش شخص و رفتار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اثر می‌گذارد. بنابراین هر قدر منبع پیام قابل قبول تر باشد، احتمال تغییر نگرش و رفتار اجتماعی پیش‌تر خواهد بود.

تحقیقات و آزمون‌های میدانی و پژوهش‌های علمی جنبه‌های دیگری از مقبول بودن پیام رسان (روحانی) را مشخص کرده است. از این میان عواملی چون تخصص، مورد اعتماد بودن، جذابیت و شباهت پیام رسان به گیرنده‌کان پیام، مردمی بودن نیز حائز اهمیت است.

پیام‌هایی که بازتاب منافع مشخص پیام رسان نباشد قابلیت قبول بهتری داشته و بنابراین احتمال بسیار زیادتری دارند که بتوانند نگرش و گرایش و رفتار مردم را تغییر دهند. هم‌چنین اثر یک پیام‌رسان وقتی بیش‌تر خواهد شد که نوجوان معتقد باشد او علیه منافع خود حرکت می‌کند.

از سوی دیگر بی‌اعتمادی در دو صورت رخ خواهد داد: یکی سوگیری

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

دانشی که بر پایه آن ما تصور می‌کنیم که اطلاعات و دانش پیام رسان (روحانی) نادرست یا مغرضانه است؛ به عنوان نمونه ممکن است گمان ماین باشد که روحانی یا روشنفکران به عنوان نمونه از وضعیت عموم مردم بی‌خبر هستند و نمی‌توانند تصویر درستی از وضعیت داشته باشند.

دیگر سوگیری گزارشی است که بر پایه آن ما تصور می‌کنیم که پیام رسان در واقع مایل نیست حقایق دانسته خود را گزارش دهد. سیاستمداران غالباً متهم به سوگیری گزارشی هستند.

ظاهر جذاب پیام رسان و شبهات‌های به گیرندگان پیام نیز می‌تواند در مؤثر بودن پیام او نقش داشته باشد. در روایات اسلامی نیز بر این نکته تأکید شده است که امام جماعت از نظر ظاهری از زیبایی و جذابیت برخوردار باشد. ظاهر جذاب، توانایی برقراری ارتباط را افزایش می‌دهد و می‌توان از آن به عنوان عامل متقاعدکننده دیگران نام برد.

هم چنین هم زبانی و هم نژادی همانند هم عقیده و هم نظر بودن با گیرندگان پیام اثر بخشی زیاد در پیام رسانی و متقاعد کردن دارد و تأثیرگذاری پیام را افزایش می‌دهد. تحقیقات میدانی نیز این مطلب را آشکار کرده است که نژاد پیام رسان با گیرندگان پیام اثربخش است و به ویژه در مورد پیام‌گیرانی که دارای عقاید مشترکی با پیام رسان باشند. این عوامل تأثیر زیادی در تغییر نگرش و رفتار دارد. قرآن این مسئله به عنوان ما برادر قوم را به عنوان رسول برانگیختیم یاد می‌کند.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۴۵

(ب) مفاطب (نسل جوان)

دومین عنصر، قشر مخاطب و گروه هدف است؛ به این معنا که گروه هدف از نظر سن، جنس، قشر و طبقه اجتماعی و فرهنگی چه کسانی هستند؟ وظیفه اصلی روحانیت تبلیغ به معنای رساندن پیام الهی به گوش مخاطبان و بشارت و انذار همه مردمان به ویژه نسل جوان است.

پیام می‌بایست با توجه به فهم مخاطب تنظیم و بیان گردد. یکی از امتیازات روحانیون در طول تاریخ در امر تبلیغ دین این است که معارف دین را به صورت طبقه‌بندی شده بیان می‌کنند؛ چون به فرموده پیامبر ﷺ توجه دارند که:

«نحن معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم». ^۱

«ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل‌های شان سخن گوییم».

بنابراین با هر کسی که حرف می‌زنند، ظرفیت عقل و سطح فکری شان را در نظر می‌گیرند و متناسب عقل و فکر و سن و فهم آنان با او حرف می‌زنند. از این رو سخن از روش موعظه و پند و استدلال و جدال احسن است.

اهتمام به مخاطب و گیرندهای پیام نشان می‌دهد که مردم بر حسب ماهیت شخصیت خود، از نظر تأثیرپذیری، واکنش‌های دوگانه‌ای را بروز می‌دهند؛ بنابراین ما باید مدل یادگیری سه مرحله‌ای (توجه، ادراک و پذیرش) را که قبل از توضیح داده شد، درنظر آوریم و بدانیم که این‌گونه نیست که مخاطب تنها من فعل باشد، بلکه او نیز فعل است در واقع مسئله تبلیغ و ایجاد نگرش در نوجوان مانند ارتباطات، یک فرایند فعل و پویاست.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳.

۵) موقعیت پیام‌سان و مخاطب

موقعیت گیرنده و شنونده پیام چگونه است؟ زیرا وضعیت روحی و روانی و شرایط عاطفی و احساسی مخاطب و فضای میدانی ذهنی و خارجی هر دو طرف تبلیغ تأثیر شگرفی در انتقال پیام و تأثیرگذاری آن دارد. در این راستا باید به دو نکته توجه نمود:

الف) بهره‌گیری از روش شباهت میان پیام دهنده و گیرنده: یک عامل مهم جذب و جلب مخاطبان، بهره‌گیری از شباهت میان منبع پیام و مخاطبان است. مثلاً یک پیام‌سان دانشجویان مخاطب را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد تا کسی که دانشجو نیست و ارتباطی با این گروه فرهنگی و قشر اجتماعی ندارد.

هم‌چنان، پیام‌سان هم‌زبان و یا هم‌نژاد و هم‌قومیت، بیشتر امکان دارد خویشان و بستگان خود را تحت تأثیر قرار دهد تا کسی که از قوم و نژاد و قبیله او نیست.

در قرآن پیامبران را به عنوان برادران قوم یاد کرده که بیانگر هم‌خویشی ایشان با مخاطبان خود است؛ چنان که درباره پیامبر ﷺ و قومش البته با نوعی سرزنش نسبت به تعصب بیش از اندازه و بیرون از منطق عرب‌ها می‌فرماید که اگر قرآن به زبان غیرعربی نازل می‌شد، هرگز ایشان ایمان نمی‌آورند؛ زیرا هم‌بانی تأثیر شگرفی در گرویدن مخاطبان داشته و گرویش به پیام را در میان مخاطبان هم‌بان بر می‌انگیرد.

در یک آموزه دستوری قرآن نیز می‌خوانیم که از هر قوم و قبیله‌ای، گروهی برای تحصیل و تفقه دین و آموزش اصول و عقاید و فرمان‌های الهی

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۴۷

به مراکز آموزشی رفته و پس از اكمال تحصیل برای انداز و پیامرسانی به میان همشریان و اقوام خویش بازگردند.

ب) همزبانی یا کاهش تفاوت نسلی: برای تأثیرگذاری بر روی نوجوانان نیز می‌توان از روش همزبانی در اصطلاحات و کاربرد واژگان استفاده کرد. البته به اندازه‌ای که مسئله را لوث و از حالت عادی بیرون نبرد.

ج) همراهی و تدریج: یکی از روش‌های جلب آن است که فرد را در موقعیت‌های مختلف همراهی کرد. یکی از موقعیت‌هایی که نوجوان را وادار به پذیرش و تسلیم در برابر خواسته‌های مهمی از سوی فرد دیگر می‌کند، این است که در آغاز خواسته‌ای کوچک و کم اهمیت را به نوجوان بقولاند و پس از آن از وی بخواهد که خواسته مهم‌تری را پذیرد.

این روش که در اصطلاح روان‌شناسی اجتماعی به گام به گام موسوم است. در روان‌شناسی اجتماعی ثابت شده است که پذیرش تقاضای کوچک اولیه، احتمال پذیرش تقاضای بزرگ بعدی را بسیار بالا می‌برد. از این رو می‌بایست از نوجوان بخواهند که هنجارهای کوچک و پیش پا افتاده را پذیرفه و عمل کند و همین که نوجوان به پذیرش و عمل به هنجارهای کوچک عادت کرد، مسایل و مطالب مهم‌تر و اساس‌تری از او خواسته شود.

د) عدالت‌ورزی و قدردانی: روش دیگری که با آن می‌توان افزایش پذیرش هنجارهای دینی و اطاعت از آن را افزایش داد، استفاده از هنجارهای مربوط به عدالت اجتماعی و جبران خدمت است. مثلاً اگر نوجوانی خدمتی در مسجد انجام داده باشد، باید از نظر هنجار اجتماعی خود را مديون او بدانیم و مترصد فرصتی برای جبران آن شویم تا خدمتی را برای او انجام دهیم.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

همین احساس دین و پاداش در برابر خدمت اگر به شکل مادی و دنیوی و یا عاطفی باشد، احتمال پذیرش تقاضاهای بالاتر از جانب وی را بالا می‌برد. نوجوان هر چند پاداش اخروی را در نظر داشته باشد، پاداش نزدیک و دنیوی را بهتر می‌پذیرد و به آن واکنش نشان می‌دهد.

اگرچه نوجوان بدون چشم داشت کاری را انجام می‌دهد ولی پاداشی مناسب می‌تواند وی را در جذب به کارهای بالاتر و مهم‌تر تشویق و ترغیب کند. البته اگر خدمت اهل مسجد نسبت به نوجوانی پیش از خدمت و عمل هنjarی او باشد، در جذب او شاید تأثیرگذار‌تر باشد.

د) محتوا و ماهیت پیام: محتوا و ماهیت پیام و نیز جذابیت و کارکرد موضوع و مضمون پیام از عناصر اصلی جلب مخاطب است. در جهان امروز اگر پیام‌های دینی با گونه‌ای از اقناع عقلانی همراه نباشد، به درستی شنیده نمی‌شود و در جامعه کم‌تر مورد توجه واقع می‌شوند؛ عالمان دینی در دنیای امروز باید به صورت اقناع عقلانی سخن‌گویند و با ذکر منابع و دلایل، مردم را به رفتاری خاصی بخوانند و یا ترغیب کنند.

همچنین برای تداوم و استمرار حضور و ارایه پیام می‌بایست، پیام‌هایی را ارایه کند که برای گروه بسیاری از مخاطبان قابل فهم باشد. بنابراین باید در هر نشست و جلسه‌ای به شرایط حاضران و وضعیت سنی و نیازها آن‌ها توجه کند و پیام را با توجه به مخاطبان انتخاب و گزینش کند.

اگر مخاطبان درباره موضوع آگاهی کافی دارند باید پیام دو جانبه‌ای ارایه کند و چنان‌چه سطح آگاهی مخاطبان از پیام چندان بالا نیست، پیام یک جانبه مؤثرتر است.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۴۹

ه) روش پیامرسانی: روش‌های پیامرسانی نیز به عنوان عامل اصلی و تأثیرگذار نقش مهمی را ایفا می‌کنند؛ زیرا روش تبلیغ هر پیامی با پیام دیگر تفاوت و تمایز دارد؛ از این‌رو، ابزار انتقال پیام و رسانه مورد استفاده، رهیافت‌های درونی و بیرونی و نیز روش‌های پیامرسانی از جهت روش مستقیم و غیرمستقیم بودن، از دیگر عناصر و مؤلفه‌های تأثیر تبلیغ و پیامرسانی درست و سازنده و تأثیرگذار است.

روحانی به عنوان یک پیامرسان می‌باشد بکوشید تا توجه مخاطبان را به پیام‌های خود جلب کند. نکته قابل توجهی که در این موارد باید ذکر شود آن است که بیشتر شواهد حکایت از آن دارند که کسانی که کمترین علاوه را به موضوع نشان می‌دهند همان کسانی هستند که بیشترین تغییر نگرشی در آنان دیده می‌شود، به شرطی که پیام رسان، پیام را به خوبی ارایه دهد. بنابراین نباید به جهت آن که این مخاطب یا مخاطبان از پیام‌های دینی گریزان هستند، مخاطب پیام را تغییر داد پس واکنش سرد و یا احتمال واکنش منفی دلیلی نمی‌شود که مثلاً نوجوانان دین‌گریز مورد خطاب قرار نگیرند و طرف خطاب و پیام تنها افرادی باشند که نگرش آنان نسبت به پیام مثبت است.

در قرآن در آیات زیادی کسانی مورد توجه و اهتمام پیام هستند که به ظاهر کمترین امید را به تأثیر در آن‌ها می‌رود. اصولاً، هدف خطاب پیام‌ها، کسانی هستند که به نظر می‌رسد آنان از دور و هدف خطاب و پیام بیرون می‌باشند.

در این راستا باید به نکات ذیل توجه نمود:

الف) بسترسازی برای ارایه پیام: تحقیقات نشان می‌دهد انتقال زمانی

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

امکان مناسبی می‌یابد که گیرنده پیام از آگاهی‌های قبلی برخوردار باشد. پس اگر بتوانیم مثال‌ها، مطالب و محتوای پیام را با آگاهی گیرنده، پیوندی معناداری دهیم، به امکان رسدن به هدف کمک کرده‌ایم. این مطلب به معنای بقای آگاهی‌ها و طولانی تر کردن اثر آن در مخاطب است که موجب تغییر رفتار وی می‌شود. آژوبل در تحقیقات خود نشان داده است که اطلاعات جدید زمانی معنادار می‌شود که با آن چه فرد از پیش می‌داند مرتبط شود. معنایی که ما به اطلاعات می‌دهیم، ادراک، توجه، حافظه کوتاه مدت، حافظه بلندمدت و سرانجام توانایی ما برای ترکیب این اجزا برای حل مسئله و خلاقیت سازمان آن است. بنابراین روحانی می‌بایست در پیام خود همواره از اطلاعات مخاطب بهترین بهره را ببرد تا بتواند با کمترین هزینه بیشترین سود را بردارد و پیام به گونه‌ای منتقل شود که جذب مخاطب شده و تغییر در نگرش و رفتار وی را شاهد باشیم.

از سوی دیگر پیام در خلاصه‌نامه گیرد، بلکه در هنگام ارایه پیام خاص، گیرنده در گیر چندین پیام‌گاه متضاد و متناقض است. اگر روحانی از خدا و بهشت سخن می‌گوید، در همان زمان پیام‌های متضاد دیگری وجود دارد که از منابع دیگر تغذیه می‌شوند. بنابراین عوامل تداخل کننده‌ای وجود دارد که تأثیر شکری در مؤثر بودن یک پیام و متقاضعه کردن آن به جای گذارد.

عامل تداخل کننده در تفکر و تکرار ذهنی مخاطبان، نقش بازدارنده دارد. اگر پیام روحانی مسجد، پیامی باشد که ما نسبت به آن همدلی داریم، عامل تداخل کننده، مانع می‌شود که ما استدلال‌های موافق با آن را مرور ذهنی کیم. بنابراین پیام اثر کمتری خواهد داشت تا وقتی که در یک محیط بدون عوامل تداخل کننده این پیام عرضه شود.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۵۱

اما اگر پیام با عقایدها ما تضاد داشته باشد، عوامل، تداخل‌گر، توانایی ما را برای تنظیم استدلال مخالف آن کاهش خواهد داد. به عنوان نمونه در نظر بگیرد که نوجوان از ما پیام عدالت اجتماعی را به عنوان یک اصل قرآنی می‌شنود، در همان حال ماهواره‌ها، پیام متصاد دیگری به عنوان اصل منفعت طلبی و اصالت فردیت را القا می‌کند؛ در این صورت، نوجوان به عنوان گیرنده چه واکنش نشان می‌دهد؟

این گونه اختلال موجبات حواس پرتی مخاطبان را فراهم می‌کند که عموماً میزان تأثیرگذاری پیام را به شدت کاهش می‌دهد. همین گونه است وقتی عوامل تداخل کننده در اصل پیام‌های مشاهده شود. این گونه عوامل میزان متقاعد کنندگی پیام را به ویژه در میان شنوندگان و مخاطبان که در آغاز بی‌طرف بوده یا در اصل پیام تشکیک دارند، کاهش می‌دهد.

ایجاد تداخل در محیط آزاد و جهان ارتباطی امروز بسیار زیاد است و نمی‌توان فضای بسته‌ای را تصویر کرد که عوامل تداخلی در آن وجود نداشته باشد. این پیام‌های متصاد همانند آن است که در سخنرانی روحانی اختلال ایجاد شود به این صورت که روحانی در حال سخنرانی است و گروهی در گوش مسجد با ایجاد سر و صدا و گپ زدن، اختلال ایجاد کرده و نمی‌گذارند تا پیام و صدای سخنران به گوش مخاطبان و حاضران برسد. یک دلیل در کاهش تأثیرگذاری این می‌تواند باشد که فرد اخلاق‌گر (مانند پرستنده حواس) اطلاعات و موضع و دیدگاه مخالفی را عرضه کرده و ذهن مخاطب شما را مختل کرده باشد. وقتی گروهی از افراد مخاطب با استدلال مخالفی مواجه شوند، موضع گوینده بسیار سست‌تر از حالت عادی (بدون اخلاق‌گر و تداخل کننده) خواهد شد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

برخلاف این، اگر این تداخل کننده از افرادی باشد که هماننگ با یک پیام دو جانبی عمل می‌کند (مانند گوینده‌ای است که با شیوه‌ای آرام و خونسرد) اخالل‌گر را پاسخ می‌دهد. در این صورت می‌تواند تداخل را خنثی کنند.

توجه به تأثیر الگوی قضاوت اجتماعی

علايق و عقاید و نگرش و بینش و هنجارهای پذیرفته شده عرفی نیز تأثیر گذارند؛ الگوی قضاوت اجتماعی اثبات می‌کند که وابستگی عاطفی به یک موضوع می‌تواند، نگرش و تغییر نگرش نسبت به آن موضوع را تحت تأثیر قرار دهد. پیام‌هایی که نزدیک به موضع‌گیری خود شخص باشد، جذب می‌شوند و پیام‌هایی که کاملاً نقطه مخالف موضع‌گیری شخص باشد احتمالاً در گستره طرد وی قرار می‌گیرند و مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و در نتیجه تغییر نگرشی پیش نمی‌آید.

بنابراین روحانی و مخاطبان (نوجوانان) می‌توانند به طور متقابل در یک دیگر تأثیر داشته باشند. غالباً دیده شده است که پیام‌رسانان در صورتی که از موضع و ایستار مخاطبان خود با خبر باشند، کوششی را در جهت تغییر دادن پیام (تعديل در محتوا و یا جای جای پیام) انجام می‌دهند، این مسئله همانند روش قرآن است که در احکام از آسان به سخت و در یک فرآیند زمانی ۲۳ ساله صورت داد. اگر مخاطبان (نوجوانان) نسبت به یک پیام واکنش منفی نشان می‌دهند، روحانی باید از بیان آن در آن مقطع زمانی خاص پرهیز کند و یا همه محتوای پیام را انتقال ندهد و به وقت و شرایط مناسب تری بگذارد. برای جلب و جذب مخاطب نیاز نیست همه آن چه را که آخر گفته شود در آغاز بیان گردد

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۵۳

بلکه با توجه به شرایط و ظرفیت و مقتضیات مخاطب پیام می‌بایست تعديل شود.

ب) تکرار پیام و تعدد پیام‌رسانان: شواهد عملی در الگوی‌های یادگیری نشان می‌دهد که برای موفقیت یک پیام و تأثیرگذاری بیشتر آن، جلب توجه پیام‌گیران و نیز تکرار آن پیام، شانس اثر بخشی را بسیار بالا می‌برد. از این رو، در آگهی‌های تبلیغاتی نیز از این روش و اصول یادگیری و تغییرنگرش در مخاطبان به خوبی و فراوانی به کار گرفته می‌شود. در این روش برای هرچه تأثیرگذاری یک پیام از شخصیت‌های مقبول و مورد اعتماد و کسانی که به گونه‌ای الگو شناخته می‌شوند، بهره گرفته می‌شود و کوشش برای این است تا با استفاده از مقبولیت و محبوبیت و مورد اعتماد بودن و یا جذابیت منع پیام برای مقاعده کردن پیام عرضه شده، تأثیر بیشتری بر روی مخاطبان به جا گذارد.

در اینجا دو نکته مورد تأکید قرار گرفته است:

۱- تکرار پیام.

۲- تعدد پیام‌رسانان.

بنابراین روحانی می‌تواند با تکرار پیام خاصی در فواصل زمانی مشخص و با بهره گیری از شخصیت‌های معتبر و نقل‌گفتمان از آنان و یا با استفاده از حضور چنین اشخاصی، پیام خود را هرچه تأثیرگذارتر به مخاطبان برساند و تغییر نگرشی آنان را شاهد باشد.

ج) دعوت از شخصیت‌های محبوب و الگو: انسان در مراحل مختلف زندگی خویش به الگو و نمونه‌های عینی و ملموس نیاز دارد که با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت گرفته و در حیطه اراده قرار

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

می‌گیرد. در این حال فرد می‌کوشد با شخصی یا اشخاص که به نظرش شخصیتی قابل قبول دارند همانندسازی کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن شخص یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد.

یکی از خواسته‌ها و نیازهای طبیعی و اجتماعی نوجوان، الگوپذیری است. نوجوان در جامعه خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای او سرمشق باشد. ارتباط مستمر شخصیت‌های مثبت و محظوظ جوانان و اجرای برنامه‌های سخنرانی در جلب نظر نوجوانان به مساجد مؤثر است.

د) تبیین سودمندی پیروی از دین: معمولاً هدف از تغییر یک نگرش و تثبیت نگرشی خاص، از سوی هرکس و یا گروهی، بهره‌گیری از مسئله دیگری به نام اطاعت است. کوشش این است تا با تغییر نگرش، اطاعت و پیروی جلب شود. همه در پیام‌های خویش نوعی اطاعت و همراهی را خواستار هستند حتی در تبلیغات کالا نیز هدف جلب نظر و خرید بیشتر برای کسب فوایدی است که برای پیام‌رسان به دنبال خواهد داشت. در پیام‌های دینی نیز این خصلت و ویژگی نهفته است یعنی هدف جلب اطاعت و بندگی در برابر خداوند و دستورات حیات بخش است. این اطاعت و پیروی برای خود فرد مفید و سازنده است و در حقیقت برای فرد و تکامل وی انجام می‌شود. در قرآن در باره و جوب دوستی اهل بیت علیهم السلام و ذوالقربی پیامبر علیهم السلام به این نکته اشاره می‌شود که هدف از و جوب اطاعت و دوستی و ولایت ایشان، سودی است که نصیب و بهره خود عاشقان و دوستداران می‌شود.

ه) بهره‌گیری از روش بشارت و انذار: قرآن از روش بشارت و انذار به خوبی برای جلب مخاطب استفاده و بهره‌گرفته است. البته لازم به ذکر است

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۵۵

که تصویرسازی ناراحت‌کننده از دوزخ و وضعیت دوزخیان، اگرچه برخی از مخاطبان را به سوی اجرای وظایف مورد نظر هدایت می‌کند و در غالب تحقیقات روان شناختی حتی در حوزه‌هایی چون بهداشت و تغذیه، موقعیت برانگیزندۀ ترس در تغییر نگرش و وادار کردن مخاطبان به اعمال خاص مؤثر است، ولی باید بدانیم که روش‌های احساس گناه و یا به مرگ به گیر تا به تراضی شود و حتی روش شوت کوتاه و مانند آن بیشتر در بزرگسالان و اطاعت‌پذیری و هنجارگرایی آنان مؤثر است و در باره نوجوانان و جوانان در بیشتر مواقع ممکن است نتیجه عکس دهد.

همچنین به رخ کشیدن خطاهای و تأکید بر ناهنجاری‌هایی که از نوجوان سر می‌زند و سرزنش آنان، نوجوان را نه تنها به سوی هنجارها سوق نمی‌دهد، بلکه در افزایش ناهنجاری و دور شدن آنان تأثیر به سزاگی خواهد گذاشت. حتی این که از نوجوان تقاضای بزرگ و غیر معقولی شود و سپس تقاضای کوچک‌تر مطرح گردد تا به این تقاضای دوم عمل کند، در مورد نوجوانان نتیجه عکس می‌دهد.

افزون برآن باید بدانیم که گاه مقاومت در برابر متقدعاً دسازی وجود دارد؛ برخی از اطلاعات و پیش آگاهی‌ها که از سوی منابع دیگر دریافت می‌شود، احتمال دارد که مقاومتی را در برابر کوشش‌های متقدعاً دسازی برانگیزد.

فرض کنید که از پیش به نوجوان اعلام می‌شود که روحانی می‌کوشد تا چنین نگرش خاصی را در شما برانگیزد، این امر و آگاهی از پیش داده شده منفی موجب می‌شود تا مقاومت در نوجوان ایجاد شود و حاضر به پذیرش پیام عالم دینی نشود و با پیام به عنوان پیام متضاد برخورد کند.

۴- به روز بودن و استفاده از شیوه و ابزارهای مختلف

شیوه‌های تبلیغ و ترویج ارزش‌ها و معارف دینی با توجه به ابزارهای روز تغییر می‌کند. اگر تادیروز روش و شیوه آموزشی و پرورشی دینی افراد جامعه منحصر در شیوه‌های شنیدنی و خوانشی بود، امروزه با گسترش فن آوری و ابزارهای جدید و نوین می‌توان بلکه می‌بایست از دیگر فن آوری‌های روز در راستای این هدف بهره گرفت و به شیوه‌های و روش‌های گذشته و پیشین بسته نکرد.

الف) بهره‌گیری از عامل خانواده: اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است؛ خمیر مایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه می‌گیرد.^۱

جان لاک فیلسوف انگلیسی می‌گوید:

«کودک از دوران کودکی باید تصورات دقیق و صحیحی از خداوندی داشته باشد که نسبت به ما مهربان است و همه نیازهای ما را برآورده می‌سازد و لطف و نیکی می‌کند. هرگز نباید از خدا و موجودات ناشناخته بترسد. کودک و نوجوان به علت این که خدا نسبت به او مهربان است، خدا را دوست خواهد داشت و به زودی یاد خواهد گرفت که دست نیاز به سوی او دراز کند».

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۵۷

اگر پدر و مادر نگرش مثبتی نسبت به مساجد داشته باشند و آموزش دین فرزندان خود را به عنوان یک وظیفه اساسی تلقی کنند، به طور قطع این‌گونه برخورد تأثیر زیادی در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. حضور مرتب پدر و مادر در مساجد، باعث تقویت رویکرد مسجدگرایی در نوجوانان می‌شود.

ب) جذب از طریق گروه همسالان: استفاده از گروه همسالان از مهم‌ترین راهکارهایی جذب و جلب نوجوانان به مسجد است؛ بهره‌گیری از روش تبلیغات و استفاده از گروه همسالان و تأثیرگذاری در میان ایشان بهویژه رهبران گروه همسالان بقیه افراد گروه را به مسجد می‌کشاند. می‌دانیم که در دوره نوجوانی دوستی‌ها محدود به گروه چند نفره است که ارتباط بسیار صمیمی با یک دیگر دارند. گروه همسالان و دوستان به عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی نوجوان به شمار می‌آید.

مدیریت مساجد برای آن که بتواند تعامل آسان‌تر و ارتباط منطقی و معقولی با نوجوانان برقرار کنند، باید به گروه‌سازی بپردازد و با استفاده از شرایط و متنقضیات سنتی، گروه‌های همسال با تنوع کارکردها ایجاد کند؛ از این‌رو، تشکیل گروه‌های کوچک هم فکر مانند گروه‌های هم خوانی قرآن، تواشیح، گروه هنری، خطاطی و مانند آن می‌تواند مفید باشد.

از آنجاکه طرز نگرش دوستان و گروه همسالان نسبت به نماز و مسجد و ارزش‌های دینی، در واگرایی یا روگرایی آنان نقش مهمی دارد؛ هرگاه ارزش‌های دینی میان گروه قوی باشد، احتمال گرایش فرد به مسجد و ارزش‌های دینی نیز تشدید می‌شود. اهمیت دادن به نظر گروه هر چند که گاه

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

حال افراطی می‌گیرد؛ ولی در میان نوجوانان امری طبیعی است و کمترین توجه به استقلال رای فردی در میان نوجوانان نسبت به جمع و گروه دیده می‌شود. با توجه به این امر طبیعی در نوجوانان می‌باشد در انتخاب دوستان و گروه در این دوره توجه بیشتری از سوی اولیا و مردمان انجام پذیرد. رفت و آمدلای خانواده با خانواده‌های ارزشی می‌تواند ارتباط را با گروهی از همسالان را فراهم آورد که از ارزش‌های دینی برخور دارند.

نتیجه این می‌شود که هرچه گروه همسالان از ارزش‌ها و هنجرهای دینی پیروی کنند، فرد نیز بر پایه آن به سوی هنجرهای دینی و ارزش کشیده می‌شود.

روش‌های جذب گروه همسالان

یکی از ضروری ترین و بدیهی ترین روش جذب و تأثیر در گروه‌های همسالان است که می‌تواند از سوی مدیریت مساجد انجام پذیرد. برای دست یابی به این مهم دو مرحله را باید در نظر گرفت:

الف) مرحله شناسایی

در مرحله اول چند کار باید انجام پذیرد:

- ۱- شناسایی گروه‌های موجود و بررسی زمینه‌های نفوذ، تعامل و جذب آنان به مسجد و ارزش‌های دینی.
- ۲- شناسایی اهداف و انگیزه‌های تشکیل گروه؛ زیرا هر یک از گروه‌های همسالان به هدف خاصی شکل می‌گیرد، مانند گروه‌های کوهنوردی، رزمی، کتابخوانی، ورزشی، هنری.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۵۹

- ۳- شناسایی محورهای اولویت‌دار گروه.
- ۴- شناسایی محورهای حساسیت‌زا و چالش برانگیز گروه.
- ۵- شناسایی تفکرات و نگرش‌های غالب گروه.
- ۶- شناسایی اعضای گروه.
- ۷- شناسایی رهبر گروه.

(ب) مرحله نفوذ و جذب

پس از آنکه گروه‌ها را شناسایی کردیم، در مرحله دوم یعنی مرحله جذب و نفوذ نیز فعالیت‌های زیر صورت می‌پذیرد:

- ۱- ارتباط با رهبر گروه و تعامل سازنده و مثبت با او.
- ۲- تغییر نگرش رهبر با استفاده از الگو و مدل تغییر روش در نگرش‌ها.
- ۳- برنامه‌ریزی در جهت ایجاد ارتباط میان رهبر و مسجد.
- ۴- نفوذ آرام برای هدایت گروه به سوی مسجد.
- ۵- حفظ و پشتیبانی از گروه پس از موقیت با اجرای برنامه جدید و متنوع.
- ۶- تشکیل گروه‌های همسالان با توجه به انگیزه‌های مذهبی مانند گروه تواشیح، گروه قرائت، گروه روزنامه‌نگاران جوان، گروه داستان‌نویسان دینی.
- ۷- اختصاص مکان‌های خاص برای گروه‌های مسجدی.

(ج) واگذاری نقش و مسئولیت به نوجوانان در مسجد

یکی از راههای جذب نوجوانان و بها دادن به آنها واگذاری نقش به آنان است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

از این رو، نقش آفرینی را به عنوان یک از روش‌های جذب مورد توجه قرار می‌دهیم.

نوجوانان روحیه خاصی دارند که ستایش خواهی و جلب توجه دیگران دو دسته از خواسته‌های عاطفی آنان را شکل می‌بخشد. این گونه از اقدامات در سطح معقول و منطقی، سبب ایجاد در رقابت سالم و سازنده میان جوانان و جامعه پذیری آنان می‌شود. به عنوان نمونه نظرخواهی از نوجوانان و بها دادن به نظریات در صورت امکان اجرا، سبب باورپذیری و احساس شخصیت در جوانان می‌شود. آنان از این که می‌بینند به نظر آنان در تصمیم‌گیری‌های مسجد توجه می‌شود، خوشحالند.

برخی از کارهای مسجد را می‌توان به طور کلی یا جزیی به جوانان واگذار نمود. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط جوانان تناسب دارد و سبب ایجاد وابستگی به مسجد در جوانان می‌شود.

(د) فضاسازی عمومی

فضای عمومی کشور را باید برای حضور در مسجد آماده ساخت. به نظر استاد شهید مرتضی مطهری حضور در جمع، مشوق انسان است. حتی بزرگ‌ترهای نیز در حضور جمع، رویکرد مثبت‌تری به عبادت به عنوان یک عمل جمعی خواهند داشت؛ از این‌رو، همراهی بزرگ‌ترها مشوق مهمی برای حضور نوجوانان و موجب می‌شود تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند.^۱

۱. مطهری ۱۳۶۶: ۹۹ و ۱۰۰.

فصل دوم: راهکارهای جذب نسل جوان به مسجد ۱۶۱

هدف از فضاسازی عمومی، عادتسازی مثبت است. وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کند به تدریج با آن خوبی‌گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که در اصطلاح عادت نامیده می‌شود.^۱

کودک و نوجوان با کسب عادت به عبادت همواره در جهت اهداف جامعه حرکت خواهد کرد و رفتار نابهنجاری نسبت به دین و ارزش‌های دینی و آیین‌های آن بروز و ظهور نمی‌دهد، بلکه همواره می‌کوشد تا با حضور در مساجد و جمع مؤمنان خود از فواید و آثار عاطفی و معنوی آن بهره برد. برای فضاسازی می‌توان از شیوه‌های ذیل استفاده نمود:

۱ - ایجاد احساس خوشایند نسبت به نماز: اولین گام این است که تلاش کنیم تا نوجوان احساس خوشایندی نسبت به نماز پیدا کند؛ زیرا اگر احساس خوبی به نماز داشته باشد، خود به دنبال کسب اطلاعات و شناخت بیشتر نسبت به آن برمی‌آید و به ایجاد گرایش مثبت و به جای آوردن نماز در او منجر خواهد شد.

۲ - بیان خاطره‌های زیبا در اهمیت و عظمت نماز: در مناسبت‌های مختلف از خاطرات زیبا و اثربخش نماز که خود تجربه کرده و یا از دیگران شنیده و یا خوانده‌ایم برای فرزندانمان نقل نماییم.

مثالاً: برخورد حضرت امام خمینی^ر با اطرافیان در بیمارستان که به علت استفاده از داروی مسکن و آرامبخش او را برای اقامه نماز از خواب بیدار نکردند.

۱. امینی: ۸۸

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

برخورد شهید رجایی که هنگام اذان و نماز، غذا آوردن، و ایشان گفت:
عهد کرده‌ام هیچ وقت قبل از نماز، ناهار نخورم و... .

شیوه نماز خواندن شهید مطهری که هیچگاه بالباس خانه نماز نمی‌خواند
حتی نماز صبح و... .

۳- روش‌های رغبت برانگیز: باید از روش‌هایی استفاده نماییم که مطابق
رغبت‌ها و انگیزه‌های خود آگاهانه و درونی نوجوانان باشد از به کارگیری جبر
و فشار در فرزندان برای انجام فریضه نماز اکیداً پرهیز کنیم.

۴- استفاده از الگوهای رفتاری: همانندسازی با الگوی محبوب امری
طبیعی و فطری است، مشاهده والدین، دوستان، نزدیکان، خویشان و دیگر
الگوها در حین اقامه نماز، اثر خواهند داشت. از این‌رو، ضمن تعظیم و تکریم نماز از جانب
دینی همانند نماز خواهد داشت. پدران و مادران خصوصاً در سفر، میهمانی، مجالس عروسی، اردو و مانند آن‌ها
زمینه‌ی دیدار فرزندانمان با الگوهای محبوب را فراهم آوریم.

فصل سوم

زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد

وراه مقابله با آن

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد ۱۶۴

مهم‌ترین موانع گرایش به مسجد را می‌توان به دو دسته موانع درونی و بیرونی دسته‌بندی کرد که به تفصیل به هر یک می‌پردازیم:

۱- موانع بیرونی و راه‌های مقابله

همان‌طور که در فصل پیشین اشاره شد برخی از عوامل جذب و دفع بیرونی هستند که راه مقابله با آن تقدیم می‌گردد:

الف) فضای نامناسب اجتماعی

یکی از علل دفع نوجوانان و جوانان از مسجد فضای نامناسب سیاسی اجتماعی و احساس بی‌داد و بی‌عدالتی در آن است.

این فضا ممکن است پنداری و براساس تبلیغات پدید آمده باشد ولی به هر حال این احساس معمولاً با نارضایتی نسبت به دیگران همراه است. نارضایتی و ناخشنودی از بهره‌مندی، به اشکال مختلفی بر رفتار و برخورد افراد تأثیر می‌گذارد. در صورتی که شرایط مساعد باشد، افراد ممکن است نسبت به آن چه بی‌عدالتی اعتراض کنند به گفتوگو پردازند و در مورد آن استدلال کنند ولی اگر برای افراد امکان گفت و گو و استدلال وجود نداشته باشد یا با وجود

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

اعتراض، پاسخ قانع کننده‌ای دریافت نکنند، بدینی و بی‌اعتمادی در آنان ایجاد می‌شود. نوجوانی که خود را در معرض بی‌عدالتی می‌بیند، به تدریج احساس فاصله‌می‌کند، فاصله‌های که با نوعی احساس خصومت و دشمنی آمیخته است و به معنای شروع از هم پاشیدگی در یک محیط اجتماعی است.

به هر حال بخشی از علل واگرایی جوانان از مساجد به مسایل اجتماعی و یا به انتظارات به جا و یا بی‌جا و یا امور و خواسته‌هایی برمی‌گردد که فراتر از نقش و کار ویژه مسجد می‌باشد و مسئولان فرهنگی جامعه باید آن را مورد بررسی قرار دهند و برای چالش‌های آن تدبیر لازم را مقرر سازند.

ب) عملکرد نادرست یا ناقص نهادهای جامعه

کاستی‌های نظام آموزشی یا عملکرد نادرست و ناقص آموزش و پرورش، معلمین و آموزگاران و نهادهای دیگر تربیتی چون خانواده، مهد کودک همچنین فضای نامناسب سیاسی و اجتماعی در کشور موجب کاهش اقبال نسل جوان به مسجد می‌گردد. به عنوان مثل اگر رسانه عمومی که مسئول شکل‌گیری صحیح فرهنگ عمومی جامعه است، نادرست یا ناقص یا سست و یا ضدفرهنگی عمل کند و آثار مخرب آن در گرایش یا واگرایی نوجوانان به مساجد مؤثر می‌باشد، نمی‌توان و نباید از مساجد و مدیریت آن انتظار داشت تا این وظیفه و کار ویژه نهاد دیگری را به عهده گیرد و در هنگام داوری و تحلیل، نهاد مسجد را عامل و یا مسئول دفع جوانان و افراد جامعه از مسجد دانست.

در تحقیقاتی که در ۴ منطقه آموزش و پژوهش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ تعداد ۶۰۹ دانشآموز دختر در پایه‌های تحصیلی مختلف (اول تا سوم)

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۶۷

انجام شده، نشان داد که تعارضات موجود بین آموزش و تربیت دینی خانواده‌ها با جامعه بزرگ‌تر (مدرسه، صدا و سیما و سینما) سبب تغییر نگرش و بعضًا سبب فاصله‌گرفتن و یا بیراهه رفتن دانش آموزان می‌گردد.

منطبق و همسو شدن تربیت دینی خانواده‌ها با جامعه بزرگ‌تر برای همنگ شدن با جامعه در بسیاری اوقات موجبات سردگمی نوجوان را فراهم می‌سازد؛ زیرا نوجوان و خانواده او معتقد‌ند نباید از اجتماع فاصله بگیرند؛ چراکه در غیر این صورت جزء اقلیت می‌شوند. در همین زمینه پیشنهاد می‌گردد اطلاع رسانی صورت‌گیرد و سعی شود تا جایی که ممکن است از ارائه شیوه‌های دوگانه و متضاد پرهیز گردد.

بنابراین، نوجوانی که قادر به یافتن ارزش‌های مشتی پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست ایده‌آل‌هایش به هم می‌ریزد و کسی که از درهم‌ریختگی هویت رنج می‌برد نه قادر به ارزیابی ارزش‌های گذشته است و نه می‌تواند آزادانه به انتخاب ارزش‌های جدید بپردازد، از این رو، دچار فروریختگی می‌شود و به تدریج به سوی ضد ارزش‌ها گرایش می‌یابد. پس بر عهده همه نهادهای مسئول و خواهان رشد و تعالی نوجوانان است که به آنان کمک نمایند اعتماد به نفس، شجاعت، توفیق، سرزنشگی و پیشترازی، را از آن خود سازند و از قبول پستی، ضعف، شکست، نامیدی، یأس و تسليم بپرهیزند.

وظیفه همه مسئولان تربیتی این است که نسل جوان را دریافته و از منحرف شدن آنان به سمت و سوی دیگر جلوگیری به عمل آورند؛ زیرا نگرش مذهبی عامل اعتماد متقابل بین فرد و خانواده و رشته مؤثر پیوند بین افراد جامعه است.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

آری خانواده مذهبی، مدرسه مذهبی و به طور کلی جامعه مذهبی، از انسجام بهتری برخوردار است و به افراد خود اطمینان لازم را دارد و از اعضای خود حمایت به عمل می‌آورد و این رمز نگهداری و حمایت از نوجوان و جوان است. خانواده و مدرسه‌ای که از بینش مذهبی درست برخوردار باشد برای واقعیت وجودی نوجوان و جوان خود تعریف درستی ارائه می‌دهد و سعی می‌کند تجربیاتی را برای آنان فراهم سازد که متناسب با ظرفیت وجودی آنها باشد. از این طریق به پویایی فکری و عملی آنان کمک می‌نماید تا دیگر نوجوان احساس خلاً و تهی شدگی نکند.

راه مقابله اساسی با این مشکل، توجه دادن مسئولان و ارایه هرگونه مساعدت ممکن به مسئولان نهادهای اجتماعی برای انجام صحیح مسئولیت‌هایشان است. بدون تردید مسجد و امام جماعت می‌توانند با برقراری ارتباط با این‌گونه مراکز در منطقه مسجد خود با آنان همیاری داشته باشد.

۴) پدید آمدن نهادهای موازی و سازمان‌های جایگزین

دگرگونی در شیوه ارضای نیازهای انسانی، یکی از عوامل اساسی کاهش یا افزایش حضور در مسجد می‌باشد؛ به این معنا که اگر به جای مساجد، راههای دیگری برای تأمین بخشی از نیازهای معنوی و شناختی مردم پیدا شود، زمینه کاهش پدید می‌آید. تغییر در شیوه ارضای نیازها با پیدایش سازمان‌های جایگزین و کاهش حضور، یک فرآیند عادی است که همراه با پیچیده و تکامل یافتن جوامع اتفاق می‌افتد.

در هر دوره‌ی زمانی به جهت شرایط و مقتضیات از مساجد، کارکردها

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۶۹

و انتظارات متفاوتی خواسته و از طریق آن برآورده می‌شد. مثلاً در دوره‌ای به عنوان مرکز حکومت یا نهاد داوری و قضاوی و در دوره‌ای به عنوان نهاد آموزشی و در دوره‌ای به عنوان پایگاه بسیج نظامی و انتظامی عمل می‌کرد. در این دوره‌ها مسجد، افزون‌تر بر نقش ذاتی و کارکرد عبادی، نقش‌های دیگری را ایفا می‌کرد.

بدون تردید اشتیاق یا واگرایی مردم به مسجد با افزایش و یا کاهش نقش‌های مساجد، تشدید یا تضعیف می‌شود زیرا عمل انسان برخاسته از انگیزه‌های متعدد و متفاوتی است که ضعیف شدن یک یا چند انگیزه، تمایل به انجام آن عمل را کاهش می‌دهد. حضور در مسجد نیز از همین قاعده عمومی پیروی می‌کند؛ یعنی با ایجاد سازمان‌های جایگزین و انتقال همه یا بخشی از کارکردهای فرهنگی، سیاسی و رفاهی مساجد به نهادهای جایگزین، تمایل افراد برای حضور در مسجد کاهش می‌یابد.

وجود رقیبان جدید و جدی در سطوح مختلف که از آغاز دشمن و یا ضد نیستند یا دست کم موجب کاهش شنوندگان سخن روحانیون نمی‌گردد؛ بلکه خود مجریان روحانیت هستند ولی تبعات کار آنان به چنین چیزی منجر خواهد شد، را نیز نباید نادیده گرفت.

همچنین جدیدگرایی مخاطبان می‌تواند یکی از علل کاهش حضور مردم در مساجد و فاصله‌گیری از روحانیت و تهدیدی برای پیام‌رسانی باشد. پس اگر روحانیت به مطالب و علوم روز آگاه و بیان خود را با مسائلی چنین درآمیزد با کاهش مواجه نمی‌شود و اگر چنین نکرد دچار مشکل خواهد شد.

پیدایش منابع جدید

بی‌توجهی به منابع تأثیرگذار یکی از آسیب‌های جدی در جلب و جذب نوجوانان به مساجد است. در جامعه ما منابع پیامرسان تغییرات جدی پیدا کرده‌اند زمانی بود که مرجع جامعه برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه دین، تنها روحانیون بودند. اکنون گروه‌های جدید مرجع حتی در حوزه اختصاصی روحانیون یعنی در حوزه دین و اعتقادات پدیدار شده‌اند. به عنوان نمونه استادان و دانشگاه‌ها، مرجع‌های جایگزین در حوزه دین شده‌اند. پاسخ‌ها و روش تعاملی این گروه‌های جدید مرجع با نوجوانان و جوانان تفاوت آشکاری دارد؛ از این رو شناخت این گروه‌های مرجع و نحوه تعامل آنان می‌تواند تأثیر شکری در جذب نوجوانان به مساجد به جا گذارد.

حتی نمی‌باشد مراجع دیگری چون ستارگان فرهنگی و ورزشی و هنری را نادیده گرفت؛ این‌ها نیز می‌توانند نقش مفید و سازنده‌ای در نشر تفکر دینی داشته باشند و روحانی مسجد با استفاده از آنان می‌تواند گروه هدف را به مساجد بکشاند و در توزیع و نشر پیام از حضور آنان یاری گیرد.

امروزه در کنار نهاد حوزه روحانیت و مسجد که در گذشته تنها نهاد تولید کننده معرفت دینی بود نهادهای چون دانشگاه شکل گرفته است که مدعی تولید علم و معرفت دینی هستند هر چند که چنین ادعایی را در دایره خاص علم به صورت صریح ابراز نمی‌کنند ولی چنین گرایشی در تولید علم در همه حوزه‌ها در میان دانشجویان وجود دارد و دانشگاه‌های در عمل چنین می‌کنند. اکنون جامعه به یک معنا چند صدایی است همان‌گونه که در گذشته رقیبان قوی

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۷۱

برای اهل شریعت و شریعت‌مداران چون اهل تصوف و عارفان وجود داشتند، اکنون نیز به شکل قوی‌تر و جدی‌تر و با شمار بیشتر رقیبان جدی به صحنه آمده‌اند، آنان قرائت‌های جدیدی را ارایه می‌دهند، منابع تولید می‌کنند و این منابع در جامعه مصرف می‌شود و هواداران و طرفدارانی برای خود کسب می‌کند.

بنابراین امروزه دیگر تولید کالای دینی در درست روحانیت و حوزه‌ها نیست. بسیاری امروز دیگر نیاز دینی خود را از منابع دیگری تأمین می‌کنند. بنابراین روحانیت با رقبی سرسخت و جدی مواجه است که باید آنان را وارد صحنه کرده و در فهم دینی با خود همراه کند و گرنه که خود نوعی تهدید است. باید بدانیم که اگرچه هنوز هم دین مهم‌ترین، فراگیرترین و بزرگ‌ترین عامل معنابخش و هم‌چنین بزرگ‌ترین عامل هویت بخش عمومی است؛ اما نقش روحانیت در تولید و آموزش دین کم رنگ شده است.

برخی چنین پنداشته‌اند که نهاد روحانیت و تفکر ستی آن، ظرفیت انطباق‌پذیری با محیط داخلی و خارجی را ندارد و نمی‌تواند منطق خود را در نسل نو، باز تولید کند، از این رو قدرت اقتصادی خود را از دست داده و در نتیجه میان آنان و محیط یا نسل جدید شکاف ایجاد می‌شود؛ در نتیجه نسل جدید به گروه یا مرجع جدیدی اظهار علاقه می‌کند! ولی حقیقت آن است که روحانیت توان اداره فکری و روانی نسل جوان را داراست البته برای این هدف باید خود را تجهیز کند و برای آن برنامه‌ریزی نماید.

د) مقطوعی بودن بعضی از نیازها

دوره‌ای بودن بعضی از نیازها در کارکرد مساجد زمینه حضور یا عدم حضور را رقم می‌زند. کاهش حضور مردم در مساجد که در اثر کاهش کارکردهای جنبی یا مقطوعی مساجد ایجاد شده است، امری عادی است و دلالت بر خلاً و کاستی ندارد که باید به دنبال رفع و برطرف کردن آن‌ها بود.

راه مقابله با موانع خارجی

راه مقابله با موانع خارجی پیش گفته چنین است:

۱- توجه به وظیفه اساسی مساجد

تمرکز بر ایفای کارکردهای اختصاصی ویژه مساجد که از عهده سازمان‌ها و نهادهای رقیب برنمی‌آید، اولین راه مقابله است. مساجد با برخورداری از معنویت خاص و کارکردهای ویژه و انحصاری و غیرقابل رقابت و به ویژه در زمینه‌های عبادی و تربیتی می‌توانند در جلب و جذب و افزایش حضور مردم در مساجد مؤثر باشند.

۲- استفاده از امامان جماعت توانا و افزایش نقش آنان

بهترین و مؤثرترین عامل در افزایش توان کارکردن مساجد یاری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، اهل خلوص، فعال، خوش رفتار، فروتن و دارای سعه صدر و توانمند در برقراری ارتباط صمیمی با قشرهای مختلف به ویژه گروه نوجوان و جوان است.

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۷۳

البته باید نقش روحانی مساجد را تقویت کرده و افزایش دهیم. از آن جایی که روحانی و عالم مسجد در حکم پدر اخلاقی امت به شمار می‌آیند، می‌باشد در حوزه‌های علم و عملی با افزایش شناخت خود نسبت به مخاطب و خواسته و نیازهای آنان خود را برای این مسئولیت آماده سازند. روحانی می‌باشد به عنوان عالم دین به آموزش دینی بلکه به آموزش و پژوهش کسانی که به مسجد می‌آیند توجه داشته باشد. ارتباط علمی و عاطفی و احساسی می‌تواند این نقش را چنان که باید و شاید تقویت کند.

۴- افزایش کارکردهای مساجد

به نظر می‌رسد اکنون که انقلاب اسلامی به پیروزی رسانیده و جمهوری اسلامی تشکیل شده مساجد می‌توانند بیش از پیش به نقش آفرینی و تحول‌سازی در سطوح جامعه پردازند؛ از این‌رو هر اندازه مسجد فعالیت‌ها و کارکردهای متنوع‌تر بیشتری ارایه دهد، مسلماً از زمینه جذابیت و اقبال بیش تری برخوردار خواهد بود. البته این نه به آن معناست که کارکردهای ذاتی آن فراموش یا نادیده گرفته شود.

باید بدانیم که هر چند اقبال به جهات کارکردهای اقتصادی و جنبی در حقیقت به معنای اقبال به مسجد تلقی نمی‌شود، ولی از آن جایی که بستری برای ارتباط گروه‌ها و اشار مختلف سنی به مساجد می‌شود، می‌تواند مهم و ارزشمند تلقی شود. بدیهی است برای دست‌یابی به این هدف، مساجد باید بر فعالیت‌های فرهنگی و دیگر جاذبه‌های خود بیافزایند.

۴- تلاش برای بهسازی فضای اجتماعی

مسجد می‌توانند با برنامه‌ریزی مناسب و تعامل با نهادها مختلف در همسازی فضای عمومی نقش داشته باشند.

۲- موانع درونی

موانع درونی گرایش به مسجد به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) موانع مربوط به نسل جوان

مقصود ما از این موانع، موانع و عوامل شخصیتی جوانان به عنوان یک قشر و یا یک گروه سنی با شرایط و مقتضیات دوره‌ای خاص آنها است. دوران نوجوانی مرحله پر کشمکش و دشواری در زندگی شخص است. از آن جایی که نوجوانی، مقطع میان‌کودکی و جوانی است، نوجوان دوران حساسی را می‌گذراند؛ زیرا خود را با رشد سریع جسمانی، پیدایش صفات ثانوی جنسی و ادای مسئولیت اجتماعی و تکلیف‌های دینی به صورتی جدی‌تر مواجه می‌بیند. از طرفی والدین و اولیای مدرسه از آنان توقع رفتارهای پخته و سنجیده دارند و هم این که باید خود را برای ورود به دانشگاه، بازار کار و ازدواج مهیا سازند؛ از سوی دیگر دام‌ها و زمینه بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های رفتاری، عقیدتی و دینی نیز وجود دارد که در صورت ابتلا به آن اصلاح و تصحیح آن‌ها دشوار و سخت می‌شود.

بحran هویت، شخصیت در دوران گذار، واگرایی اجتماعی و گوشنه‌نشینی به جهات تغییرات خاص جسمانی مثل تغییرات محسوس صدا و لحن نوجوانان

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۷۵

و جوانان هنگام بلوغ، رفتارهای ناسازگار از قبیل اضطراب، پرخاشگری و ترس‌ها یا عوامل شناختی، تأثیر انگیزه‌های ناهشیار که به علل سرکوب بسیاری از نیازها و خواسته‌های فردی به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و دیگر اقتضائات این دوره سنی به گونه‌ای است که نمی‌توان از نوجوان خواست و انتظار داشت تا همان رفتاری را از خود بروز و ظهرور دهد که در جوانی و یا میان سالی و کهن سالی نشان می‌دهد، این سن و دوره، به طور طبیعی از نظر روانی اقتضائاتی دارد که گاه آنها موجب واگرایی از دین و مسجد می‌شود.

بحran نوجوانی و جوانی به عنوان عامل درونی از سویی و فقدان ارتباط منطقی و سالم میان خواسته‌ها، انتظارات و ارزش‌های دینی می‌تواند نقش مؤثری در دفع نسل جوان از مسجد ایفا می‌کند.

۱ - مشکلات دوران تحول: مهم‌ترین مشکلاتی که نوجوان با آن رو

به رو می‌شود، عبارتند از:

الف) بحران‌های روانی شخصیتی: از آنجا که از یک سو هرچه در کودکی رخ داده در وضعیت کنونی نوجوان اثر می‌گذارد و از سوی دیگر از او انتظاراتی می‌رود، این دورات، دوران بحران است.

در زمانی که نوجوان به سرعت با تغییرات جسمانی مواجه می‌شود، اجتماع از او می‌خواهد که مستقل و مسئولیت‌پذیر و دارای روابط مسالمت‌آمیز با همسالانش باشد. دروس خود را به خوبی مطالعه و با نمراتی خوب قبول شود و سپس وارد دانشگاه و مدارس عالی شود. در کنار فعالیت‌های علمی و اجتماعی در حوزه فرهنگی و دینی نیز به تکالیف دینی خود عمل و وظایف شرعی را به خوبی انجام دهد.

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

تحقیق برخی از انتظارات برای نوجوانان و جوانان با توجه به وضعیت جسمانی و روانی و مرحله‌گذر از سویی و تحمل واقعیت‌ها و فشارهای جامعه و تلاش و آمادگی برای ورود به بازار کار، آسان نیست و گاه موجب می‌شود که واکنش‌های سرد و تا اندازه متناقضی از خود بروز دهند.

میزان سازگاری و توانایی کنار آمدن نوجوانان با بحران‌ها و مشکلات این دوران متفاوت است و بستگی به عوامل بسیاری دارد. چنان‌که نوجوان به‌طور همزمان درگیر چندین مشکل یا موضوع باشد، امکان بروز بحران و ناسازگاری در او افزایش می‌یابد؛ مثلاً زمانی که نوجوان دچار تغییرات جسمانی (بلوغ) شده و مجبور به انتخاب رشته‌ای در دبیرستان است، امکان بروز بحران در او بیشتر می‌شود.

خانواده و محیط اجتماعی نیز نقشی مهم در شکل‌گیری شخصیت نوجوان ایفا می‌کند و در ایجاد سازگاری و گذر از بحران وی را یاری می‌رساند. خانواده‌ای که میان اعضای آن ارتباطی مناسب و مثبت است یا مدرسه‌ای که برخوردار از مربیان آموزشی دلسویز و با تجربه‌ای می‌باشد و یا جامعه‌ای که در آن برنامه‌ریزی به نحوی مناسب انجام و اجرا می‌شود و نوجوانان و جوانان در آن احساس امنیت می‌کند، امکان بروز بحران را در نوجوان و جوانان کاهش می‌دهد.

درگیری کاری والدین، اختلاف آنان، مشکلات مالی، مدارس شلوغ و بسیاری موارد دیگر سبب ایجاد سر درگمی در نوجوانان شده و بحران نوجوانی و ناسازگاری را تشید کرده و افزایش می‌دهد.

پاره‌ای از مسایل موجب می‌شود تا ایجاد هویت مثبت در نوجوانان

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۷۷

با تأخیر همراه شود؛ زمانی که شخص به سن نوجوانی می‌رسد تا اندازه بسیاری، شخصیت و ذهن او شکل گرفته است. اگر نیازهای نخستین کودک، گرایش و میل شدید به عشق و محبت، احترام، امنیت، مهروزی، به دیگران و بازی و سرگرمی به هنگام و درست ارضاء شود، دوره نوجوانی می‌تواند با همه تغییراتش با سادگی و نشاط سپری شود.

نقش مسجد در حل بحران

مدیریت مسجد زمانی می‌تواند تعامل درستی با نوجوانان داشته باشد که ارتباط روحی و عاطفی قوی با آنان برقرار کند. این ارتباط می‌بایست در یک دوره زمانی بلند مدت صورت گیرد.

به هر حال هریک از دیدگاه و رویکردهای روان‌شناسی راهی را نشان می‌دهند ولی آن‌چه مهم است آن‌که نوجوانان نیازهای دارند که به نقش آنان باز می‌گردد. نقش همان‌گونه که برای آنان مسئولیت‌هایی را پدید می‌آورد، حقوق و انتظاراتی را نیز سبب می‌شود. نگاه روحانی می‌بایست دو جنبه فوق را در نظر داشته باشد. هم نگاه به انتظارات جامعه از نقش یک نوجوان و هم انتظارات نوجوان از این که نقشی را به عهده گرفته است. این جاست که مسئله حقوق و تکلیف دوباره خودنمایی می‌کند.

مسجد در این دوره می‌تواند در ایجاد زمینه‌های مناسب برای گذار نوجوان از دوره بحران نوجوانی نقش سازنده و مثبتی را ایفا کند. توصیه به والدین و مشارکت با آنان در جهت ایجاد وابستگی به قدرتی برتر که منشا و سرچشمۀ همه کمالات و خوبی‌های است و پرورش روحیه اعتماد به خدای

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

یگانه، می‌تواند پذیرش شرایط و تحمیلات بیرونی را برای نوجوان آسان کند.

باور به این که جهان با همه مشکلات زیباست، نوجوان را در مواجهه

با دشواری‌های موجود یاری می‌رساند و محیط شلوغ و مشکلات مالی را قابل

تحمل می‌سازد به‌گونه‌ای که نوجوان به آسانی می‌تواند با آنها کنار آمده و تعامل

ثبت و سازنده‌ای را در محیط بیرون آغاز کند.

از نظر روحی و روانی نیز دریافت حضور دائم و تأثیرگذار خدا در همه

چیز از کلی و جزیی، می‌تواند طمنانیه و آرامش خاصی به نوجوان بخشد.

ب) استقلال طلبی: تیاز نوجوان به استقلال و اثبات وجود، همراه با این

احساس که او را نمی‌فهمند، یکی از خصوصیات مهم دوران نوجوانی است.

نوجوان می‌کوشد تا از دوران کودکی و وابستگی شدید به والدین و ویژگی‌های

این دوره رهایی یابد و در جنبه‌هایی خاص، به استقلال برسد. هرگاه والدین از

این حس استقلال طلبی نگران شوند و بخواهند او را زیاده از حد تحت نظارت

گیرند، درگیری ایجاد می‌شود. والدین و مریبان باید این نکته را مدنظر قرار دهند

که نوجوان حق انتخاب دارد و برخی از رفتارهای او که در نظر آنان ناپسند

می‌آید، به اقتضای سن نوجوانی است.

والدین می‌بایست با درک درست نوجوانی که خود آن را از سر

گذرانده‌اند، به استقلال طلبی نوجوان پاسخی در خور و شایسته دهنند.

استقلال طلبی نوجوانان به مسایل پیرامونی نیز سرایت می‌کند. باید

و نباید هایی که از سوی دین و عالمان دینی انجام می‌شود برای نوجوان در حکم

ادامه روند تعامل با کودک ارزیابی می‌شود و نسبت به دین و دستورها و باید

و نباید های آن همان واکنشی را نشان می‌دهد که نسبت به برخوردهای والدین

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۷۹

انجام می‌دهد. از این رو عالم دینی می‌بایست در برخورد با نوجوانان به عامل استقلال طلبی آنان توجه داشته و در تعامل از شیوه باید و نباید و دستورهای مستقیم پرهیز کند. یکی از عوامل روگردنی از مسجد و دین و عالم دینی عدم توجه به حس استقلال طلبی نوجوانان است که در صورت بی توجهی، از سوی مسجد و دین سلب می‌شود.

ج) نوگرایی و اختلاف با والدین: گرایش نوجوانان به استقلال طلبی و دوری از وابستگی و برخی از ویژگی‌های دوران کودکی موجب می‌شود تا نوجوان نسبت به وضعیت کنونی و ویژگی‌های دوران کودکی با نگاهی انتقادی برخورد کند و از روش‌ها و شیوه‌های رفتاری والدین نسبت به خود، به انتقاد کند. به نظر نوجوانان، رفتار والدین که بر پایه‌ی دوره‌ی کودکی و وابستگی شدید کودک به والدین شکل گرفته و هنوز ادامه دارد، رفتاری نادرست است و نوجوان در شرایط نوجوانی نمی‌تواند آن را فهم و هضم کند و به عنوان رفتاری مناسب بپذیرد.

در برخی موارد، نوجوان معايب والدین و بزرگ‌ترها را چند برابر جلوه می‌دهد و نقاط منفی در نظر او بیشتر جلوه می‌کند. گاهی نوجوانی که خانواده او از دیدگاه مالی در وضع نامناسبی هستند، می‌کوشد این موضوع را از دوستان خود مخفی سازد و از آشکار شدن این موضوع نزد دوستانش خجالت می‌کشد. هم چنین بیشتر نوجوانان تمایل دارند والدین و خانواده خود را از دریچه چشم دیگران و به ویژه دوستان ببینند و در باره آنان قضاوت کنند.

بسیاری از نوجوانان محبت و رسیدگی‌های والدین را مداخله و فضولی بر می‌شمارند چرا که که ضداستقلال خواهی آنان است. موضوعی که ارتباط

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

تنگاتنگی با استقلال طلبی نوجوانان دارد، جست وجو و نیاز به نوشدن است. این امر نمایانگر نیاز نوجوان به شکستن قالب‌های موجود، فاصله‌گرفتن از کودکی و نیاز به فاصله‌گیری از محیط است. به سخن دیگر، نوجوان مایل به شکستن الگوهای سنتی موجود در خانواده یا اجتماع است. بدین رونوگرایی در همه امور نوجوانان پدید می‌آید. نوگرایی را می‌توان در شیوه پوشش، آرایش، کاربرد اصطلاحات و واژگان مخصوص و طرز رفتار و حرکت‌های خاص یافت. گروههای همسالان نیز این وضع را تشید می‌کند و نوجوان به پیروی از دوستانش تمایل می‌یابد رفتاری مشابه انجام دهد و حس می‌کند که از این طریق به استقلال و هویت شخصی دست یافته است.

نگرش اقتصادی نوجوانان در جنبه‌های فردی و مسایل خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن ارتباط نزدیکی با توانایی‌های آنان در به یادآوری عملیات صوری دارد.

به نظر می‌رسد که توجه شدید نوجوانان به معایب بزرگ‌سالان و نظم اجتماعی و خلق و ایجاد نظام‌های جانشین، بیشتر در حوزه حرف باقی می‌ماند تا عمل. این پدیده ممکن است نشان دهنده رشد شناختی ناقص و ادغام نشده با جنبه‌های رفتاری نوجوان باشد.

آگاهی نوجوان از تفاوت میان وضعیت موجود و مطلوب، به سرکشی او کمک می‌کند. نوجوان همیشه وضعیت موجود را با وضعیت مطلوب مقایسه می‌کند و تمایز میان آن دو را کشف می‌کند. در بیشتر موارد تصور می‌کند آنچه موجود است، چیزی کم دارد و نظام موجود پاسخ‌گوی نیازهای او نیست؛ از این‌رو، در قالب سرکشی نسبت به وضعیت موجود، ناراضی و ناخشنودی خود را ابزار می‌دارد.

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۸۱

توانایی‌های شناختن نوجوانان هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی در سال‌های نوجوانی رشد بیشتری پیدا می‌کند و در فرآیند عقلی نوجوانان که برای تشریح و استدلال درباره مسائل به کار می‌رود، تغییرات مهمی به وجود می‌آید. نوگرایی موجب می‌شود تا درباره بسیاری از مسائل پیرامونی قضاوت و داوری‌های نادرستی انجام دهد. یکی از این داوری‌ها نسبت به مسائل دینی و سنت‌های مذهبی و آیینی است. از آن جاکه همواره در پی و جست‌جوی امر نوینی است، بر باورها و به ویژه آیین‌های دینی و مذهبی خرد می‌گیرد. این‌گونه است که نوگرایی خود عاملی برای واکنش سرد نوجوانان نسبت به آیین‌های مذهبی می‌شود. به نظر وی هرگونه تغییر و نوآوری در هر زمینه مفید و سازنده است.

با توجه به این مسئله، می‌توان به آنان تفهیم کرد که هرگونه نوگرایی خوب و یا هر سنتی لزوماً بد نیست؛ بلکه در داوری می‌بایست به سود و زیان هر امر کهنه و سنتی و یا نوینی توجه داشت.

د) رشد ذهنی: تفکر کودکان متکی بر واقعیت ملموس زمان حال و وضعیت کنونی است. با افزایش رشد، تفکر حسی و مبتنی بر حواس، جای خود را به تفکر انتزاعی می‌دهد. تفکرات انتزاعی ظرفیت بهتری را برای شخص فراهم می‌آورد. با این توانایی جدید، نوجوان می‌تواند در باره گذشته و آینده موضوعات و مسائل پیش رو به صورت درست و دقیق تری بیندیشد. بدین ترتیب، افکار نوجوانان دیگر به محسوسات و ملموسات مبتنی و متکی نیست و در دایره واقعیات ملموس محدود نمی‌شود. از این‌رو، می‌تواند به طور منطقی و منظم به بررسی موضوعات و مسائل انتزاعی بپردازد. موضوعاتی که

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

نوجوانان درباره آنها فکر می‌کنند و عقاید خود را براساس آنها شکل می‌دهند، طیف گسترده‌ای از مسائل اخلاقی، سیاسی و علمی را شامل می‌شود. چالش قابل توجه دیدگاه‌هایی است که نوجوان در باره این موضوعات دارد که به احتمال قوی از لحاظ علمی و منطقی سست می‌نماید یا مطالب غلطی است که به دلایل احساسی می‌پذیرد، اما همین دیدگاه‌ها در صورت هدایت و ارایه استدلال مناسب به او، در سال‌های آینده به رشد شناختی بیشتری رهنمون خواهد شد.

رشد تفکر انتزاعی در این دوره این امکان را برای عالم دینی فراهم می‌آورد تا مباحثی خاص در باره توحید و هدفمندی و فلسفه آفرینش و دین و انتظارات دو سویه مطرح سازد و نوجوان با مسئله انتزاعی دین ارتباط درست و منطقی برقرار کند. بنابراین می‌بایست والدین و اولیای آموزشی و پرورشی با توجه به فرآیند رشد عقلاتی عمل کنند و امکان آموزش مستقیم امور دینی را که بیشتر در حوزه امور انتزاعی است به نوجوانی منتقل کنند که در این فضا قرار گرفته است. با آزمون‌های پیاپی می‌توان ارزیابی درستی از وضعیت نوجوان به دست آورد و زمینه را برای آموزش‌های دینی فراهم آورد. هر چند که ممکن است که در حوزه باید و نباید های دینی هنوز با واکنش سرد روبرو باشد؛ و یا در حوزه سنت‌های آیینی رفتار و واکنش مثبتی دریافت نشود؛ ولی در حوزه شناخت، این امر به آسانی انجام می‌پذیرد و واکنش‌ها تا اندازه‌ای معقول و مقبول می‌نماید.

ه) خود محوری: در نوجوانی نوعی خود مرکزی، خودبینی و خودمحوری پدید می‌آید که مرحله‌ی گذار، رشد شناختی نوجوان را شکل

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۸۳

می بخشد. یکی از آثار و پیامدهای این پدیده، رفتارهای جلف با هدف جلب توجه و خودنمایی است که بیشتر در برابر جنس مخالف بروز و ظهور می کند. بسیاری از نوجوانان که وضع ظاهری، رفتار و کلام جلف و نسنجدگان دارند، می کوشند به این شیوه خود را مطرح سازند و توانایی خود را با هویتی منفی نشان دهند.

مورد توجه بودن، احساسی است که در این دوره در نوجوانان ظاهر می شود. به این معنا که نوجوان احساس می کند ظاهر و چگونگی رفتارشان مورد توجه دیگران است. بنابراین همان گونه که نوجوان توجه به رفتار و کنش ها و واکنش های دیگران دارد، احساس می کند که مورد توجه دیگران هم هست و دیگران او را زیرنظر دارند. پیامد طبیعی چنین احساسی، دست پاچگی، خجالتی شدن و شتابزدگی و واکنش های تند و عجیب آنان است. ریشه برخی از رفتارهایی از این دست را باید در چنین احساس و تفکری جست.

از پیامدهای دیگر خودمحوری و خودبینی نوجوانان، احساس قدرت برای انجام کارهای گوناگون و خطرناک است که بیشتر برای جلب نظر دیگران صورت می گیرد. نوجوان احساس می کند، می تواند بسیاری از کارها را بدون توجه به ظرفیت، توانایی و فراهم شدن مقدمات انجام دهد. نوجوانی که نمرات پایینی در درس ریاضی گرفته، هدفش انتخاب رشته معماری یا مهندسی راه است، با این روش برای خود طرح ها و برنامه های بلند پروازانه تنظیم کند و دچار بحران های متعدد دیگر می گردد.

در نوشتہ ها و نامه های محترمانه، دفترچه خاطرات، یادداشت های روزانه و گفته ها و آرزو هایش، بسیار می توان آثار این طرح ها و برنامه های بلند پروازانه

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

رادید. به طور معمولی، نوعی جوشش و انرژی در اندیشه و فکر نوجوان وجود دارد که می خواهد اصلاحات اساسی را به انجام برساند و همه چیز را تغییر دهد. در این صورت ناتوانی در دست یابی به این اهداف و آرزوهای بلندپروازانه ممکن است باعث احساس قضاوتی نومیدانه نسبت به خود جامعه و محیط گردد و نوعی سرخوردگی در وی تقویت گردد و تا آخر عمر با وی بماند.

برای ارضای احساس خودبینی و خودنمایی گاه نوجوان به سوی رفتاری کشیده می شود که بیرون از هنجرهای شرعی و عرفی اجتماعی است و حتی گاه به سوی بزهکاری سوق داده می شود. اینها همه برای جلب کسانی است که محبت ایشان را می جوید.

تغییر در اندیشه و باورها و هماهنگی با هدف موجب می شود که گاه از باورهای دینی و اجتماعی خویش دست بشوید. از این رو می بایست با توجه به شیوه های درست آموزشی و تربیتی و نحوه تعامل با دوره نوجوانی، رفتارهای نوجوان را مهار و هدایت کرد.

عالی دینی می تواند این احساس رضایت را به گونه ای هدایت کند تا در طریق درست قرار گیرد و چون علایق نوجوانی متفاوت و متعدد است و می توان حس خودنمایی را از راه مشروع و درستی ارضا کرد. برگزاری مسابقات و معرفی افراد برتر و تشویق و ترغیب در جمع و یا در مراسمی رسمی می تواند این حس خودنمایی را بطرف سازد.

و) دوران شک و شدن: دوران نوجوانی دوره شک و شدن است. از یک سو نوجوانان تمایل درونی دارند که هرچه را بالقوه می توانند باشند، بشوند و استعدادهای درونی خود را شکوفا سازند که پیامد آن احساس رشد، بلوغ و سلامت روان خواهد بود.

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۸۵

هرچند ممکن است در این مرحله موفقیت چندانی در خود شکوفایی نداشته باشد، اما نیاز به آن را در خود احساس می‌کنند که اگر بهره‌برداری کاملی از ظرفیت و توانایی‌های خود بنمایند، به کمالات شایسته برسند و هرکاری را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

بنابراین هر یک از عوامل پیش‌گفته که می‌تواند عاملی برای بحران و یا بزرگاری باشد، در صورت مدیریت درست می‌تواند به عاملی برای رشد و بالندگی نوجوان تبدیل شود.

نوجوان یا جوانی که سر تسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی‌آورد و ضد همه قدرت‌ها برمی‌خیزد، در درون، متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود می‌باشد. از این‌رو، در بی‌عزت و عظمت واقعی می‌رود و عظمت، قدرت و بقا و دوام خود را در خدا و مذهبی می‌بیند که همه هستی را آفریده و مدیریت می‌کند. پس فلسفه‌ی زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن هدف اصیل و اصلی برای زندگی خویش را می‌جوید. گرایش به دین و مذهب در دوره‌ای از نوجوانی تشدید می‌شود. سرخورددگی از محیط از یک سو و گرایش به امور و مسایل انتزاعی و بیرون از ماده و محیط مادی از سوی دیگر و نیز تکیه بر عنصر قوى و فراتر از تکیه‌گاه‌های آشنا و ناتوان وی را به سوی خدا و قدرت برتر سوق می‌دهد.

با این همه، نوجوان می‌خواهد مذهب و مفاهیم مذهبی را شخصاً با نیروی عقل خود بررسی کند و حقایق آن را دریابد؛ بنابراین بسیاری از شک‌های مذهبی نیز در همین مرحله برای او ایجاد می‌شود که با یافتن پاسخ‌های مناسب راه تکامل خود را نیز طی می‌کند.

جوانانی که در زندگی هدف‌های مشخص ندارند و یا هدف بسیار کوچکی را دنبال می‌کنند، غالباً در تزلزل و نامنی به سر می‌برند؛ زندگی آن‌ها فاقد ارزش بوده، دائماً در حال افسردگی، یأس و نامیدی هستند و احساس تنها بی و پوچی و بیچارگی به آنان دست می‌دهد.^۱

این مشکلات و کمبودها از سویی هم باعث اثربازی نسل جوان از تبلیغات سوء و ناروای دشمنان شده و میان آن‌ها، انقلاب و دین و روحانیت فاصله می‌اندازد. به طور طبیعی این گروه متأثر از تبلیغات سنگین و ناتوی فرهنگی دشمنان که از راه رادیوهای و ماهواره‌ها به جنگ جامعه اسلامی و اشغال سرزمین اسلام آمده است، از مساجد به عنوان پایگاه انقلاب و دین و روحانیت فاصله می‌گیرند.

از سوی دیگر هم با توجه به نبود شناخت کافی از اسلام و احکام دین وجود زمینه نامناسب در گروه و بخشی از افراد دولتی و حکومتی و یارو روحانیت منحرف، باعث برداشت غلط نوجوانان و جوانان از دین و انقلاب اسلامی و اهداف آن‌گشته و به گروهی از نوجوانان و جوانان تحت تأثیر این عوامل و عوامل دیگر به انحراف کشیده می‌شوند.

وقتی نوجوان یا جوان در محیط‌های مختلف اجتماع در مقابل شباهت و القائنات فکری مکاتب و فلسفه‌های مختلف و افراد گوناگون قرار بگیرد و پاسخی منطقی و مستدل نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر است خود را بیگانه با مذهب و مسجد و اولیای آن معرفی کند و با این روش بر احساس

۱. خدایاری فرد، ۱۳۷۳: ۳۵.

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۸۷

حقارت خود به خاطر این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش گذاشته و اندک‌اندک به نفی مذهب کشیده شود.^۱

۲- آسیب زایی گروه همسالان: گروه با وجود اهمیتی که برای فرد دارد، گاه پایگاهی می‌شود که او در آن به سیزه با ارزش‌های اجتماع و گروه بزرگ تر بر می‌خیزد و به سوی تخریب نظم و ارزش‌های اجتماعی می‌کشاند. پس گروه هم می‌تواند نظم را تحکیم بخشد و هم تخریب کند. گروه با انحراف از اهداف جامعه، گاه تا مرز نابودی افراد و جامعه پیش می‌رود و از این عمل خود نیز احساس خشنودی و رضایت می‌کند. گروه به جای این که از اعضای خویش، شخصیتی مستقل بسازد، وی را دچار سرگردانی می‌کند و گاه به بحران هویت او دامن می‌زنند.

جوانی که در خانواده‌ای مذهبی بزرگ و سپس به گروه‌بی اعتنا به اعتقدات مذهبی گرویده است، اگر این جوان نخواهد با هر دو گروه (خانواده و گروه جدید) باقی بماند، حالت و رفتارهای ناشی از این دوگانگی ارزشی در وی پدید می‌آید؛ زیرا خانواده به معاد و حسابرسی اعتقاد دارد و گروه تنها زندگی را محدود به دنیا می‌داند. در این حالت شخص در مورد هستی و هدف زندگی دچار سرگردانی و تردید می‌گردد.

هرگاه فرد ارزش‌های گروه را بر ارزش‌های جامعه و ملت برتری دهد، در این حالت، شخص با جامعه‌ی خویش بیگانه می‌شود. در واقع گروه به جای این که او را به شهر و ندی سالم تبدیل کند که حافظ ارزش‌های جامعه و اجتماع

است، به شخصی تبدیل کرده است که با جامعه خویش سطیز دارد. در این جا گروه به جای آن که نقش سازنده‌ای در جامعه پذیری ایفا کند، به تخریب جامعه دامن می‌زنند.

فرد در گروه تنها ارزش‌های خود و گروه را درست می‌داند. از این‌رو، هیچ انتقادی را نسبت به ارزش‌های گروه نمی‌پذیرد و در مقابل انتقاد دیگران واکنش شدید و اغلب خشونت‌آمیز نشان می‌دهد. تعصب شدید به ارزش‌های گروه و هر چیز منسوب به گروه، چشم او را بر حقایق می‌بندد و اعمال زور و مطلق‌گرایی در او تقویت می‌شود. در چنین حالتی، نوجوان به عدم انعطاف و تحجر دچار می‌شود. گروه به جای آن که از او در زندگی اجتماعی، فردی فعال و خلاق بسازد. او را به عنصری ناسازگار، پرخاش جو و مخرب تبدیل می‌کند. گروه آسیب‌های دیگری نیز به شخص می‌زند. از آن جمله تبعیت بی‌چون و چرا در گروه و ایجاد شخصیت تابع و وابسته است. در گروه‌هایی که انتقاد و پرسش، نابهنجار شناخته می‌شود، شخص به جای این که با زندگی گروهی به شخصیتی مستقل و خود آگاه تبدیل گردد، به موجودی تابع بدون اندیشه و وسیله‌ای برای تحقق اهداف رهبران گروه تبدیل می‌شود.

گروه در حقیقت گاه به بحران هویت شخص دامن می‌زند و نمی‌گذارد تا شخص هویت ثابت و مستقل پیدا کند. نوجوانی که در گروه‌های خاص و تشکیلاتی مسنجم و منضبط قرار می‌گیرند تا آخر عمر خویش افراد تابع و غیرمستقل می‌باشند. از این‌رو برخی از احزاب و تشکیلات سیاسی برای آن که افراد و اعضای پیرو و تابع داشته باشند از همان آغازین روزهای نوجوانی به سراغ آنان می‌روند تا با جذب و آموختش، اعضای پیرو و تابع برای تشکیلات

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۸۹

خود بسازند. در گذشته احزاب کمونیستی و ملیشیایی از این شیوه بهره می‌جستند و با توجه به فضای اقتصادی دوره نوجوانی آنان را در تشکیلات خود سازماندهی می‌کردند.

به هر روی، گروه می‌تواند بسیار آسیب‌زا و خطرناک باشد. مهم‌ترین عامل آسیب‌پذیری نوجوانان را شاید در گروه جستجو و ردگیری کرد که از جمله آن‌ها بحران هویت دینی فرد است.

در این جایز می‌توان بر نقش همسالان در شک‌ها و شدن‌ها توجه داد. نوجوانان بیشتر از خانواده و یا مسجد و مدرسه، تحت تأثیر گروه همسالان هستند. اگر در پژوهش‌ها و تحقیقات میدانی، از تبلیغات و تأثیرپذیری نوجوانان از آن، سخن رفته است، در حقیقت متأثر از همسالان می‌باشد و تأثیرپذیری از دیگر افراد یا کم و یا بسیار کم است؛ زیرا تأثیر تبلیغات از طریق گروه همسالان خود را در تمامی تحقیقات و پژوهش‌های به خوبی نشان می‌دهد.

بنابراین برای مقابله با تهاجم فرهنگی شدید دشمنان بر دین و اهداف اسلام و انقلاب بر مساجد و اولیای دینی است تا با بهره‌گیری از گروه‌های همسالان به مقابله با دشمنان بروند. تحقیقات و نیز برخی از طرح‌های اجرا شده در مساجدی از کشور نشان داده است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از گروه همسالان نه تنها به مقابله با تبلیغات ناتوی فرهنگی رفت، بلکه گروه‌های دینی را بسیج کرد. در این روش با تشویق گروه‌های همسالان به طرق مختلف آنان را به مساجد کشانده و گروه‌های متعدد و مختلف با علایق و سلایق چندی را در مسجد ایجاد کرد. با ایجاد گروه‌هایی چون تواشیح، خطاطی، قرائت قرآن

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

و تشویق گروه‌های همسالان برای جذب و جلب افراد بیرون از گروه می‌توان، بخشی بزرگی از نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد کشانده و به هدایت و رهبری آنان اقدام کرد.

ب) موانع مربوط به مدیریت و برنامه‌های مسجد

نحوه مدیریت و چگونگی ارایه کارکردهای ذاتی و اقتضایی و جنبی مسجد، شخصیت و ویژگی‌های امام جماعت و نادیده گرفتن نیازهای مردم و نسل جوان موجب می‌شود که مسجد از جذب و نقش آفرینی باز بماند و نتواند آن چنان که شایسته و سزاوار آن است، عمل کند و در نتیجه مانع گرایش نسل جوان به آن گردد.

مهتمرین موانع مربوط به برنامه‌های مسجد به شرح ذیل است:

۱ - فقدان اطلاعات و کارآمدی لازم: یکی از شرایط بسیار ضروری

جهت ایفای مطلوب کارکردهای معنوی، فرهنگی، سیاسی در مساجد، آگاهی از مقتضیات زمان و شرایط است. کاهش توان کارکردی مساجد در جامعه بی‌ارتباط با نقش و مسئولیت مسئولان، کارگزاران و امامان مساجد نیست زیرا کشف نیازها و مقتضیات هر زمان، تأثیر مستقیم و ارتباط تنگاتنگی با کاهش و افزایش حضور دارد. در مقابل شناخت نیازها و علایق مخاطبان از اصلی‌ترین علل در گرایش یا دوری از مسجد است.

لزوم به روز کردن اطلاعات

اگر آموزش، به معنای انتقال اطلاعات و دانش‌های نظری و تجربی به دیگری

تعریف می‌شود و اگر پرورش به معنای تربیت انسان بر پایه هدف خاص و با بهره‌گیری از دانش و اطلاعات روز است، پس همواره پرورش دشوارتر از آموزش بوده است، زیرا پرورش نیازمند دو هنر ظریف دانش گسترده همراه با خلاقیت علمی و عملی است.

برای آن که روحانی در مقام آموزش و پرورش نوجوانان در راستای اهداف خاص بتواند موفق باشد می‌بایست مخاطب را بشناسد و در وضعیت دانشی و علمی او قرار گیرد. ماهیت پویایی علم و تجدیدنظر در اطلاعات موجب می‌شود تا نوجوان با شماری از اطلاعات و دانش‌هایی که از طرق مختلف کسب می‌کنند، مواجه باشند. اطلاعاتی که تأثیر شکری در نگرش و رفتارهای آنان بر جا می‌گذارد. از این روحانی می‌بایست خود را با مخاطب خود از این نظر همراه و همگام سازد و از دانش‌های روز بی‌اطلاع نماند.

اگر روحانی بخواهد از سوی نوجوانان و جوانان پذیرفته و درک شوند، باید این وضعیت جدید را نظر گیرند و اطلاعات و دانش خود را به روز نمایند. مسایل دینی به دلیل پیوستگی با ابعاد روحی و جسمی انسان، دانش وسیع و گسترده‌ای را می‌طلبد. هر روز یافته‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف علوم از ریاضی گرفته تا روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فیزیک و شیمی به دست می‌آید که به جهت ارتباط با هستی و انسان، به نحوی با مباحث اعتقادی مرتبط می‌شود. برخی از نظریات علوم جدید با جهان بزرخ و یا بهشت و دوزخ که در برخی از آیات و روایات از وجود کنونی آن خبر می‌دهد، ارتباط می‌یابد و نوجوان را وامی دارد تا برپایه این نظریات، به پرسش‌های اعتقادی پردازد که باید پاسخ مناسب داده شود؛ همان‌گونه که پیشینیان ما با استفاده از نظریات فیزیک زمان

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

خود به توضیح و تفسیر مسائل اعتقادی می‌پرداختند، این انتظار امروز نیز وجود دارد.

اگر نوجوان امروز در کلاس‌های آموزشی خود با نظریات مختلف و متعددی در روان‌شناسی اجتماعی رو به راست حال از او بخواهیم با نظریات و یا اصطلاحات گذشتگان مسائل را برایش توضیح دهیم نه تنها نمی‌تواند چنان که باید و شاید با دین ارتباط برقرار کند بلکه از موضوعات مطرح شده می‌گریزد و تمایلی به گرفتن پیام هر چند با ارزش و مهم، نخواهد داشت.

به عنوان نمونه یافته‌های فیزیک در مباحث بنیادین مانند مسئله علیت و اختیار انسان تأثیر می‌گذارد. حال اگر پرسش‌های دانش‌آموز نوجوانی را که با اصل عدم قطعیت «هایزنبرگ» در فیزیک و یا فرضیات مختلف زیست‌شناسی در تبیین جریان خلقت انسان و مانند آن آشناست را بخواهیم با همان اصطلاحات و اصول پیشینیان پاسخ دهیم نه تنها با مسئله ارتباط پیدا نمی‌کند و درکی درست از آن به دست نمی‌آورد، بلکه با واکنش منفی برخورد می‌کند. نمونه دیگر هنگامی که روحانی از مسئله برهان نظم در خداشناسی سخن می‌گوید و در ارتباط با خلقت انسان و جهان مثال‌هایی را ذکر می‌کند، می‌باشد از نظریات موجود در کتاب‌های درسی مانند نظریه‌های ترانسفورمیسم آگاهی اجمالی داشته باشد و گرنه نمی‌تواند بانو جوان و جوانی که با این نظریات در علوم فیزیک و یا زیست‌شناسی آشنا شده‌اند، ارتباط منطقی و معقولی داشته باشد و نوجوان نه تنها در این مسئله به سخن او گوش نمی‌دهد و نمی‌پذیرد بلکه نمی‌تواند با محتوای کلام و پیام ارتباط برقرار کند چنان که در مسائل دیگر نیز که از سوی روحانی مطرح می‌شود یا در درستی آن تشکیک

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۹۳

می‌کند و یا اصولاً به جهت اختلاف در ادبیات گفتاری، از درک آن عاجز خواهد ماند. پس اگر در مسجد حضور هم یابد به سخنان وی، دل نمی‌سپارد و یا سخنان را مستند و معتبر نمی‌شمارد و در نهایت روحانی از دیدگاه چنین نوجوانی از مرجعیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های کلان اعتقادی و علمی بیرون می‌رود.

معنای این سخن آن نیست که روحانی می‌بایست در علوم تخصصی وارد شود؛ بلکه مقصود آن است که نباید از اصطلاحات و دانش‌های نوجوانان و ادبیات آنان بی‌خبر باشد. روحانی که با این اصطلاحات و یا دستاوردهای علمی ناآشناست و یا آنها را نابهجا به کار می‌برد، موجب واگرایی نوجوانان از مساجد می‌شود.

برخی همواره این اشکال را مطرح می‌سازند که اصطلاحات و ادبیاتی که روحانی به کار می‌برد غیر از اصطلاحات و ادبیاتی است که نوجوان و جوان از طریق کتب درسی آموزشی خود در مدارس و دانشگاه‌ها با آن آشنا شده است. پس چه نیکو است روحانی دست‌کم با این ادبیات و اصطلاحات آشنا شود زیرا غفلت از ادبیات نوین در عرصه مباحث اعتقادی، با وجود اتقان و استحکام مبانی آن، قابلیت ایجاد ارتباط میان آموزه‌های دینی و اندیشه‌های نوجوان را کاهش می‌دهد.

۲ - عدم انطباق با نیاز و انگیزه نسل جوان: در گذشته انسان‌ها با معنویت ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند و حیات معنوی این انسان در حیات دینی یا توسط دین تعریف می‌شده است. اما انسان امروزی، انسانی مستقل و خودبنیاد با ویژگی‌های خاص دنیای امروز است. انسان امروزی کم‌تر احساس می‌کند که به معنویت به عنوان پایه زندگی نیاز دارد و متأسفانه با تبلیغات چنین

باوری در او ایجاد شده است!!؛ به همین جهت احساس به طور طبیعی نیاز به روحانیت و مسجد در او وجود ندارد.

تبیین نشدن معرفت دینی براساس نظام فکری و نقش اجتماعی فرد و عدم انطباق کارکرد اعمال عبادی با نیازها و انگیزه‌ها نیز یکی از آسیب‌های است، به این معنا که چون برخی افراد نه بر مبنای تعهد قلبی و رفتار فطری درونی شده، بلکه بر پایه عرف اجتماعی تن به برخی از آداب و مناسک عبادی می‌دهند، بنابراین ایجاد ارتباط شناختی با نگرش و گرایش می‌تواند در ایجاد انگیزه و نیز عمل به مناسک عبادی و هم چنین بازگشت به مساجد مؤثر باشد.

۳ - ایجاد دلزدگی: اجبار و الزام جهت شرکت در برنامه‌های آیینی و مذهبی مدارس یکی از علل واگرایی نوجوانان از مسجد است؛ شرکت اجباری افراد بدون ایجاد انگیزه شناختی، عاطفی و درونی، آثار خود را در واگرایی نوجوان از مساجد نشان می‌دهد. یکی از خصوصیات بارز نوجوانان این است که از اجبار و تحکم گریزان هستند، بلکه دوست دارند بر پایه افکار و عقاید خود آن چه را که مشاهده می‌کنند یا می‌شنوند و یا تجربه می‌کنند، عمل کنند. بنابراین پیام‌هایی را که به صورت اشاره و گذرا می‌آید تا زمانی که بر پایه تجربیات قبلی و پردازی‌های ذهنی و تمايلات قلبی آنان، باز تولید نشود نمی‌پذیرند.^۱

اصلأً در سال‌های نوجوانی اجبار و فشار نتیجه عکس می‌دهد. به همین جهت هرگونه پافشاری و سخت‌گیری بیش از اندازه برانجام مناسک عبادی به ویژه مستحبات در سال‌های نوجوانی یا اجبار او به گوش دادن به سخنرانی‌های طولانی، موجب دلزدگی نوجوان می‌شود.

۱. نک: کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، ص ۹۰، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱.

فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد ۱۹۵

برنامه‌های معنوی و شرکت در آن‌ها باید به گونه باشد که نوجوان فشاری را احساس نکند که در هنگام رهایی از این فشار، در دوره‌های بالاتر به طور کلی از گرایش و حضور در مساجد سر باز زند.

به کارگیری روش‌های خشونت‌آمیز و قهرآگین توسط والدین که گاه همراه با تنبیه بدنی و ناسزا و سرزنش در آغازین سال‌های تکلیف می‌باشد، زمینه‌های نافرمانی، دلزدگی و واگرایی از مساجد را در آنان تقویت می‌کند. به جای آن که فشار بیرونی برای حضور در مساجد صورت گیرد، باید با ایجاد انگیزه و بیدار کردن و جدان همراه با تشویق و اندار یعنی روشنی که قرآن در پیش گرفته است، می‌توان زمینه حضور خود انگیخته نوجوانان در مساجد را فراهم آورد و تکالیفی مناسب با سن نوجوانی از او انتظار داشت و از هرگونه سختگیری بیهوده اجتناب کرد.

تریبیت دینی باید با ملاطفت و نرمش و نه خشونت و اجراء صورت بگیرد. سعی شود تا دانش آموز و نوجوان از خاطرات و تجارب خوب و مثبتی در زمینه تربیت و آموزش دینی برخوردار گردد، به علایق نوجوان توجه و احترام کافی شود و در موقع مناسب به اصلاح طرز تفکر و نگرش او پرداخته شود، ابتدا طرز تفکر او مورد پذیرش قرار گیرد و سپس در صورت نیاز، به اصلاح و یا نفی نگرش او پرداخته شود.

۴- فقدان ارزیابی برنامه‌ها: بدون شک کارکردهای نهادهای اجتماعی باید ارزیابی شود و در این امر به این نکته توجه شود که این نهادها چه نقشی در حوزه معارف دینی داشته و تا چه اندازه در عمل کرد خود موفق بوده‌اند. باید مشخص شود آن دسته از نهادهای اجتماعی که موجب جامعه‌پذیری افراد

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

می‌شوند و به آنان سمت و سو و شخصیت می‌دهند تا چه اندازه در چارچوب تفکر دینی شکل گرفته و تا چه اندازه توanstه است معارف دینی را در قالب شیوه‌های خود ارایه دهد و مدیران این مراکز هم باید ارزیابی شوند باید ارزیابی نمود که یا روحانی مسجد تا چه اندازه توanstه و توفیق یافته تا به گونه‌ای سازمان یافته در عرصه‌های مختلف تأثیرگذار باشد و دین را در ساحت اجتماعی از درون نهادینه کند؟

هر چند بر پایه تصویری که مردم از روحانی و عالمان دینی دارند، به ارزیابی عمل کرد و نقد آنان می‌پردازند و در این مسایل به گونه‌ای داوری می‌کنند؛ ولی فقدان مرکزی که هم توامندی‌های امامان جماعت را بشناسد و عملکرد مثبت و موفق را تشویق کند در صورت بی‌کفایتی در جهت وظایف اصلی و ذاتی، بی‌پروا آنان را از کار برکنار کند و بر عمل کرد آنان نظارت داشته باشد، یکی از مسایل مهم در حوزه عمل کردی مسجد و روحانیان است؛ زیرا فقدان مرکز ارزیابی و هدایت نیروهای انسانی در حوزه دین و روحانیت و عدم نظارت بر عملکرد آنان زمینه آسیب‌پذیری را فراشیش می‌دهد. از این‌رو، ضروری است تا در مرکز امور مساجد مرکزی برای اعمال نظارت و هدایت پدید آید و به ارزیابی مداوم روحانیون در حوزه عمل و نقش اجتماعی آنان بپردازد.

گفتنی است ارزشیابی کار و عملکرد مساجد و مدیریت آن، کاری بس دشوار و سنگین است؛ اما از آن جا که آثار مثبت و سازنده‌ای در گرایش نوجوانان و حضور بیشتر مردم خواهد گذاشت و بهره‌گیری و استفاده درست و به هنگام از مساجد را به دنبال خواهد داشت و در بالا بردن کیفیت برنامه‌های مساجد نیز تأثیر دارد، یک ضرورت است.

به سخنی دیگر راه حل علمی و مناسب به مشکلات موجود در صورتی امکان‌پذیر است که همواره به طور مستمر ارزیابی و مطالعات دقیقی در مورد مساجد انجام شود. باید بدانیم که تنها توجه پیام روشن، گویا و یا نیت پاک در قلب مبلغان کافی نیست؛ بلکه با توجه به گستردگی فضای فرهنگی جامعه و گوناگونی طبقات مختلف اجتماعی از لحاظ سن، جنس و تحصیل لازم است روش‌های موجود را به دقت ارزش‌یابی کنیم و با ارزیابی، برای یافتن روش‌های جدید نیز تلاش کنیم.

این راهبرد کمک می‌کند تا به دست آوریم که برنامه‌هایی که برای جلب و جذب نوجوانان به مسجد اتخاذ شده تا چه اندازه تأثیرگذار بوده است.

البته باید پژوهش‌های ارزش‌یابی را به صورت کمی و عددی از طریق مصاحبه‌ها و پرسش نامه‌ها، مشاهده، بررسی مدارک و اسناد و راههای دیگر مشخص به دست آورد تا ارزش‌یابی‌ها از حالت توصیفی صرف و کیفی بیرون آید و قابل بررسی و تحقیق جدی باشد.

ضرورت بازسازی پایگاه اجتماعی و محبوبیت روحانی

یکی از مهم‌ترین علل واگرایی نوجوانان از مساجد، عملکرد اجتماعی برخی از روحانیون است. در بسیاری از شباهتی که از سوی نوجوانان مطرح می‌شود می‌توان عاملی از رفتار اجتماعی شخصیت‌های روحانی را یافت به این معنا که شباهت آنها گاه برخاسته از عمل کرد برخی از روحانیان است نه برخاسته از شک در امور دین. بنابراین با تصحیح رفتار می‌توان جلوی بسیار از شباهت به ظاهر دینی را گرفته که عاملی جهت واگرایی دینی و نیز گریز از مسجد است. به همین

عوامل جذب جوانان و نوجوانان به مسجد

جهت کاستن هرچه بیش تر رفتار ناپسند و یا موارد حساس می‌تواند عاملی مهم در جذب جوانان باشد. آری بازسازی رفتار اجتماعی، از تخریب و جاهت و شخصیت روحانیان می‌کاهد.

سعدي گفت و گوي پسرى را با پدرش در باره علت بي اثرى گفتار عالمان

بي عمل چنين مى نويسلد:

فقیهی پدر را گفت: هیچ از این سخنان رنگین دلایل متکلمان در من اثر نمی‌کند. سبب آن است که نمی‌بینم از ایشان کرداری موافق گفت:

ترک دنیا به مردم آموزند خویشن سیم و غله اندوزند

عالم آن کس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند

در این حکایت سعدي پسرى را نشان می‌دهد که منطق وی آن است

که مردم پیش از گفتار به کردار شخص می‌نگرند و دو صد گفته چون نیم کردار

نیست؛ را اصل قرار می‌دهد، اما پدر نظر دیگری دارد و براین باور است

که می‌توان و بلکه باید رفتار مردمان را از گفتارشان جدا کرد و آن چه را به صلاح

است پذیرفت.

پدر با این منطق چنین پاسخ می‌دهد: ای پسر! به مجرد این خیال باطل،

نشاید روی از تربیت نصیحت کنندگان بگرداند و عالمان را به ضلالت و گمراهی

نسبت دهد و در جست و جوی عالم معصوم و پاک از فواید علم و دانش محروم

ماند؛ از این رو می‌گوید:

گفت عالم به گوش جان بشنو ور نماند به گفتنش کردار

باطل است آن چه مدعی گوید خفته را کی خفته کی کند بیدار

مرد باید گیرد اندر گوش ور نشسته است پند بر دیوار

۱۹۹ فصل سوم: زمینه و عوامل بازدارنده از گرایش به مسجد

این پاسخ سعدی با اصول روان‌شناسی ارتباطات انسانی و اصول تربیت ناسازگار است زیرا هر چند پاسخ پدر به نظر منطقی می‌آید و اعتراض آدمی را خاموش می‌سازد ولی دل یک نوجوان به این پاسخ آرام نمی‌شود به این معنا که در علوم اخلاق و مسائل دینی نمی‌توان شخصیت‌گوینده را از گفتار او جدا کرد و تجربیات تاریخی و روانشناسی نیز خلاف آن را نشان می‌دهد چون از نظر مردم به ویژه نوجوانان و جوانان می‌بایست میان‌گفتار و رفتار هماهنگی و سازگاری باشد.

آری برخی از شبهاتی که در جامعه رواج می‌یابد و نوجوانان نسبت به آن حساسیت بیشتری از خود بروز می‌دهند، شباهه تضاد رفتاری است که بدون بازسازی در رفتار اجتماعی برخی از روحانیان از میان نخواهد رفت.

منابع و مأخذ

- ۱ - رضا ناظمیان، انسان و دین، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۲ - طاهره سهرابیان، بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر سارگاری فردی و اجتماعی دانش آموزان استان لرستان، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۹.
- ۳ - فربیا جمالی، بررسی رابطه بین نگرش مذهبی و احساس معنابخشی در دانشجویان دانشگاه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۱.
- ۴ - زهرا رازفر، بررسی نقش باورهای دینی در خویشتداری نوجوانان تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۹.
- ۵ - علی اصغر صباح پور، بررسی نگرش مذهبی جوانان ذکور تهران (۱۷۲۲) و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۶ - محمد خدایاری فر، تهییه پرسشنامه نگرش سنج مذهبی در بین دانشجویان دانشگاه، ۱۳۷۸.
- ۷ - ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائیی، انتشارات آموزش و پژوهش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۸ - مهری محمودی، رابطه قشریندی اجتماعی و رفتارهای مذهبی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- ۹ - یوسف کریمی، روان‌شناسی اجتماعی، ج چهارم، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
- ۱۰ - نیما قربانی، روان‌شناسی دین، یک رویکرد عملی چند تباری، فصلنامه قیسات، سال سوم، ش ۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۷.
- ۱۱ - عبدالعظیم کریمی، رویکردن مادین بمقربت دینی با این کید بر روی های اکتسابی، انتشارات قربانی، ۱۳۷۴.
- ۱۲ - فصلنامه اندیشه و رفتار، شماره ۸، زمستان ۸۰.
- ۱۳ - غلام عباس توسلی، نظریه های جامعه شناسی، ج اول، تهران، سمت، ۱۳۶۹.